



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

عالمی ترین اسکریٹ و اخلاق

یاد مبارک رمضان

پہچ ماہنامہ حضرت آہستہ آہستہ
آغا علی صاحب شہید صاحبی کھارکھانی

پراست پریس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۵	مقدمه
۲۱	فضیلت و شرافت ماه مبارک رمضان
۲۳	فصل اول: فضیلت ماه مبارک رمضان در خطبه رسول خدا صلی الله علیه وآله
۲۹	فصل دوم: روزه ندای الهی
۲۹	اشاره
۳۱	ندا
۵۱	فصل سوم: رمضان، ماه نزول قرآن
۵۱	اشاره
۵۶	۱. فضیلت قرآن
۵۸	۲. فضیلت قرائت قرآن
۵۸	۳. معجزه جاودان
۶۴	گواهی بیگانگان بر عظمت قرآن
۷۲	فصل چهارم: قرآن، کتاب زندگی
۷۲	تمسک به قرآن
۷۶	قرآن و اجتماع اسلامی
۸۴	فصل پنجم: سلام بر ماه خدا
۸۴	اشاره
۸۷	برنامه اخلاقی اسلام
۸۹	رمضان و ادعیه

۹۱	نماز جماعت، مظهر اتحاد
۹۱	ارشاد و تربیت در رمضان
۹۳	نقش بهداشتی روزه
۱۰۰	فصل ششم: هلال ماه رمضان
۱۰۰	اشاره
۱۰۷	جهان، مسخر انسان
۱۱۲	فصل هفتم: پایگاه پرهیزکاری
۱۱۲	اشاره
۱۲۳	داستان ابی الدحاح
۱۲۴	داستان عمیر بن حمام
۱۲۵	داستان عوف بن حارث
۱۲۵	بهترین روزها
۱۲۷	مسلمانان صدر اسلام و مسلمانان معاصر
۱۳۸	فصل هشتم: روزه، عبادتی آسان
۱۳۸	اشاره
۱۴۲	الف- آیات کریمه
۱۴۳	ب- احادیث شریفه
۱۴۸	فصل نهم: روزه و پرورش وجدان
۱۵۶	فصل دهم: برنامه های عبادی، نجات بخش انسان
۱۵۶	اشاره
۱۶۳	برنامه عبادی رمضان
۱۶۷	اتحاد اسلامی
۱۷۲	فصل یازدهم: روزه و آموزش آزادی
۱۸۴	فصل دوازدهم: روزه و سیر زمان
۱۸۴	نقش علم در ایمان
۱۹۰	توجه به یک نکته

۱۹۱	اسلام و خرافات
۱۹۴	فصل سیزدهم: نقش روزه در روح انسان
۲۰۳	فصل چهاردهم: روزه، مدرسه عالی اجتماعی
۲۰۳	اشاره
۲۱۶	رمضان، ماه دعا
۲۲۲	همه باید دعا کنند
۲۲۳	بهترین دعاها
۲۲۵	ماه رمضان بهار دعا است
۲۲۷	توبه و استغفار
۲۲۹	پس چه باید کرد؟
۲۳۰	داستان بومیان موریس
۲۳۲	ملل دیگر
۲۳۲	بهترین روش
۲۴۴	شب قدر
۲۴۶	تعیین شب قدر
۲۴۷	حکمت پنهان بودن شب قدر
۲۴۸	تجدید عهد با ولی امر علیه السلام
۲۴۹	فصل پانزدهم: رمضان از دیدگاه «اسلام» و «ما»
۲۶۵	فصل شانزدهم: عید سعید فطر
۲۶۵	اشاره
۲۷۱	نماز و زکات
۲۷۵	داستانی از زهد علی علیه السلام
۲۷۸	ماه یزدان
۲۸۰	مکتب «توبوا الی الله»
۲۸۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدید آور : عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان/ لطف الله صافی گلپایگانی.

وضعیت ویراست : [ویراست ۲].

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۲۸۷ ص.

شابک : ۷۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۸۸۵-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : چاپ قبلی: صدر، ۱۳۵۳.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۷۰.

یادداشت : نمایه.

عنوان دیگر : ماه مبارک رمضان.

موضوع : روزه (اسلام) -- فلسفه

موضوع : رمضان

موضوع : روزه (اسلام)

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۱/ص ۲ ع ۲ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۳۶۲۸۱

تصوير

□

ص: ٢

تصوير

□

ص: ٤

تصوير

□

ص: ٥

تصوير

□

ص: ٦

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامِ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَإِنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ أَنْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرّر شده است؛ همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرّر شده بود، باشد که پرهیزکاری کنید. [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرّر شده است]. [ولی هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه طاقت فرساست، کفّاره ای است که

ص: ۹

خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است، و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است.

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (١)

ماه رمضان [همان ماه است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است،] کتابی که مردم را راهبر، و [متضمن دلایل آشکار هدایت، و] میزان تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد؛ تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونتان کرده است به بزرگی بستایید، و باشد که شکرگزاری کنید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَاجْلَالَ حُرْمَتِهِ وَالتَّحْفِظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ وَاعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكِفِّ الْجَوَارِحِ عَنِ مَعَاصِيكَ

ص: ۱۰

وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا تُصْغِيَ بِإِسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ وَلَا نُسْرِعَ بِإِبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورٍ. وَلَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ وَحَتَّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّتْ، وَلَا تَنْطِقَ السِّنْتَنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ، وَلَا تَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ وَلَا نَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِي يَقِي مِنْ عِقَابِكَ ثُمَّ خَلَّصَ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِثَائِ الْمُرَائِينَ، وَسَمِعَهُ الْمُسْمِعِينَ، لَا نَشْرُكَ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ وَلَا نَبْتَغِي فِيهِ مَرَادًا سِوَاكَ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست؛ و شناختن فضیلت این ماه و بزرگ داشتن حرمت آن و خودداری از آن چه در آن حرام کرده ای را به ما الهام فرما و ما را بر روزه آن به وسیله نگاه داشتن اعضا از معاصی و به کار بردن آن ها به چیزی که تو را راضی

می سازد؛ یاری کن تا آن که با گوش هایمان [صدا و سخن لغوی را نشنویم؛ و با دیدگانمان به سوی اعمال سهوی شتاب نکنیم و دست های خود را به سوی حرام دراز نکنیم. و با قدم هایمان به سوی کاری که ممنوع شده، نرویم و شکم هایمان را غیر از آن چه تو حلال کرده ای نگاه ندارد و زبان های ما را جز به آن چه تو حدیث کرده ای، گویا نشود و رنجی متحمل نشویم؛

ص: ۱۱

۱- قسمتی از دعای صحیفه سجادیه است که سزاوار است هنگام به ورود به ماه مبارک رمضان مسلمان با تامل تمام دعای ان عالی مضمون را خوانده خود برای استفاده از فیوض این ماه شریف آماده سازند صحیفه سجاده ص ۲۱۳-۲۱۴

مگر در آن چه ما را به ثواب نزدیک می کند و جز آن چه از عقاب تو نگاه می دارد، فرانگیریم. سپس تمام این اعمال را از ریاکاری ریاکاران، و سمعه سمعه کنندگان، خالص ساز که احدی را در آن شریک تو قرار ندهیم و غیر از تو به آن مرادی طلب ننماییم.

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ اعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنَّا وَسَلِّمْ فِيهِ، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيهِ أَنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱)

خدایا! همانا که ماه رمضان آمد و به درستی که روزه اش را بر ما فرض کردی و در آن قرآن را- که راهنمایی از برای مردم و حجت هایی روشن از هدایت و فرقان بین حق و باطل است- نازل کردی. بارالها! ما را بر روزه آن یاری کن؛ خدایا! آن را از ما بپذیر و ما را در آن ماه سالم بدار و آن را در آسان گیری خودت و عافیت دریافت بدار و تحویل بگیر. به درستی که بر هر کاری توانایی. ای رحم کننده ترین رحم کنندگان!

ص: ۱۲

۱- ابن طاووس اقبال الاعمال ج ۱ ص ۶۵ فیض کاشانی الوافی ج ۱۱ ص ۳۹۷ (باب ۶۲): مجلسی بحار الانوار ج ۹۴ ص ۳۵۴

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِيَجَابِرِينَ عَبْدَ اللَّهِ:

يَا جَابِرُ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ مَنْ صَامَ نَهَارَهُ، وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَعَفَّ بَطْنَهُ وَفَرَّجَهُ وَكَفَّ لِسَانَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ مِنَ الشَّهْرِ. فَقَالَ جَابِرٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا جَابِرُ وَمَا أَشَدَّ هَذِهِ الشُّرُوطَ (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به جابر فرمود: ای جابر! این ماه رمضان است. هر کس آن را روزه بدارد و پاره ای از شبش را به عبادت بایستد و شکم و عورت خود را از حرام باز دارد و زبان خود را نگاه بدارد، از گناهان خود- مثل بیرون رفتن او از ماه- بیرون می رود.

ص: ۱۳

۱- کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸۷؛ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۶۲۷؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۳۷۴ (باب ۵۸). سزاوار است روزه داران خطبه مفصّله‌های را که در کتب ادعیّه و حدیث از پیغمبر (ص) روایت شده و مشتمل بر فضایل این ماه و ترغیب به مکارم اخلاق و فضیلت تلاوت قرآن و دعا و توبه و احسان و ادای صدقات است، به دقت مطالعه فرمایند.

جابر عرض کرد: یا رسول الله! این حدیث چه نیکو است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: وچقدر این شروط سخت است.

روایت دیگر:

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرٌ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ، فَمَنْ صَامَهُ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»؛^(۱)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: ماه رمضان، ماهی است که خدا روزه آن را بر شما واجب کرده. پس هر کس از روی ایمان و برای طلب اجر و ثواب، این ماه را روزه بگیرد، از گناهان بیرون می رود. مانند: روزی که مادر، او را زایید.

ص: ۱۴

۱- طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۵۲؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۳۷۵ (باب ۵۸)؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۴۶.

فصل اوّل: فضیلت ماه مبارک رمضان در خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله

ص: ۱۵

شیخ صدوق علیه الرّحمة به سند خود از حضرت امام رضا علیه السّلام از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلّم روزی برای ما خطبه خواند و فرمود:

ای مردم! به درستی که ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به شما رو کرده است. ماهی که نزد خدا بهترین ماه ها، روزهایش بهترین روزها، شب هایش بهترین شب ها و ساعاتش بهترین ساعات است. ماهی که در آن به ضیافت خدا خوانده و از اهل کرامت خدا قرار داده شده اید. نفس های شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن عبادت و عمل شما در آن مقبول و دعای شما در آن مستجاب است؛ پس با نیت های راست و دل های پاک، از خدا درخواست کنید که شما را برای

روزه و تلاوت قرآن توفیق دهد. به درستی که شقی و بد عاقبت، کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم شود و به گرسنگی و

تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید. و بر فقیران و مسکینان خود تصدّق کنید، سالمندان را احترام

ص: ۱۷

نمایید، بر صغار و خردسالان رحم کنید؛ و صلّه ارحام نمایید و زبان های خود را [از آن چه نباید گفت و چشم های خود را از آن چه نباید به آن نگاه کرد، نگاه دارید؛ و گوش های خود را از آن چه نباید شنید حفظ کنید، و با یتیمان مردم مهربانی کنید، تا با یتیمان شما مهربانی شود، و از گناهان خود به سوی خدا توبه و بازگشت نمایید و دست های خود را در اوقات نماز به دعا بلند کنید که آن هنگام بهترین ساعت ها است. خدا به رحمت به سوی بندگانش نظر می فرماید و هرگاه ایشان با او مناجات نمایند، جواب می فرماید و هرگاه او را ندا کنند، لیک می گوید و هرگاه او را بخوانند، مستجاب می کند.

ای مردم! به درستی که جان های شما در گرو عمل های شما است؛ پس با استغفار، از گرو بیرون آورید، و پشت های شما از گناهانتان سنگین است. پس به طول دادن سجود، آن را سبک سازید. و بدانید که خدا به عزّت خود سوگند یاد کرده است که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و آن ها را به آتش جهنّم در روز قیامت نترساند.

ای مردم! هر کس از شما مؤمن روزه داری را در این ماه افطار دهد، برای او نزد خدا ثواب یک بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته خواهد بود. پس گفته شد: یا رسول الله! همه ما قدرت بر آن نداریم؛

فرمود: با افطار دادن به روزه دار- اگر چه به نصف دانه خرما باشد- از آتش پرهیزید. اگر چه به شربتی آب باشد.

ای مردم! هر کس از شما خلق خود را در این ماه نیکو سازد، گذشتن از صراط در روزی که قدم‌ها بر آن بلغزد، برای او است.

ایها الناس! کسی که در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را سبک گرداند، خدا در قیامت حساب او را آسان سازد. و هر کس در این ماه شرّ خود را باز دارد، خدا خشم خود را از او در روز قیامت باز دارد. و کسی که یتیمی را در این ماه گرامی بدارد، خدا او را در روز قیامت گرامی دارد. و کسی که در این ماه با خویشاوند خود صلّه نماید، خدا او را در قیامت به رحمت خود وصل کند. و کسی که در این ماه قطع رحم کند، خدا در روز قیامت رحمت خود را از او قطع فرماید. و هر کس در این ماه نماز مستحّبی به جای آورد، برای او برائت از آتش نوشته می‌شود. و کسی که نماز واجب به جای آورد، مثل کسی است که در ماه‌های دیگر هفتاد نماز واجب به جا آورد. و کسی که در این ماه بسیار بر من صلوات بفرستد، خدا در روزی که میزان‌ها سبک باشد، میزان او را سنگین سازد. و هر کس در این ماه تلاوت آیه‌ای از قرآن کند، ثواب ختم قرآن در ماه‌های دیگر را دارد.

ایها الناس! درهای بهشت در این ماه گشوده است؛ از خدا بخواهید که [این درها را] به روی شما نبندد و درهای آتش، بسته است؛ از

پروردگار خود بخواهید که آن‌ها را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین در بند هستند؛ از خدا درخواست کنید که آن‌ها را بر شما مسلّط نسازد. (۱)

ص: ۱۹

امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: پس من برخاستم و عرض کردم: یا رسول الله! بهترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: یا ابالحسن! فاضل ترین اعمال در این ماه پارسایی است از آن چه خدا حرام کرده است.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریست. عرض کردم: یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه در آورد؟ فرمود: گریه می کنم برای آن چه در این ماه به تو می رسد. گویا تو را می بینم که برای پروردگارت نماز می گذاری. و برخاسته است شقی ترین اولین و آخرین جفت پی کننده ناقه ثمود و بر فرقت ضربتی زده است که با آن ریش تو خضاب شده است. پس، من عرض کردم: این در سلامت دین من است. فرمود: در سلامت دین تو است! سپس فرمود: یا علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته؛ برای این که تو از من، مثل جان منی و طینت تو از طینت من است و تو وصی من و خلیفه من بر امتم هستی!

ص: ۲۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ (۱)

مردان و زنان با ایمان! سخن خدا را گوش دهید.

شما و فقط شما در این آیات، مشرف به خطاب خدای جهان شده اید! خدا شما را می خواند؛ شما را ندا می کند.

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که فرمود:

لَذَّةُ مَا فِي النِّدَاءِ أَزَالِ تَعَبَ الْعِبَادَةِ وَالْعَنَاءِ (۲)

این لذت و احساس افتخار که خدا مؤمنان را ندا کرده و خوانده، زحمت و رنج عبادت را برده است.

ندا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ...

ای مؤمنان! ای مسلمانان! ای مرد و زنی که به خدا و پیغمبرش ایمان

آورده اید!

ای گروندگان!

مخاطب شما هستید؛ خدا با شما است. به هوش باشید!

ص: ۲۳

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۳؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است.

۲- ثعلبی، تفسیر، ج ۲، ص ۶۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۶.

خدا شما را ندا کرده است!

شما باید به ندای خدا پاسخ بدهید!

شما باید که دعوت او را اجابت می کنید!

شما باید که فرمان خدا و حلال، حرام، واجب و هر حکم و دستور اسلام را پذیرفته اید!

شما باید که خدا را ولی تمام امور و صاحب اختیار مطلق و نازل کننده شرایع و جاعل احکام می دانید؛ و برای او در جعل احکام و امر و نهی و تحریم و تحلیل، و وضع نظامات و انشای قوانین، شریک و انبازی نمی شناسید!

شما باید که به حکم ایمان و عقیده، فقط ملتزم به احکام اسلام و تعالیم قرآن می باشید؛ و التزام به هر برنامه و روش و هر نظام و قانون و هر ترتیبی را که غیر از احکام خدا و بیرون از حدود تعالیم قرآن باشد، باطل و انحراف و گناه می دانید!

به شما که اسلام را عقیده و کیش و برنامه زندگی، حکومت و ملیت، قانون اجتماع، صلح و جنگ و همه چیز خود می دانید و بیرون از حصار و صدای اسلام، به هیچ صدایی پاسخ نمی دهید، و به هیچ دعوت دیگر نگرویده اید!

به شما که از برکت ایمان به خدا، آزادی واقعی یافته و در جامعه انسان های آزاد- که غیر از خدا صاحب اختیار و معبودی ندارند- وارد شده اید!

به شما انسان ها که شیرینی آزادی اسلام را چشیده و از بند رقیت و

اسارت حکام و صاحب اختیاران دروغین، رها شده و از ذلت استعباد اولیای ادیان باطله و حکومت های مستبدانه و قوانین موضوعه اندیشه های علیل و مغزهای ناتوان نجات یافته و به عزت پرستش خدای یگانه و تعبد به احکام و التزام به قوانین و فرامین او گرامی و سرافراز شده اید!

خداوند به شما خطاب فرموده است که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ (۱)

اکنون الطاف خدای مهربان را بنگرید.

خدایی که ما و تمام افراد بشر و سایر موجودات کوچک و بزرگ عالم را آفریده است. خدایی که این همه نعمت در درون و بیرون وجود ما به ما بخشیده است.

دست تربیت تکوینی و تشریحی خداوند متعال به سوی همه دراز شده، تا همگان از نقص به سوی کمال ترقی کنند؛ و مؤمنان و بندگان خاص و خالص خود را در ادای تکالیف و اطاعت و روزه داری و ریاضت و تربیتی که از آن منظور است، آماده ساخته و به فرمان بری تشویق فرموده، تا با نشاط و معرفت و بینش هر چه بیشتر، فرمان او را پذیرفته و محرومیت از لذایذ حیوانی، خورد و خوراک و نگاهداری

ص: ۲۵

۱- بقره، ۱۸۳. «ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است».

این رژیم الهی بر آنان دشوار نگردد. در آیات ۱۸۳، ۱۸۴ و ۱۸۵ دّومین سوره قرآن مجید، به نوزده خطاب و در آیه ۱۸۷ به بیست خطاب، در این باره مخاطب و مشرّف فرموده است؛ در این آیات عنایات و الطافی به کار برده است که هم دلیل اعجاز بلاغت و هم گواه کمال عنایت به جنبه های نفسی، روانی و نکات تربیتی است.

تعابیر موجود در این آیات نشانگر آن است که احکام اسلام تنها یک سری قوانین خشک و بی روح و برنامه هایی برای حفظ و انتظام روابط اجتماعی و سیاسی افراد با حکومت نیست؛ که غیر از قدرت سرنیزه و ارعاب و بیم از کیفر و مجازات، تضمین اجرایی دیگری نداشته باشد.

اسلام اطاعت و تمکین و احترام در مقابل قانون را با توجّه به تمام مصالح و نواحی باطن و ظاهر وجود انسان، در خود او ایجاد می نماید؛ و پیش از هر چیز از او می خواهد به خدایی که شارع احکام و قوانین، و پیامبری که آورنده آن هاست، از صمیم جان گرویده و ایمان آورد.

در احکام اسلام به جنبه های عقیده و ایمان، عقل و ضمیر، عواطف و احساسات، مصلحت و خیر، راحتی و آسایش و به توان روحی و جسمی بشر توجّه شده است تا همه، به اجرای آن علاقه مند و تخلّف از آن را تخلّف از عقیده و ایمان، هدایت و حکومت، عقل و ندای وجدان، و تخلّف از خیر و مصلحت بدانند.

اسلام پایه اجرای قوانین را بر قلب و ایمان بشر گذاشته است؛ چرا که بخش عمده ای از احکام و برنامه های اسلامی را نمی توان با اعمال زور و قدرت انتظامی به مرحله اجرا گذارد؛ زیرا با اتکای به قدرت و سلاح مادی، کنترل بشر به طوری که همواره در راه راست قدم بردارد و از روش صواب منحرف نگردد، امکان پذیر نبوده و آن چه با قدرت مادی و نظامی، قابل اجراست از حدود حفظ ظواهر، تجاوز نکرده و در نهایت، زور و قدرت نمی تواند عامل اساسی و پایه منحصر به فرد یک اجتماع منظم، مرتب و قانونی باشد.

با این وجود، اسلام از این موضوع هم چشم پوشیده و در مورد لزوم وجود قدرت برای پیشبرد اصلاحات و اجرای احکام، غافل نگشته و برای حفظ امنیت و عدالت اجتماعی، احقاق حقوق و دفع تجاوز و بیدادگری، کیفر و مجازات را پیش بینی نموده و اجرای آن را وظیفه صالح ترین و قوی ترین قوه اجراییه و دفاعیه قرار داده است.

یکی از بهترین نشانه ها و شواهد استحکام و کمال صحت برنامه ها و روش تربیتی اسلام برای متعهد کردن جامعه، احترام به قوانین و احکام در اوضاع جوامع کنونی عالم اسلام است.

با این که تبلیغات گمراه کننده و عوامل انحراف و تضعیف ایمان، و موانع رشد افکار اسلامی بی شمار شده و تقریباً در همه جوامع

اسلامی، مسلمانان در ترک عمل به احکام دین، آزاد و غیر مسؤول هستند، اما اکثریت آنان هنوز هم با وجود فشارهایی که برای ترک سنن دینی بر آنان وارد می شود، بسیاری از احکام و شعائر را حفظ کرده و به آن ملتزم هستند. از باب مثال:

بیشتر مسلمانان نماز خوانده و روزه می گیرند. حج به جای می آورند؛ عقود و معاملات خود را محترم می شمارند؛ سلام می کنند؛ به نماز جماعت حاضر می شوند؛ زکات و سایر وجوه شرعی را می پردازند؛ در سال، مبالغ بسیاری به مصرف خیرات و احسان و بنای مساجد، مدارس، و بیمارستان ها و درمانگاه ها، کتابخانه و ... می رسانند؛ شراب نمی نوشند؛(۱) زنا نمی کنند؛ ربا نخورده و قمار نمی کنند، دزدی نکرده و مرتکب ظلم و تجاوز نمی شوند؛ مال کسی را غصب نمی کنند؛ حق دیگری را ضایع نمی سازند؛ کم فروشی و تقلب نمی کنند؛ دروغ نمی گویند؛ تهمت نمی زنند؛ در برابر هم نوعان خود به تملق و چاپلوسی نمی پردازند و از راه تقوا و پارسایی و پاکدامنی بیرون نمی روند.

ص: ۲۸

۱- حکومت آمریکا در مدّت چهارده سال شدیدترین مبارزات را بر ضدّ میگزساری انجام داد و بیش از شصت میلیون دلار صرف تبلیغات نموده، و ده میلیون صفحه مطبوعاتی در زیان شراب انتشار داد، و دویست و پنجاه میلیون دلار برای اجرای قانون منع مسکرات صرف کرد؛ و سه هزار نفر را اعدام و ۵۳۲۳۳۵ نفر را زندانی و شانزده میلیون جریمه گرفت؛ و بیش از چهارصد میلیون اموال را مصادره کرد؛ ولی تمام این تدابیر حکومت شکست خورد و نتوانست از میگزساری جلوگیری کند. چرا که تنها منع قانونی و حکومتی نمیتواند هواوهوس و طغیان شهوات و غرایز بشر را فرو نشانند؛ درحالیکه چون تعالیم اسلام بر اساس محکم ایمان به خدا قرار دارد، چهارده قرن است با کمال آسانی و بدون دردسر و خسارت، این موضوع را حل کرده است. (نقل از کتاب: ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین، ص ۸۰).

علت این التزام و تمکین به قانون و اطاعت احکام، روش قانونگذاری اسلام است؛ چرا که از مبدأ وحی صادر شده و تمام جوانب و نواحی در آن رعایت شده و از ایمان و عقیده و فطرت، عقل و منطق و احساسات و عواطف صحیح بشر در ایجاد حس و گرایش به احترام و تقدیس قوانین و احکام، استفاده شده است.

اما نکات، دقایق، لطایف و تعبیرات بلاغت آمیز آیات شریفه:

۱. خطاب «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا»، توجه به ایمان و عقیده، عمل به مقتضای ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و یادآوری شرافت مؤمن است که به مناسبت مقام ایمان، شایسته خطاب خاص الهی شده است.

ایمان به خدای یگانه، شخص را برای اطاعت احکام آماده تر ساخته، مصالح و مفاسد واقعی امور و خیر و صلاح بندگان را نمایان و روح مؤمن را سرشار از عزت نفس و بزرگواری و شرافت کرده، و او را از نزدیک شدن به کارهای زشت و سرپیچی از فرمان خدا باز می دارد.

بنده مؤمن و خداشناس، قانون خدا را محترم می شمارد و بیش از هر قانون و قاعده ای، قانون خداوند نزد او مورد احترام است.

احکام و قوانینی که ساخته فکر بشری است، جایگزین احکام خدا نمی شود و علم، تبلیغات و قدرت حکومت نمی تواند این احترام و اعتبار را به او ببخشد.

به عنوان مثال، قواعد بین المللی یا منشور سازمان ملل و نظایر آن، از جمله قوانینی است که تا حدی حکومت ها و برخی از سران ملل تظاهر به احترام آن داشته و خود را طرفدار آن معرفی می کنند؛ اما آیا حقیقتاً نیز این گونه است؟ یا این احترام به جهت ناچاری های سیاسی و در حدود حفظ منافع و مصالح شخصی یا مملکتی است؟! و اگر این منافع در بین نباشد و یا در خطر افتد به خاطر نفس این اصول کسی به آن احترام و اعتنا خواهد کرد؟! آیا همان کسانی که در مجامع بین المللی عضویت دارند و یا همان ها که خود را مؤسس این سازمان ها می دانند، هنگامی که منافع شان اقتضا کند، این اصول را پایمال نمی نمایند؟!!

شاید تا کنون دیده و یا شنیده نشده است که در مواقع خطیر و حساس حق و عدالت از سوی آن مجامع رعایت شده و به ندای وجدان پاسخ داده شود!

فقط ایمان به خدا است که حق و قانون را به خودی خود در نظر شخص مقدس می سازد و از او می خواهد تا همه جا جانب حق را بگیرد و به او می گوید:

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَنْ لَا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی (۱)

ص: ۳۰

۱- مائده، ۸. «البته نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن وادارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است».

و یا:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ (۱)

هر کجا عامل ایمان وجود یافت، متن قانون اجرا می شود. افراد مؤمن در برابر قانون خدا حتی به فلسفه و فایده و حکمت آن نیز توجه نداشته و فقط ایمان وسیع و محکم شان، آنان را مقید و ملتزم به آداب دینی می نماید؛ در حالی که از بیش تر مصالح و فلسفه احکام اطلاع ندارند.

از جمله مثال ها برای این موضوع، همین دستور روزه است. یقیناً روزه فواید صحی و جسمی دارد و در روایات هم به آن اشاره شده است:

«صوموا تصحوا» (۲)

پزشکان حاذق و مشهور دنیا نیز فواید بهداشتی و درمانی روزه را تصدیق کرده اند. (۳) و راه علاج برخی بیماری ها تقریباً منحصر به امساک از غذا است؛ و افراط در تغذیه، سبب ایجاد بسیاری از بیماری ها می گردد. بسا بیماری هایی که روزه درمان آن است و بسا بیمارانی که با برنامه روزه داری درمان یافته اند.

ص: ۳۱

۱- نساء، ۱۳۵. «ای کسانی که ایمان آوردهاید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هرچند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد».

۲- قطب راوندی، الدعوات، ص ۷۶؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۸؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۲. «روزه بگیرید تا سالم بمانید».

۳- برای آگاهی از فواید جسمی و بهداشتی روزه، ر.ک: اهمیّت روزه از نظر علم روز، دکتر صبور اردوبادی و کتب دیگر.

روزه، از نظر اقتصادی نیز دارای فواید بوده و از این جهت روزه را با مصلحت شناخته اند.

اما با تمام این فوایدی که روزه دارد و بیشتر ما از آن آگاه می باشیم، آیا در سال چند نفر برای این فواید و منافع بهداشتی، جسمی و ... بدون نظر به اطاعت خدا حاضرند روزه بگیرند، و طی یک ماه، روزانه خوردنی ها و آشامیدنی ها و لذایذ جنسی را ترک کنند؟ و یا اگر این برنامه روزه، از جانب پزشکان بزرگ پیشنهاد می گردید، چند نفر همه ساله به آن عمل می کردند؟!

بی شک، کمتر افرادی حاضر می شدند به این پیشنهاد عمل نمایند. و آمار عاملان به این پیشنهاد در برابر آمار کسانی که ماه رمضان را فقط برای این که روزه یک وظیفه شرعی و سبب تقرب به خدا و کسب ثواب است، روزه می گیرند بسی ناچیز جلوه می کرد!

اما مسلمانان اعم از مکلف و غیرمکلف، معذور و غیرمعذور و حتی اطفال غیربالغ فقط برای اطاعت خدا در سخت ترین شرایط آب و هوایی روزه می گیرند و نزدیک به چهارده قرن است که آداب و برنامه های ماه رمضان، زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را در این ماه تحت تاثیر قرار داده و متحدالشکل می سازد؛ و این نمونه ای از تاثیر عامل ایمان در افراد است.

از این جا در می یابیم که افتتاح آیه به خطاب: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...)(۱)، تا چه حد اعجاز آمیز بوده و چه حقایق و معانی بلندی در آن مندرج است.

ص: ۳۲

قرآن، مؤمنان را ندا می دهد و فرمان تشریح روزه را ابلاغ می کند و مؤمنان- که گوش به فرمان خدای شان سپرده اند- به محض صدور امر الهی برای اطاعت، بدون هیچ درنگ و تردیدی اقدام کرده و روزه می گیرند و به مجرد رؤیت هلال ماه، خویش را با یک جهش معنوی از قید عاداتی که داشته اند، آزاد می سازند.

۲. جمله:

«... كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (۱)

بیان این است که روزه تکلیفی تازه و بی سابقه جهت پرهیز از خوردنی ها، نوشیدنی ها، التذاذ جنسی و سایر مفطرات نیست؛ بلکه در ادیان و شرایع گذشته نیز فرض و واجب بوده است.

این بیان، که حاکی از دل جویی خاص ربوبی است، احساس زحمت و رنجی را که در ترک مفطرات است کم می کند و از جنبه روانی، روزه دار را نیرومند و با شکیب می سازد.

۳. جمله: «ایاماً معدودات» (۲) نیز، یک لطف و عنایت دیگر است و دل جویی از بنده است تا روزه دار، با معرفت زحمت روزه را بزرگ و زمان آن را دیر سپر نشمارد.

۴. جمله:

«... لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۳)

اشاره است به فواید بزرگ

ص: ۳۳

۱- بقره، ۱۸۳.

۲- بقره، ۱۸۴.

۳- بقره، ۱۸۳.

ریاضتی، تربیتی، روحانی و معنوی روزه و تأثیر آن در تهذیب اخلاق و حصول ملکه پرهیزکاری و تقوا و تسلط بر غرایز و قوای نیرومند حیوانی که از این لحاظ آن چه از روزه به روزه دار می رسد، دارای فواید و برکاتی است که شرح اهمیت و عظمت آن ممکن نیست و شخص سالک و فردی که در مقام اصلاح باطن و تصفیه و تزکیه نفس و ریاضت دادن آن به تقوا و پارسایی است، حتماً باید ماه رمضان را روزه بدارد.

به جرأت می توان گفت: آن گونه که درک ثواب و کسب اخلاق حمیده و صفات ملکوتی، تملک نفس و مجاهده با هوی، تحصیل قوت اراده و تقرب به درگاه قادر متعال در این ماه برای همگان میسر است، در هیچ زمان دیگر چنین فرصتی فراهم نیست. (۱)

۵. جمله: (شَهْرُ رَمَضان ...)، (۲) بیان فضیلت و برکت ماه مبارکی است که در آن روزه واجب شده است. این ماه به علت نزول قرآن مجید، مبدأ بزرگ ترین تحولات تاریخ زندگی انسان و آغاز عالی ترین نهضت های دینی و اجتماعی و سرفصل حیات نوین علمی و اخلاقی است. قرآن- که هادی و راهنمای عموم انسان ها بوده و آخرین تعلیمات آسمانی و برنامه های سعادت جاودانی را داراست- در این ماه نازل گردیده. از این رو، این ماه بر تمام ماه های سال، فضیلت دارد.

ص: ۳۴

۱- راجع به جمله شریفه (شَهْرُ رَمَضان)، ر.ک: فصول آتی.

۲- بقره، ۱۸۵.

روزهایش از همه روزها با ارج تر و شب‌هایش از همه شب‌ها گرامی‌تر است. این ماه، یادبود نزول قرآن و سالگرد تاریخ
مجد و شرف انسان و اعلام حقوق واقعی و آزادی حقیقی بشر است. (۱)

۶. جمله:

«فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ...» (۲)

تا جمله

«... وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ»، (۳)

دلالت می‌کند که در تعالیم اسلام یسر، آسانی و سهولت، مراعات شده و دشواری، سخت‌گیری و تحمیل بر فطرت و خواسته
های واقعی بشر در آن وجود ندارد.

چنان‌چه در مباحث آتی، توضیح خواهیم داد، خداوند پیغمبر عالی‌مقام اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را بر شریعتی سهل و
آسان برانگیخته است؛ که فرمود:

مَا بُعِثْتُ بِالرِّهَابِئِيَّةِ الشَّقَاةِ وَلَكِنْ بِالْحَنَفِيَّةِ السَّمْحَةِ (۴)

۷. نکته دیگر که از آیات شریفه با نظر به عمومیت خطابات و توجه کلی به همه آن‌ها استفاده می‌شود، «مساوات همه در
تکلیف» است. هر کس صاحب هر مقام و هر درجه و هر شغل باشد، باید روزه بگیرد و از فواید تربیتی، دنیوی و اخروی آن
بهره‌مند شود، و

ص: ۳۵

۱- راجع به جمله شریفه (شَهْرُ رَمَازَانَ)، ر.ک: فصول آتی.

۲- بقره، ۱۸۵.

۳- بقره، ۱۸۵.

۴- طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۷۴ (لغت سمح). «مبعوث نشدم به گوشه‌گیری و ریاضت‌های سخت، بلکه مبعوث
شدم به دینی خالص و آسان».

همه ساله در این مدرسه کمال، ریاضت دیده و تربیت گردد و قوای عقلانی و انسانی خود را نیرومند ساخته و بر قوای شیطانی و حیوانی مسلط شود، و دریابد که انسان، فقط این جسم ظاهر و گوشت و استخوان نیست و قدرت انسان، فقط نیرومندی جسم و شکست حریف زورمند نمی باشد.

قدرت واقعی انسان، تسلط بر نفس، شهوت، غضب و پایداری در برابر مشکلات و صبر و شکیبایی است:

مردی گمان مبر که به پنجه است و زور کتف

با نفس اگر بر آیی، دانم که شاطری

با شیر مردیت، سگ ابلیس صید کرد

ای بی هنر بمیر که از گربه کمتری

هشدار تا نیفکندت پیروی نفس

در ورطه ای که سود ندارد شناوری

مردان به سعی و رنج به جایی رسیده اند

تو بی هنر کجا رسی از نفس پروری!

پرخوری و تن پروری آفات و خطرات زیادی را در پی داشته و سبب تیرگی روح، تاریکی دل و کوری بصیرت است.

اندرون از طعام خالی دار

تا در آن نور معرفت بینی

ص: ۳۶

اگر تربیت جسم- که در عصر ما به آن اهمیت فراوان می دهند- مقدمه تربیت روح و پرورش افکار و اخلاق سالم نباشد، هیچ سودی نخواهد داشت.

در هر چیزی باید اعتدال رعایت گردد؛ تربیت بدن نیز باید در حد اعتدال باشد و همه به آن توجه کرده و ضعف و ناتوانی را از جسم و روح خود دور سازند؛ نه آن که تربیت بدنی هم به عنوان یک فن از فنون و پیشه و شغل مطرح گردیده و افراد را از توجه به روح و وظایفی که در اجتماع دارند باز بدارد!

اسلام دین خدا و دین عقل و منطق است. از این رو، در مواردی که تربیت و تعلیم سربازان و افسران مجاهد مدافع از دارالاسلام و وطن مسلمانان و نگهبانان امنیت و انتظامات به اجرای مسابقات بدنی- جسمی وابسته باشد و هم چنین در مواردی که سبب تقویت قوای علمی و صنعتی گردد، برپایی آن و اعطای جایزه در آن را صحیح دانسته است.

به هر حال مکتب «صوم»، کلاس خودسازی و نردبان عروجی است که همه مسلمانان باید از آن بهره برند.

هم اکنون ای مسلمانان و مؤمنان! به استقبال ماه مبارک رمضان بشتابید و از رحمت های واسعه خداوند متعال استفاده برید.

بکوشید تا مراسم روزه داری این ماه را- که از شعائر بزرگ اسلام و نمایش وفاداری و استقامت و مساوات و التزام جامعه ما به احکام دین است- با احترام و ادب هر چه بهتر انجام دهید.

بدبخت آن کسی است که بدون عذر شرعی، از سعادت روزه و برکات آن محروم گردد. و گستاخ، آن شکم پرستی است که بدون عذر شرعی (العیاذ بالله)، روزه این ماه را افطار کند؛ یا با داشتن عذر، آشکارا روزه را بخورد، و حکم خدای جهان را خوار شمارد و به عقاید و احساسات صدها میلیون مسلمان نقض ادب و احترام کرده و حرمت این ماه شریف را رعایت ننماید.

بدا به حال کسی که ماه رمضان را به گناه و معصیت سر برد و از آموزش خدا محروم گردد. بکوشید تا علاوه بر مراسم و آداب ظاهری روزه و خودداری از خوردن و نوشیدن و ترک سایر مفطرات اندام و اعضا، خود را نیز به پرهیز از گناهان عادت داده و فکر و اندیشه خود را نیز از افکار پلید و اندیشه های ناپاک و شیطانی، پاک و منزّه سازید.

بکوشید تا کار و رفتاری را که با آثار، فواید و مقاصد معنوی، تربیتی، جسمی و ... روزه سازش ندارد، انجام ندهید.

از غیبت کردن پرهیزید؛ دشنام ندهید؛ بدخویی ننمایید؛ سخنان تند و درشت نگویید؛ کم حوصله و بی شکیب نباشید؛ به دنبال بی عفتی نروید؛ از چشم چرانی و نگاه به نامحرم پرهیزید؛ با دست و زبان،

مردم را نیازارید؛ حرام نخورید؛ مفاخره نکنید؛ به هم بزرگی نفروشید؛ به زیردستان ترحم کنید؛ به سالخوردگان احترام نمایید؛ صله رحم به جای آورید؛ از فقرا و بی‌نویان دستگیری کنید؛ از بیماران عیادت و پرستاری نمایید و حیا و آزرم پیشه سازید.

در مجالس دینی - اسلامی و نماز جماعت متواضعانه شرکت کنید و از صفوف نماز جماعت، وحدت و شوکت مسلمانان و بی‌امتیازی و بی‌قدری اعتبارات و مقامات دنیوی را تماشا کنید.

ادعیه ای را که در این ماه در اوقات مختلف: سحر، شب و روز وارد شده بخوانید و نکوتر آن که در مضامین و معانی آموزنده آن تأمل فرمایید.

در حالات، اخلاق و روش و رفتاری که دارید، مطالعه و رسیدگی نمایید. مبدا کار و پیشه شما حرام باشد. به دقت نهانی‌ها و پنهانی‌های روح و ضمیر خود را بازرسی کنید؛ سعی در جبران گذشته را نموده تا پاک و منزّه از ماه بیرون شوید.

در این ماه از مرگ و عاقبت این جهان و زندگی مادی و عوالم بعد از مرگ و قیامت و حشر و نشر و سؤال و حساب، بسیار یاد کنید، و برای موافقی که در پیش داریم گریه کنید و این جملات دعای ابی حمزه را زمزمه کنید:

اَبِیْ لِخْرُوجِ نَفْسِی، اَبِیْ لِظُلْمِهِ قَبْرِی، اَبِیْ

لِضِیقِ لِحَدِی، اَبِیْ لِسْوَالِ مُنْكَرٍ وَنَکِیْرِ اِیَّای،

ابِكِي لِحُزُوجِي مِّن قَبْرِ عُرْيَانَا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلٰى ظَهْرِي ... (۱)

و پس، توبه نمایند و به سوی خدا بازگشت کنید.

مبادا از رحمت خدا مأیوس و نا امید شوید:

الهِ حَقُّ رَجَائِي وَآمِنٌ خَوْفِي فَانَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا اَرْجُو فِيهَا اِلَّا عَفْوَك ... (۲)

هر که هستی و هر حال که داشته باشی و به هر شکل که تا کنون زندگی کرده ای اصلاح کار تو آسان است. و آلودگی های تو با آب توبه و استغفار و گریه در حال مناجات و دعا شسته شده و تو پاک و بی آرایش می گردی.

پس، طلب رحمت کن و بگو:

الهِ اِرْحَمْنِي اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكَلَّ عَن جَوَابِكِ لِسَانِي، وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكِ اِيَّاي لُبِّي فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي اِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي اِلَيْكَ ... (۳)

ص: ۴۰

۱- طوسی، مصباح المتعجب، ص ۵۹۱؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۷ - ۱۶۸؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۹۶. «برای بیرون رفتن جانم میگیرم؛ برای تاریکی قبرم میگیرم؛ برای تنگی لخدم میگیرم؛ برای سؤال منکر و نکیر از من، میگیرم؛ برای بیرون شدنم از قبر، برهنه و خوار با بار سنگین گناه بر دوشم میگیرم».

۲- طوسی، مصباح المتعجب، ص ۵۹۳؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۷۰؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۹۸. «خدایا! امیدم را محقق ساز، و بیم مرا ایمن گردان؛ در مورد گناهان زیادم جز عفو تو امیدی ندارم».

۳- طوسی، مصباح المتعجب، ص ۵۹۲؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۹؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۹۷. «معبود من! آنگاه که برهانم واماند و قطع شود و زبانم از جوابت گند گردد، و در هنگام پرسش تو عظم برود بر من رحم کن. پس ای بزرگ امیدم را آنگاه که نیازم به تو شدید شود به یأس برنگردان».

بیا که توشه این راه، ناله و آه است

بنال بر در او کو به ناله آگاه است

اگر چه غرق گناهی، از او مشونومید

بیا بیا که هنوزت به سوی اوراه است

آری، فقطبایک جهش ازعالم تاریک شهوات و هواپرستی، دنیاطلبی، بی رحمی، ستمگری و ... به عالم سراسر نور و روشنایی، فضیلت و شرافت، پارسایی و بندگی خدا پرواز کن و هر آن چه در پی هوای نفس رفته و گناه کردی، و خدای یگانه را معصیت نموده ای؛ هر چه به شهوت رانی های نامشروع آلوده شده ای، هر چه از جاده عفاف و پاک دامنی بیرون رفته ای، هر چه تملق و مدح بی جا نموده ای، هر چه گردن کشانه و متکبرانه بر روی زمین راه رفتی و به بندگان خدا و زیردستان، ظلم و ستم کرده ای، همه را واگذار و به درگاه الهی اشک ندامت بریز، و برای سفر آخرت توشه ای برگیر:

الهِی وَ سَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لِيَسْ طَالِبَتِي بِذُنُوبِي لَأَطْلِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَلِيَسْ طَالِبَتِي بِلُؤْمِي لَأَطْلِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ... (۱)

نزد خداوند تواب، پشیمانی عرضه دار و عفو و آمرزش از او بخواه و بگو:

يا قَابِلَ التَّوْبِ يا عَظِيمَ المَنِّ اَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلِ اَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ

ص: ۴۱

۱- طوسی، مصباح المتعجب، ص ۵۹۶. «خدای من! آقای من! به عزت و جلالت سوگند اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی، البته من عفو تو را خواستار میشوم، و اگر مرا، سرزنش نمایی، من کرامت تو را می طلبم».

اَيْنَ فَرَجِكَ الْقَرِيبُ اَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعُ اَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ... (۱)

همواره بنده خدا باش تا آزاد باشی؛ و از نفس اماره بگریز تا بزرگی یابی.

از گناه پرهیز و به سوی خدای آمرزنده پوزش پذیر قدم بردار. حیف است که عمر و وقت و نعمت هایی را که خدای سبحان عطا فرموده، بیهوده تلف نمایی! بیا و طعم بهره روحانی و لذت بندگی و پرستش خدا و تسلط بر نفس را تجربه کن!

بر سر این سفره گسترده ضیافت الهی در این ماه بنشین و از موائد آن تناول کن. و خود را در معرض نسیم رحمت الهی قرار ده.

به جای نغمات موسیقی و اصوات طرب انگیز، به نوای زیبای تلاوت قرآن و مناجات با خدا و دعا، گوش خود را آشنا ساز و در یک عبارت، برادر و خواهر عزیز! در اندیشه فردا و پایان کار خویش باش.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۲)

ص: ۴۲

۱- طوسی، مصباح المتهجد، ص ۵۸۵؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۰؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۹۱. «ای پذیرنده توبه! ای بزرگ نعمت، ای قدیم الإحسان! پرده پوشی زیبای تو کجاست؟! گذشت باجلالت تو کجاست؟! گشایش نزدیک تو کجاست؟ فریادرسی شتابان تو کجاست؟ رحمت باوسعت تو کجاست؟».

۲- قصص، ۸۳. «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام [خوش] از آن پرهیزکاران است.».

فصل سوّم: رمضان، ماه نزول قرآن

اشاره

ص: ۴۳

بنابر تفسیر معتمد و مأخوذ از روایات و احادیث از آیه شریفه: «شَهْرُ رَمَضَانَ...» نزول قرآن کریم در این ماه مبارک، مستفاد است. و احتمال این که مراد از جمله: «انزِلَ فِيهِ...»، «انزِلَ فِي صَوْمِهِ، او فِي فَرَضِ صَوْمِهِ» باشد، یعنی درباره روزه ماه رمضان یا وجوب آن، [آیات قرآن نازل شده است، خلاف ظاهر و مرجوح است و تفسیر اوّل موافق با ظاهر است. از این رو، احتمال خلاف ظاهر، محتاج به حذف و تقدیر است. علاوه بر آن که بر حسب این احتمال، نزول قرآن در فرض روزه ماه رمضان، امتیاز خاصّ روزه نمی شود؛ زیرا واجبات دیگر مانند: نماز، حج، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ... نیز این امتیاز و شرافت را دارند که قرآن، در فرض آن ها نازل شده؛ علاوه بر این که بنا بر این احتمال، امتیاز نزول قرآن در فرض روزه، مربوط به روزه یا فرض آن می شود و مستقیماً و بالذات به روزه یا فرض روزه

ارتباط دارد و ثانیاً و بالعرض و بالواسطه، به ماه رمضان مربوط می شود

و این نیز، خلاف ظاهر است.

ص: ۴۵

بنابر این آیه شریفه، بیان کرامت و شرافت ماه رمضان، به واسطه نزول قرآن مجید است و بلکه از این آیه، اختیار این ماه از میان ماه های دیگر برای همین شرافت و فضیلت- که قرآن در آن نازل شده است- استفاده می شود و شاید یکی از حکمت های روزه در این ماه، قیام به وظیفه شکر نعمت و به پا کردن سال گرد نزول قرآن و تجدید ارتباط با کتاب خدا و تعالیم و برنامه های قرآنی است تا مسلمانان همه ساله به مدّت یک ماه، سال گرد نزول کتاب مقدّس الهی را در ضمن انجام یک عبادت بزرگ، به نام «روزه» گرامی بدارند، و شکر خدا را به جای آورده و به قرائت و تأمل در معانی آیات الهی و استفاده از علوم و دانش های قرآن- که متضمّن سعادت دنیا و آخرت است- مشغول باشند.

حکمت این که تلاوت قرآن در این ماه فضیلت و ثواب بیشتری دارد نیز محتمل بر این است که چون این ماه، ماه نزول قرآن است، هیچ زمانی برای قرائت قرآن و الهام گرفتن از علوم و معارف آن، از این ماه مناسب تر نیست.

همان گونه که نبوّت محمدیه، نبوّت جاودان و پیامبری به سوی همگان است، قرآن مجید نیز کتاب جاودان و پاینده این نبوّت می باشد که برای جهانیان نور و دعوت پایدار به توحید، حق و عدالت، صلح و

صفا، آزادی و مساوات، رحمت و هدایت، شفای بیماری های اجتماعی، اخلاقی و فکری، در مرور تمام ازمنه و اعصار است. پس، برترین شرافت های این ماه، نزول قرآن و از برترین عبادات در آن، تلاوت و تفکر و تأمل در معانی و حقایق قرآن است. این مسأله را که: «مراد از نزول قرآن چیست؟ و آیا مراد، نزول تمام قرآن یا مراد، آغاز نزول قرآن است؟» را، به دلیل آن که سخن به درازا می کشد فعلاً مطرح نمی کنیم و انشاءالله تعالی در مجالی دیگر، از آن بحث می نماییم.

پس از این که دانسته شد نزول قرآن در ماه مبارک رمضان بوده، برای تعیین آن که بدانیم این واقعه بی نظیر و عظیم در شب اتفاق افتاده و یا در روز به وقوع پیوسته است، به خود قرآن مراجعه می کنیم.

برحسب اولین آیه سوره «قدر» و آیه سوم سوره «دخان» نزول قرآن در «لیله القدر» یا «لیله المبارکه» واقع شده است.

و امّا این که این شب، کدام یک از شب های ماه رمضان بوده است، بر حسب اخبار و روایات از یکی از شب های «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوم» - که همان «شب قدر» است - بیرون نیست. که در ضمن فصل دیگر، مختصری از فضایل آن شب را تذکر می دهیم. (انشاء الله تعالی).

نکاتی که در این جا به طور اشاره یادآور می شویم، فضیلت قرآن و دیگر، معجزه بودن آن است:

۱. فضیلت قرآن

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام روایت است که: شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرمود: زود باشد فتنه ها پدید شود! عرض کردم: ای رسول خدا! به چه چیز یا به چه راه از آن فتنه ها بیرون توان شد؟

فرمود: به کتاب خدا که خبر آن چه پیش از شما بوده و خبر آن چه بعد از شما و حکم آن چه بین شماست، در آن است؛ جدا کننده میان حق و باطل است و هزل و بازی و باطل نیست؛ هواهای مردم آن را منحرف نگرداند و دانایان از آن سیر نشوند و از تکرار قرائت و بسیاری تلاوت کهنه نگردهد؛ و عجایب آن تمام نشود، و هر کس آن را از روی تجبر و تکبر، ترک کند خدا او را بشکند؛ و هر کس هدایت را در غیر آن طلب کند، حق تعالی او را گمراه سازد؛ ریسمان استوار خداست و صراط مستقیم است. هر کس به آن عمل کند، اجر یابد و هر کس به آن حکم کند، حکم به عدل کند و هر کس به سوی آن بخواند، به سوی راه مستقیم خوانده است. (۱)

در نهج البلاغه از حضرت علی، امیرالمؤمنین علیه السّلام است که فرمود:

وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحَةُ الَّتِي لَا يَغُشُّ، وَالْهَادِي الَّتِي لَا يُضِلُّ، وَالْمُحَدِّثُ الَّتِي لَا يُكْذِبُ، وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ، زِيَادَةٌ فِي هُدًى، وَنُقْصَانٌ مِنْ عَمَى، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ بَعْدَ

ص: ۴۸

۱- دارمی، سنن، ج ۲، ص ۴۳۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۵.

الْقُرْآنِ مِنَ فَاقِهِ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ ادْوَائِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَائِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ اكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالنَّفَاقُ وَالْغَيُّ وَالضَّلَالُ (۱)

بدانید این قرآن آن نصیحت کننده ای است که خیانت نمی کند و راهنمایی است که گمراه نمی سازد و محدثی است که دروغ نمی گوید. هیچ کس با این قرآن هم نشین نشد، مگر آن که از نزد آن، به زیادتى یا نقصان- زیادتى در هدایت و نقصان در کوری و گمراهی- برخاست. بدانید که هیچ کس را بعد از قرآن، نیاز و فقری نیست (بعد از نزول قرآن، به هیچ قانون و برنامه ای در اصلاح امور معاش و معاد و دنیا و آخرت نیازی نیست و هیچ کس را پیش از قرآن، بی نیازی نیست).

پس، برای دردهای خود از آن شفا بجویید و بر سختی ها از آن کمک و یاری بخواهید؛ زیرا در آن شفای بزرگ ترین دردهاست؛ و آن، درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است. (۲)

ص: ۴۹

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ (ج ۲، ص ۹۱).

۲- گواهی امیرالمؤمنین (علیه السلام) که به اتفاق، رئیس فصحا و سید بلغا است، در اعجاز و بلاغت و فصاحت و جامعیت قرآن استوارترین دلیل است بر آنکه: قرآن کلام خدا و معجزه باقیه خاتم الانبیا (ص) است و ستایش و تعظیم شخصیتی مانند آن حضرت در برابر عظمت قرآن، دلیل آن است که این کتاب در عالیترین مرتبه فصاحت و بلاغت و بیان و معانی و معارف قرار دارد و دست بشر از آوردن مثل آن کوتاه است. نهج البلاغه را مطالعه کنید و ببینید علی (علیه السلام) که یگانه تاز میدان سخن و معنا و حکمت و بیان است، چگونه در برابر آیات قرآن سر تعظیم فرود میآورد و از آن مدح و ستایش مینماید و چگونه قرآن در زوایا و نهانیهای روح او نفوذ و تجلی کرده و ممتازترین نمونه مسلمان قرآنی از گریبان او سر برون کرده و به جهانیان جمال زیبای حقیقت و تربیت قرآن را نشان میدهد.

۲. فضیلت قرائت قرآن

بر حسب روایتی که در کافی شریف آمده است قرائت قرآن، کفاره گناهان و پرده از آتش و امان از عذاب است و به قرائت هر آیه، ثواب صد شهید و به تلاوت هر سوره، ثواب پیغمبر مرسل نوشته می شود. (۱)

این فضیلت و فضایل دیگر که در سایر احادیث رسیده است، در ماه رمضان چندان زیاد می شود که بر حسب خطبه شریفه «رمضانیه»، قرائت یک آیه در این ماه، اجر ختم قرآن در ماه های دیگر را دارد. (۲)

قرآن شفای بیماری های روحی، هدایتگری در ضلالت و گمراهی، رحمتی از برای مؤمنین، و موعظه و پند و عهد خدا است. از این رو، باید مؤمنان با الفاظ و معانی آن، دل ها، زبان ها، خانه ها، بازارها، مدارس و اجتماع خود را روشن و منور سازند و از تلاوت آن غفلت نوزند.

۳. معجزه جاودان

هرچه بر عمر جهان بگذرد، اعجاز قرآن ظاهرتر و عظمت و بزرگی آن بیشتر نمودار می گردد.

قرآن یکصد و چهارده معجزه باقیه است و خداوند معجزه بودن هر یک از آن ها را به وسیله وحی الهی اعلام و از خواص و عوام دعوت فرموده

ص: ۵۰

۱- کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۶ - ۶۳۴ (کتاب فضل القرآن).

۲- محدث قمی، مفاتیح الجنان.

است که:

وَأَنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱)

و اگر در آن چه بر بنده خود نازل کردیم شک دارید، پس - اگر راست می گوئید - سوره ای مانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - به جز خدا - فرا خوانید.

چهارده قرن است که هزاران مرد برجسته و برترین نوابغ فنّ ادب و قهرمانان میدان سخن و خطابه و نظم و نثر از عرب و عجم، مسیحی و مسلمان و ملیت های دیگر، که نامشان در تاریخ به ثبت رسیده است، در صفحه تاریخ اعلام ادب عربی ظاهر شده، و این اعلان رسمی خداوند را در قرآن خوانده و شنیده اند؛ ولی هیچ یک از آنان نه در خود و نه در دیگران توانایی این کار را ندیده اند؛ و قرآن را مافوق کلمات بلغاء و فصحای بشر یافته اند.

در بشر، غریزه ای به نام «حُبّ شهرت و نام جویی» وجود دارد. هر کس می خواهد نام و آوازه اش جهان را فرا گیرد و نامش بر سر زبان ها باشد، و شهرتش از دیگران بیشتر شود و از هم ردیفان خود سبقت گیرد و شهرت و معروفیت بیشتری پیدا کند، می کوشد تا

ص: ۵۱

به گونه ای، برتری خود را به نمایش گذارد. تفوق و پیشرفت بشر در صنعت و ادب و هنر را باید مدیون این غریزه دانست.

این غریزه را اعراب عصر پیغمبر صلی الله علیه و آله و دیگران از آن عصر تا زمان ما دارا بوده اند؛ و بازار مسابقات ادبی در بین اعراب دوران جاهلیت و معاصر پیغمبر صلی الله علیه و آله گرم بوده است؛ و افتخار و اشتها، بیش تر نصیب کسی بود که زیباترین قصیده را سروده و یا خطبه ای جذاب بیان کرده و بر شهرت خود و قوم و قبیله اش افزوده باشد.

پس چگونه شد که از آن زمان تا حال کسی در مقام معارضه با قرآن برنیامد؟ (۱) و چرا هزاران تن از نوابغ جهان ادب و بلاغت، به طور فردی یا جمعی در اندیشه چنین کسب شهرت و بلند نامی برنیامدند؟

چرا تا حال که نزدیک به چهارده قرن است که از نزول آخرین کتاب الهی می گذرد هم چنان فریاد قرآن و ندای آسمانی «قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (۲) در جهان بلند است؟

چرا با وجود آن که برخی در مقام مبارزه با اسلام و کارشکنی و جلوگیری از پیشرفت آن به هر اقدام ممکن و خطرناک، به جنگ و

ص: ۵۲

۱- جز تنی چند که ناتوانی خود را آشکارتر ساخته و ورودشان در این میدان توجه خود آنها و دیگران را به بلاغت و اعجاز قرآن بیشتر کرد.

۲- اسراء، ۸۸. «بگو: اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هرچند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند».

خون ریزی، نیرنگ های سیاسی، فتنه و آشوب گری و ... دست زده اند، اما از نیروی ادب و بیان و از تلفیق حروف و الفاظ و کلمات - که بعد از نیروی تفکر آسان ترین اعمال بشر است - استفاده نکرده اند و حجت قرآن، برهان و معجزه باقیه اسلام را باطل نساختند؟!

پاسخ روشن است: چون از همان آغاز کار، کلام خدا را بر فراز آسمان و کلمات فُصِّحَا و بُلَغَا نامی را بر زمین و از آن هم فروتر دیدند و دانستند که بنده عاجز و مخلوق محتاج، نمی تواند با خدای توانا و خالق بزرگ جهان معارضه کند!

حقیقت شگفت انگیز است: پیامبر ارجمند اسلام برای این که هیچ گونه برخوردی میان او و کفار واقع نشود، عذری برای آن ها باقی نماند، قطره خونی از کسی نریزد و آتش جنگ و نبرد روشن نشود، به مردم مکه و به تمام فُصْحَا و بُلَغَا و به جمیع جن و انس، حاضر و غایب، اعم از معاصران و آیندگان ابلاغ کرد که اگر همه، اجتماع کنند و به پشتیبانی هم در آیند، نمی توانند مانند این قرآن را بیاورند.

چرا با این که امرای کلام و قهرمانان صحنه سخنوری، شاهد و ناظر چنین ابلاغی بودند، در این میدان وارد نشدند و به شمشیر متوسل گردیدند؟!

آری، آنان می دانستند که شرکت در این مسابقه، جز رسوایی و شکست نتیجه ای نخواهد داشت.

رُدَّتْ بِلَاغَتِهَا دَعْوَى مُعَارِضِهِارَدَّ

رَدُّ الْعُيُورِ يَدَ الْجَانِي عَنِ الْحَرَمِ

دَامَتْ لِدُنْيَا فَفَاقَتْ كُلَّ مُعْجَزِهِ

مِنَ النَّبِيِّينَ اِذْ جَاءَتْ وَلَمْ تَدْمِ (۱)

ناتوانی و عجز بشر از آوردن کلامی مثل قرآن، اکنون چنان تثبیت و پابرجا شده که مخالفان و دشمنان اسلام با شدت مخالفت و با تمام اهمتامی که در دشمنی و جلوگیری از تحقق مقاصد اسلام دارند، از معارضه با قرآن مأیوس و نا امید گردیده اند و اگر قدرت های نیرومند استعماری و تبشیری مسیحی و یهودی و ... این کار را امکان پذیر می دانستند، بدان اقدام می کردند. کسانی که با قدرت سیاسی و مادی خود، مسلمانان را تحت فشار گذارده، از اجرای احکام اسلام جلوگیری کرده و از هیچ چیز مانند: قیام مسلمین و به پا خاستن پرچم وحدت اسلامی و توحید، هراسناک نیستند؛ اگر می توانستند از این راه با اسلام مبارزه می کردند و این راه را که در جهان معاصر مؤثرتر و آسان تر است بر می گزیدند؛ اما همه دانشمندان، سخن شناسان، اساتید و ادبای عرب

زبان شرقی و غربی اتفاق دارند که این معارضه به جایی نمی رسد و جز تثبیت بیشتر اعجاز قرآن و تأیید خبر غیبی «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَكِنْ تَفْعَلُوا» (۲) ثمری ندارد.

ص: ۵۴

۱- امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۳۰۷. فصاحت و بلاغت آن ادعای معارضه کننده را رد کرد آن گونه که آدم غیرتمند دست جنایتکار را از حرم و ناموشش برگرداند. به طول عمر دنیا همیشگی است؛ پس بر هر معجزه ای از پیامبران برتری یافت، زیرا آن معجزه ها آمد و پایدار نماند.

۲- بقره، ۲۴. «پس اگر نکردید و هرگز نمیتوانید کرد».

قصدها این نیست که در این مجال، از اعجاز قرآن سخن بگوییم. اساتید و مشاهیر علوم ادب درباره اعجاز قرآن کتاب‌ها نوشته‌اند و این بحثی است که روز به روز دامنه آن وسیع‌تر می‌شود و هر کدام از رشته‌ها و نواحی متعدده آن محتاج به کتابی ویژه است. وجوه اعجاز قرآن منحصر به فصاحت و بلاغت نیست؛ بلکه قرآن از نواحی مختلف مانند: فصاحت و بلاغت، اسلوب، اخبار غیبی، جذبات روحی، جامعیت تعالیم و کامل بودن احکام و قوانین، بیان معارف و الهیات و علوم ماورای طبیعت، و ... معجزه می‌باشد.

قرآن، کتاب حکمت، شریعت و قانون، اخلاق، توحید و خداشناسی، تاریخ و عبرت است و اصول علوم زیست‌شناسی، بهداشت، اقتصاد، زراعت، نجوم و حقوق مدنی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... در آن درج است.

اقبال پاکستانی چه نیک و زیبا سروده است که:

نقش قرآن چون در این عالم نشست

نقش‌های کاهن و پاپا شکست

فاش گویم آن چه در دل مضمهر است

این کتابی نیست چیز دیگر است

چون به جان در رفت، جان دیگر شود

جان که دیگر شد، جهان دیگر شود

در پایان این بحث، شهادت چند تن از دانشمندان مسیحی و مادیون را راجع به قرآن- این کتاب بزرگ آسمانی- ذکر می‌کنیم:

ص: ۵۵

۱. دکتر شبلی شمیل، لبنانی، متوفی ۱۹۱۷ میلادی، مؤلف کتاب «الحقیقه» در قصیده مشهوری که در مدح رسول اعظم صلی الله علیه وآله وسلم دارد، می گوید:

دَع مِن مُحَمَّدٍ فِي صَدَى قُرْآنِهِ لَا قَدْ نَحَاهُ لِلْحَمَةِ الْغَايَاتِ

أَنِّي وَإِنْ أَكُّ قَدْ كَفَرْتُ بِدِينِهِ هَلْ أَكْفُرَنَّ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ

وَمَوَاعِظَ لَوْ أَنَّهُمْ عَمِلُوا بِهَا مَا قَيَّدُوا الْعُمَرَانَ بِالْعَادَاتِ

بِبَلَاغَةِ الْقُرْآنِ قَدْ خَلَبَ النَّهْيُ وَبَسِيفِهِ انْحَى عَلَى الْهَامَاتِ مِنْ دُونِهِ الْإِبْطَالُ فِي كُلِّ الْوَرَى مِنْ حَاضِرٍ أَوْ غَائِبٍ أَوْ آتٍ (۱)

۲. ناصیف یازجی مسیحی، متوفی ۱۸۷۱ میلادی نویسنده و ادیب مشهور و مؤلف کتب «طوق الحمامه» و «مجمع البحرين» به فرزندش ابراهیم یازجی - که از رهبران نهضت علمی، ادبی و لغوی عرب، حافظ قرآن و مؤسس مجله «الضیاء» به شمار می رود - چنین وصیت کرده است:

إِذَا شِئْتَ أَنْ تَتَفَوَّقَ أَقْرَانَكَ فِي الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ وَصَنَاعَةِ الْإِنشَاءِ فَعَلَيْكَ بِحِفْظِ الْقُرْآنِ وَنَهْجِ الْبَلَاغَةِ (۲)

ص: ۵۶

۱- شعله ای از بیابان نمایان شد که روشنایی آن درخشیدن گرفت، آنگاه تاریکی جهل و نادانی را از دنیای ما باز کرد و زدود. او راه رفت درحالی که بوی هدایت و روشننگری در آستینش استشمام می شد و عطر فضیلت زمین و آسمان را فرا گرفته و عطر آگین کرده بود. شریعت و دین را از تاریکی های پنهانش گسترش داد و بخش کرد و حقوق مردم را رعایت نموده و فکرها و ذهن ها را باز نمود و روشن کرد. به به و آفرین بر آن امی مکتب نرفته ای که کتاب خودش را برای نابغه های یعرب (بن قحطان) می آموزد و برای آنها حکمت و بیان یاد می دهد.

۲- الوعی الاسلامی، ش ۵۱، ص ۲۶ - ۲۷. من گرچه مسیحی هستم محمد را بزرگ و گرامی می دارم و او را در کتاب های آسمانی و معنوی مطرح شده می بینم. من سر کشیده خود را به یاد آن کس که حدیث را آفرید و قرآن را یاد داد به علامت تعظیم فرود می آورم. من به پیامبر افتخار و مباهات می کنم که او جان ها را صفا بخشید و صیقل زد و وجدان ها را تهذیب کرد، و او جهالت و نادانی را زیر پا گذاشت و شمشیر جهاد را برکشید آنگاه بت ها را درهم شکست. و از ابیات این قصیده است:

۳. استاد سنایس می گوید: قرآن، قانون عامی است که باطل از هیچ سویی به آن راه ندارد و صالح و شایسته برای هر زمان و مکان است و اگر مسلمانان به آن تمسّک جسته و طبق تعالیم و احکام آن عمل می نمودند، صبح می کردند در حالی که مانند گذشته بر همه امت ها سیادت داشتند. (۱)

۴. بوسور سمیث انگلیسی می گوید: در تاریخ این موضوع، یگانه و بی مانند است که محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم کتابی آورد که آیت بلاغت و دستور شرایع و نماز و دین است. (۲)

۵. دکتر گوستاولوبون فرانسوی می گوید: تعالیم اخلاقی قرآن، برگزیده آداب عالی و خلاصه مبادی کرام اخلاق است و از آداب انجیل، به درجات بالاتر است. (۳)

۶. ادوار لوهارت می گوید: نور حکمت قرآن، نوری است که بر سینه پیغمبری که برای ارشاد بشر مبعوث شد، نازل گشت و دستوری باقی گذارد که هرگز با آن گمراه نمی گردند؛ قرآنی که جامع مصالح دنیا و خیر آخرت است. (۴)

۷. کنت هنری دی کستری می گوید: اگر در قرآن، غیر از جلوه و

ص: ۵۷

-
- ۱- شهرستانی المعجزه الخائده ص ۲۶
 - ۲- شهرستانی المعجزه الخائده ص ۲۶
 - ۳- شهرستانی المعجزه الخائده ص ۲۶
 - ۴- شهرستانی المعجزه الخائده ص ۲۷

روشنی معانی و جمال و زیبایی مبانی دیگری نبود، کافی بود که بر افکار مسلط شود و قلوب را فرا گیرد. (۱)

۸. ریتورت واجب است اعتراف کنیم که: علوم طبیعی و فلک و فلسفه و ریاضیات که در اروپا در قرن دهم رواج و رونق یافت، اقتباس از قرآن گردید و اروپا مدیون اسلام است. (۲)

۹. جویت قرآن، به جهت کثرت فصاحت و بلاغت، خواننده را به محاسن خود جذب می نماید و شوق و علاقه او را به قرائت، زیاد می کند. (۳)

۱۰. دکتر موریس فرانسوی: قرآن فاضل ترین کتابی است که دست صنعت ازلی برای بشر پدید آورده و کتابی است که در آن شک و شبهه ای نیست. (۴)

۱۱. بولا-تیتلر: دشوار است که انسان گمان کند، قوه فصاحت بشری دارای تأثیر قرآنی باشد. قرآن معجزه است؛ زیرا مردان زمین و فرشتگان آسمان از ساختن مثل آن عاجز و قاصرند. (۵)

۱۲. پروفیسور دکتر سلیقیو فردیو ایتالیایی می گوید: بیشتر کسانی که در قرآن بحث و بررسی دارند، در تاریخ شرق متخصص هستند و از

ص: ۵۸

۱- شهرستانی المعجزه الخائده ص ۲۷

۲- شهرستانی المعجزه الخالده، ص ۲۷.

۳- شهرستانی المعجزه الخالده، ص ۲۷.

۴- نوفل الاسلام والعلم الحدیث، ص ۶۹.

۵- شهرستانی المعجزه الخالده، ص ۲۸.

تعصّب برکنارند؛ اجماع دارند بر این که: بزرگ ترین عمل ممکن برای خدمت بشر تا این زمان قرآن است. (۱)

۱۳. مستر کرنیکو انگلیسی، استاد آداب عربی در دانشگاه «الیکره»، وقتی که اساتید و ادبا در مجمعی از او درباره اعجاز قرآن پرسش کردند، پاسخ داد: قرآن برادر کوچکی به نام نهج البلاغه دارد. آیا در امکان کسی هست که مانند این برادر کوچک بیاورد تا برای ما جایز باشد که در امکان آوردن مثل برادر بزرگ، سخن بگوییم. (۲)

۱۴. لیون در جلالت و مجد قرآن، همین بس که مرور چهارده قرن نتوانسته از آن چیزی بکاهد، و هم چنان تازه و زنده است. (۳)

۱۵. جیوس نیز از کسانی است که اعتراف می کند به این که قرآن، دستور اساسی و قانون عام برای عالم اسلامی است، دین و دنیا، سیاست و اجتماع، جنگ و تجارت، دادگستری و داوری و آن چه بر آن حیات انسانی دور می زند، در قوانین قرآن فراهم شده است. (۴)

۱۶. ادmond یورک قانون محمّدی، قانونی است که برای همگان از سلطان تا کم ترین فرد مقّر شده، و استوارترین نظام حقوقی

ص: ۵۹

۱- شهرستانی المعجزه الخالده، ص ۲۹.

۲- شهرستانی المعجزه الخالده، ص ۳۰.

۳- نوفل الاسلام و العلم الحدیث، ص ۶۹.

۴- نوفل محمّد رسولا نبیاً، ص ۸۹.

و بزرگ ترین موازین علمی قضایی و عظیم ترین تشریح روشن و منوری است که همانند آن در عالم، هرگز پدیدار نشده است. (۱)

۱۷. الکس لوازون محمد صلی الله علیه و آله و سلم کتابی به جا گذارد که در میان مسایل علمی جدید و نوین، آیت بلاغت و سجل اخلاق و کتاب مقدس است؛ مسأله ای که با اساس و پایه های اسلامی معارضه نماید، وجود ندارد و بین تعالیم قرآن و قوانین طبیعت مناسبت و سازگاری و مطابقت تمام برقرار است. (۲)

۱۸. جیمس متشنز: شاید قرآن از هر کتابی در عالم، بیشتر خواننده داشته باشد و به طور حتم از هر کتابی برای حفظ، آسان تر و تأثیرش در دل ها بیشتر است. و از مزایای آن این است که هنگام شنیدن آن، دل ها خاشع و ایمان زیاد می شود. (۳)

۱۹. دکتر لوئیس صابونجی متوفی ۱۹۲۸، قصیده ای در مدح پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم سروده است که مطلع آن این است:

أَلَى الْعَرَبِ وَافِي بِالرَّسَالَةِ أَحْمَدُ وَجَاءَ بِآيَاتِ الْكِتَابِ يَوْحِدُ (۴)

۲۰. عبدالله یورکی در اشعار بسیاری رسول اعظم و قرآن مجید

ص: ۶۰

۱- نوفل القرآن والمجتمع الحديث، ص ۲۹..

۲- نوفل الاسلام والعلم الحديث، ص ۶۹.

۳- نوفل الاسلام والعلم الحديث، ص ۶۹.

۴- الوعی الاسلامی، شماره ۵۱، ص ۲۵.. احمد رسالت و پیامبری را به عرب رساند و ابلاغ کرد و ایه های قرآن را آورد و به توحید و یگانه پرستی دعوت کرد

را مدح و ستایش فراوان کرده که از آن جمله این ابیات است:

قَبَسٌ مِنَ الصَّحْرَاءِ شَعَشَعٌ نُورُهُ

فَجَلَا ظَلَامَ الْجَهْلِ عَنْ دُنْيَانَا

وَمَشَى وَفِي أَرْدَانِهِ عَبَقُ الْهُدَى

وَأَرِيحُ فَضْلَ عَطْرِ الْإِكْوَانَا

بَثَّ الشَّرِيعَةَ مِنْ غِيَابِ رَمْسِهَا

فَرَعَى الْحُقُوقَ وَفَتَحَ الْأَذْهَانَا

مَرَحَى لَأُمِّي يَعْلَمُ سِرَّهُ

تُبْغَاءَ يَعْرَبُ حِكْمَهُ وَبَيَانًا (۱)

تا این که می گوید:

أَنْتِ مَسِيحِي أَجَلٌ مُحَمَّدًاو

رَاهِ فِي سَفْرِ الْعُلَا عُنُونًا

وَاطَاطَأَ الرَّأْسَ الرَّفِيعَ لِذِكْرِ مِنْ

صَاغَ الْحَدِيثَ وَعَلَّمَ الْقُرْآنًا

أَنْتِ أَبَاهِي بِالرُّسُولِ لَأَنَّهُ

صَقَلَ النُّفُوسَ وَهَدَّبَ الْوُجْدَانَا

وَلِأَنَّهُ دَاسَ الْجَهَالَةِ وَانْتَضَى

سَيْفَ الْجِهَادِ فَحَطَّمِ الْإِوْثَانَا (۲)

ص: ۶۱

زدود. او راه رفت درحالی که بوی هدایت و روشنگری در آستینش استشمام می شد و عطر فضیلت زمین و آسمان را فرا گرفته و عطر آگین کرده بود. شریعت و دین را از تاریکی های پنهانیش گسترش داد و پخش کرد و حقوق مردم را رعایت نموده و فکرها و ذهن ها را باز نمود و روشن کرد. به به و آفرین بر آن امی مکتب نرفته ای که کتاب خودش را برای نابغه های یعرب (بن قحطان) می آموزد و برای آنها حکمت و بیان یاد می دهد.

۲- الوعی الاسلامی، ش ۵۱، ص ۲۶ - ۲۷. من گرچه مسیحی هستم محمد را بزرگ و گرامی می دارم و او را در کتاب های آسمانی و معنوی مطرح شده می بینم. من سر کشیده خود را به یاد آن کس که حدیث را آفرید و قرآن را یاد داد به علامت تعظیم فرود می آورم. من به پیامبر افتخار و مباحات می کنم که او جان ها را صفا بخشید و صیقل زد و وجدان ها را تهذیب کرد، و او جهالت و نادانی را زیر پا گذاشت و شمشیر جهاد را برکشید آنگاه بت ها را درهم شکست. و از ابیات این قصیده است: مَنْ ذَا يُجَادِبُهُ الْفَخَّارَ وَقَدْ حَمَى أُمِّحَمَّدُ وَالْمَجْدُ نَسِجُ رِدَائِهِ وَسَيَحَقُّتَ رَأْسَ الشَّرْحِينِ وَطَيْبَتْهُ وَنَشَرَتْ ذِكْرَ اللَّهِ فِي أُمَّيْهِ أُمَّ اللُّغِيَّاتِ وَشَرَّفَ الْعُرَبَانَ مَجَّدَتْ فِي تَعْلِيمِكَ الْإِنْسَانَ وَزَرَعَتْ فِي قَلْبِ الْعَتِيِّ حَنَانًا وَثَبَّتِيهِ وَنَفَحَتْهَا الْإِيْمَانَا چه کسی در افتخار با او برابری می کند او مادر زبان ها را مورد حمایت قرار داده و قوم عرب را شرافت و ارزش بخشید. ای محمد ای آن که بزرگی و عظمت بافت قبای اوست؛ تو در تعلیمات آسمانی خودت انسان را بالا بردی و ارزش و کرامت دادی و سر شر و بدی را کوبیدی و له کردی آنگاه که آن را زیر پا لگدمال کردی و در دل فرد سرکش و بدکار مهرورزی و عاطفه را کاشتی و ذکر خدا را در میان مردم دور از فرهنگ و بی سواد بت پرست گسترش دادی و در دل آنها چراغ ایمان را روشن ساختی.

غیر از شخصیت های مذکور، دانشمندان، شعرا و ادبای دیگری مانند: «ودیع بستانی»، «خلیل مطران»، «شبلی ملاط»، «سابزاریق» (شاعر فیحاء)، «حلیم دموس»، «تولستوی» روسی، «میس کوک» آمریکایی، «کارلایل»، «ولز» انگلیسی، «مونتی» فرانسوی و دیگر دانشمندان بزرگ کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکایی - که حتی آوردن نام آن ها در این مجال امکان ندارد - از قرآن به بزرگی و اعجاز یاد کرده اند که یکی از اهل اطلاع، کتابی بزرگ در این موضوع نگاشته و در آن، اعترافات بیگانگان را از هر ملت، هر کشور و هر زبان، با همان لغات و خط خودشان جمع آوری کرده و کرامت اسلام، جامعیت، مزایا و مفاخر این دین حنیف را از زبان و قلم آنان شرح داده است.

وَالْفَضْلُ مَا شَهِدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ

ص: ۶۲

فصل چهارم: قرآن، کتاب زندگی

تمسک به قرآن

ص: ۶۳

ما مسلمانان بر آن عقیده ایم که قرآن، نور و رحمت و هدایت به سوی خیر و سعادت است و کافی تر و جامع تر از آن دستوری برای بشر نیامده و نخواهد آمد و جامعه انسانی با وجود احکام قرآن و مکتب اسلام به هیچ نظام و قانون دیگری احتیاج ندارد.

شک نداریم که اگر تعالیم قرآن به اجرا درآید، نقاط ضعف و نابسامانی هایی که زندگی جوامع بشری را فرا گرفته، مرتفع خواهد شد و برادری و عدل و داد، جهان را فرا خواهد گرفت.

بنابراین، وظیفه ما است که به حکم حدیث شریف و متواتر:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مَا ان تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا ابداً(۱)

ص: ۶۵

۱- صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۳۳ - ۴۳۴؛ خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۱۳۷، ۱۶۳؛ طبری امامی، المسترشد، ص ۵۵۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۸۴، ح ۲. «همانا من در میان شما دو چیز گران سنگ را باقی می گذارم، کتاب خدا و عترتم؛ تا چندی که به آن دو تمسک جویند هرگز گمراه نخواهید شد».

به قرآن و عترت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم متمسک شویم و رسالت قرآن را به جهانیان برسانیم؛ مبدأ و مقصد انجام حرکات و نهضت‌ها، اقدامات و انقلاب‌های اصلاحی را، تعالیم قرآن قرار دهیم؛ و همواره آن را نقطه شروع و نقطه پایان، مصدر هدایت و منبع جهش بدانیم. در تمام شؤون و نواحی زندگی فقط به قرآن و عترت رجوع نماییم و آن را یگانه میزان و قانون محترم و واجب‌الاتباع دین و دنیا دانسته، در هیچ اقدام و هیچ حال از آن غافل نگردیم.

بدیهی است که مسلمان نمی‌تواند قرآن را از زندگی، اجتماع و دین و دنیای خود دور کرده و به جدایی دین از دنیا و روحانیت از سیاست، قایل شود.

مسئولیتی که متوجه ما مسلمانان، می‌باشد، این است که به جدایی دین از دنیا تسلیم نگردیم؛ اگرچه بسیاری، نادانسته و جاهلانه این جدایی را پذیرفته‌اند.

هر فرد مسلمان باید به این پرسش‌ها پاسخ گوید:

آیا ما قرآن را مصدر واقعی اقدامات و منبع الهامات می‌دانیم؟ و برای اختلالات و ابلاغات اعتبار قایلیم؟ آیا در ایمان به قرآن و راهنمایی‌های آن جدی و پابرجا و استوار هستیم؟

آیا برنامه زندگی ما از قرآن گرفته شده است؟ و به قدر یک رژیم درمانی و بهداشتی و یک نسخه پزشک، از کتاب خدا پیروی می‌کنیم؟

و آیا می‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ مثبت بدهیم؟

تا وقتی که زندگی، اجتماع، اعمال و رفتار، دروس و برنامه‌های حیاتی به گونه‌ای باشد که در برابر این سؤالات، جواب مثبت نداشته باشیم، از حریم امن و کرامت و عزت قرآن مجید دور هستیم.

قرآن و اجتماع اسلامی

تشخیص و تمیز اجتماع اسلامی از جوامع دیگر به این است که مصدر افکار و افعال و سلوک اجتماعی، تربیتی، تجاری، سیاسی و مبدأ تحرک و محور تمام فعالیت‌های علمی و صنعتی و اصلاحی، «قرآن» و «سنت» باشد. از این رو، اگر مسلمانان بتوانند در آغاز و مطلع قرن پانزدهم چنین انقلابی در جهان اسلام و در جوامع خود به وجود آورند، آینده آنان سعادت بخش و مقرون به رستگاری و آزادی خواهد بود و برای ابلاغ رسالت اسلام به جهانیان و نجات بشر از این همه سرگردانی و گمراهی، لیاقت و شایستگی خواهند یافت.

با کمال تأسف، جهل به احکام و تعالیم و ارشادات قرآن و عدم دستیابی بسیاری از مسلمانان به اهداف واقعی و مقاصد این دین حنیف، سبب شده که افرادی به اصطلاح روشن فکر امّیا گمراه و کم‌اطلاع این حقیقت که قرآن باید مبدأ تحرک و مصدر اقدامات و سازنده اجتماع باشد را انکار و یا در آن تردید نمایند.

ص: ۶۷

اگر این گونه افراد، در نظراتی که اظهار می دارند، مقصدشان تقلید کورکورانه از بیگانگان و تأیید دشمنان اسلام و مزدوری برای آن ها نباشد و در عقیده خود اصرار و لجاجت ندارند، باید با ادله و براهین و تذکر آیات محکم قرآن در مسایل مهم سیاسی، اجتماعی و انتظامی آنان را قانع سازیم که انسان در هر دور از ادوار حیات و در هر عصری از اعصار و در شئون مختلف از قبیل: حیات دنیا و آخرت، روح و جسم، ظاهر و باطن، انفرادی و اجتماعی، محتاج به هدایت خدا و استمداد از رهبران آسمانی و پیروی از برنامه های جامع الهی است. و چنان چه تحقیق و مطالعه در ادیان و کتب آسمانی و مکتب های اجتماعی نشان می دهد: غیر از قرآن، دستورالعمل دیگری- که جاودان و کافی و شامل تمام نواحی زندگی باشد- وجود ندارد.

افراد دیگری فکر جدایی دین و دنیا را پیش کشیده و می خواهند دایره هدایت قرآن را تنگ کرده و دین را منحصر به عبادات، اخلاقیات و عقاید سازند و در حقیقت، قرآن را صرفاً یک کتاب اخلاق یا یک کتاب دعا تلقی کرده و آن را در مجالس ترحیم و بر سر قبور اموات بخوانند و هنگام سفر، به همراه آن مسافر را بدرقه کنند و یا در سند ازدواج و جهیزیه، از روی تبرک، وجود یک جلد قرآن را ذکر کنند و یا آن را به بازوی خود ببندند و شاید عده قلیلی هم باشند؛ که گاه گاهی به فیض تلاوت آن نایل شوند.

اما آیا انتفاع و استفاده از قرآن، فقط همین است و معنای «وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ فَأَدَّبَهُ إِلَى الْجَنَّةِ» (۱)

این می باشد؟

بدیهی است افرادی که قرآن را از دنیا و از اجتماع، از معاشرت و مجالست، از اداره مملکت و منزل و امور دیگر جدا ساخته و اسلام را در فکر و عمل تجزیه کرده اند، گمراه هستند؛ زیرا بر حسب محکومات آیات قرآن و اجماع مسلمین و سیره رسول اعظم و ائمه علیهم السلام و احادیث و اخبار و فقه اسلام، دین از دنیا جدا نیست و تعالیم قرآن محدود به امور عبادی، اعتقادی و اخلاقی نمی باشد.

درباره نظم بخشیدن به امور دنیایی از قبیل: امور مالی و اقتصادی، قضایی، حکومتی، اجتماعی و سیاسی در قرآن آیات صریح بسیاری موجود است و هر کس به دقت قرآن را مطالعه کند، می یابد که رسالت قرآن، هدایت بشر در جمیع نواحی زندگی است. جدایی دین از دنیا- که بعضی به تقلید بیگانگان، آن را مطرح می کنند- به هیچ وجه با تعالیم اسلام سازگار نیست و معنای آن، نقص دین و شریعت (العیاذ بالله) و وافی نبودن آن به رفع حوائج و نیازمندی های اجتماعی و سیاسی است.

برخی دیگر نیز هدایت قرآن را تمام و جامع و شامل می دانند؛ ولی در مقام عمل به تعالیم دیگر گرایش پیدا می کنند و مکتب های

ص: ۶۹

۱- صنعانی، المصنف، ج ۳، ص ۳۷۳؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ راوندی، النوادر، ص ۱۴۴. «هر کس قرآن را جلو خود رهبر قرار دهد، او را به بهشت رهنمون می شود».

غیر اسلامی، و افکار و آراء و دستور زندگی خود را از جاهای دیگری اقتباس می نمایند و سپس سعی دارند با تأویل و توجیه نصوص، کتاب و سنت را با آن افکار و تعالیم، موافق معرفی نمایند. چنان چه برخی در استفاده از آیات قرآن، اخبار و احادیث را ترک کرده و روایات را کنار می گذارند و بدین گونه بین قرآن و عترت جدایی می اندازند و به اجماع فقها و فهم و استظهارات بزرگان، اعتنا نمی کنند، که بی شک هدف آنان از این روش، پیدا کردن معاذیر و دستاویزهایی برای پیروی از نظریات مأخوذ از دیگران و تقلید از اجانب و مکتب های غرب یا شرق است.

این دو دسته نیز در روشنی تعالیم اسلام گام بر نمی دارند، و روشی که دارند، آنان را از قرآن دور، و جمال زیبای اسلام را مستور، و هرج و مرج فکری و اعتقادی و پراکنندگی ایجاد می کنند.

این دو دسته را باید به کیفیت صحیح و طریق مستقیم استفاده و استنباط از کتاب و سنت، راهنمایی کرد؛ و از توجیه و تأویل و هم چنین تقلید از افکار بیگانگان و مکتب های مادی و ضعف شخصیت، برحذر داشته و آنان را به استقلال فکر و تعقل و تأمل و پیروی از علم تشویق نمود.

دسته پنجم، کسانی هستند که به طور جدی و قاطع، قرآن را منبع هدایت و یگانه کتاب راهنمای دنیا و آخرت می دانند؛ و از

هیچ

ص: ۷۰

مکتب و مصدر دیگری حاضر به اقتباس برنامه زندگی نیستند و متون و نصوص کتاب و سنت را محترم شمرده و به حلال و حرام و واجب و مستحب و مکروه آن ایمان آورده و قرآن را راهنمایی برای همه می دانند.

این افراد را می توان اهل قرآن و امت قرآن خواند؛ و این ها هستند که می توانند جمله

«وَالْقُرْآنُ كِتَابٌ» (۱)

را بگویند.

این جمعیت، جمعیت وفادار به قرآن و خواهان اجرای کامل احکام قرآن هستند؛ هر چند وفاداری و فداکاری آنان یکسان نیست و امتحانات و حوادث، معلوم می سازد که تا چه حد و تا کجا و به چه مقدار برای قرآنی شدن اجتماع، فداکاری و اقدام می کنند.

آیا به همان عقیده قلبی و بحث علمی در این موضوع، قناعت کرده یا حاضرند قدم به جلو گذارند و واقعاً هدایت اسلام را بر مسایل زندگی از اخلاق و معاملات، تربیت، اقتصاد و ... تطبیق نمایند و به اختلالات و انذارات و بشارت ها و تعالیم قرآن توجه کنند؟

وظیفه ای که این دسته در مقابل دین و قرآن دارند این است که: قرآن را مایه نشاط فکری و برنامه عمل و حرکت قرار داده و تصمیم بگیرند که در هیچ جا و هیچ مورد از آن منحرف نشوند و تنها به این که قرآن، زینت اوراق مصاحف و محور بحث ها و مطالعات علمی و فقهی و تحقیقی

ص: ۷۱

است و از خواندن و نوشتن و شنیدن آن، زبان‌ها و دست‌ها و چشم‌ها و گوش‌ها مستفیض می‌شود، اکتفا نکرده و اجرای احکام قرآن را- که کتاب عمل و کتاب دین و دنیا و برنامه حیات است- هدف خود قرار داده و به آن اهمیت بدهند؛ دین و احکام آن را به عقاید و عبارات و جنبه‌های فردی و روحی محدود نسازند و در هر رشته‌ای احکام قرآن را مطاع و مرجع دانسته؛ و دنیا و آخرت خود را با احکام آن اداره کنند.

تا وقتی که این وضع در جوامع مسلمانان به وجود نیاید و افراد غیور و با همت برای تحقق این مقصد، کمر همت نبندند و صادقانه و مخلصانه، تلاش و جهاد نمایند، از بحث علمی و اعتقادی بی‌عمل، رهبری و هدایت قرآن بر کرسی تسلط مطلق بر تمام شؤون بشر، مستقر نمی‌شود. از این رو باید کاری کرد که آفتاب اسلام در عرصه‌های گوناگون زندگی مسلمانان پرتو افکن شده و جلوه نفوذ و رسوخ اشعه آن در نواحی متعدّد حیات آنان آشکار گردد.

یقیناً اگر بحث علمی و اعتقادی مقدمه عمل نباشد، سبب ادای رسالت اسلام و تمکین آن نخواهد شد. رهبران و زعما باید به طور جدّی و صادقانه، اقدامات چشم‌گیر و مؤثری بنمایند که اسلام و احکام اسلام در میان متون و کتب حدیث و فقه و در حجره‌های مدارس طلب علم دینی و کتابخانه‌ها مستور و پنهان نماند؛ و در میادین دیگر به ویژه میدان عمل و سازندگی در هر زمان و مکانی آن احکام و دستورات عالیّه اجرا شود.

مادام که دنیا قرآن را در اجتماع مسلمانان، مرجع امور و مصدر نهضت و تحرّک نیند، از حقیقت اسلام و قدرت آن در سازندگی مترقی ترین اجتماعات چیزی نمی فهمد. و تا زمانی که قرآن را سازنده اجتماع و مدنیت ما نیند، هر چه در تبلیغ اسلام و مطالبی که در اجتماع چند صد میلیونی مسلمانان از آن اثری نیست تلاش کنیم، ثمرات و آثار مهمی نخواهد داشت.

دنیا به ما می گوید: اگر چنان چه شما مدّعی هستید که از امت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم می باشید؛ اسلام را دین خدا و قرآن را کتاب خدا و قانون حکومت و اجتماع و تجارت و حیات و موت می دانید و به آن ایمان دارید و نقص و ناتمامی در آن فرض نمی کنید، پس چرا ریزه خوار خوان دیگران شده و پای رکاب دیگران می دوید و کورکورانه نظریات و آرا و مبانی و راه دیگران را گرفته و ترویج می کنید؟

چرا در اجتماعات شما از اسلام جز در داخل مساجد، در مراسم عبادت، در گورستان، در مجالس دینی، مدارس طلب و کتب دینی کم تر می توان خبر گرفت و برنامه های اجتماعی وسیع و مترقی اسلام، متروک و احکام آن تا حدودی تعطیل شده و مظاهر اجتماعات غیر اسلامی، از جمله در: خیابان ها، مؤسّسات، سازمان ها و حتّی تربیت و تجارت و تبلیغات، شما را فرا گرفته است؟!

وظیفه مسلمان ها است که با ساختن و روی کار آوردن اجتماع اسلامی به این پرسش پاسخ دهند.

در عصر حاضر، بهترین و بزرگ ترین خدمتی که هر مسلمان باید به اسلام و قرآن بنماید، این است که: با محدود کردن قرآن در دایره عبادات و چهاردیواری مساجد و خانه های علما و جدا کردن آن از اجتماع و امور دنیا- که یک فکر خطرناک غربی و بیگانه از اسلام است- مبارزه کند و مفاهیم و مقاصد وسیع اسلامی را ترویج و تبلیغ نماید؛ تا هر جا، هر مقام و هر مجمع، سازمان و مؤسسه ای، مظهر تعالیم اسلام گردیده و جامعه اسلامی با سرعت هر چه بیشتر ترقی نماید.

قال الله تعالی:

ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۱)

ص: ۷۴

فصل پنجم: سلام بر ماه خدا

اشاره

ص: ۷۵

سلام بر ماه خدا(۱)

سلام بر میهمانان خدا!

سلام بر روزه داران!

سلام بر آنان که با نیروی ایمان، جنبش‌ها و تمایلات نفسانی را مهار کرده و می‌توانند خود را از آلودگی‌های شهوت و غضب، و از پلیدی و زشتی کنار کشیده و پاک و بی‌غُلّ و غش زندگی کنند.

سلام بر کسانی که حرمت ماه رمضان را نگاه داشته؛ و از برکات و فضیلت‌های این ماه برخوردارند.

روزه دار عزیز! تو میهمان خدایی! تو مشمول آمرزش و رحمت او هستی! نفس کشیدن تو ثواب تسیح و خواب تو ثواب عبادت را دارد؛

پس قدر خود را بدان!

بدان که بزرگ‌ترین مکتب تربیتی و روحانی اسلام برای همه طبقات اعم از غنی و فقیر، شاه و گدا و عالم و جاهل، افتتاح شده و شعبه‌های آن در کاخ‌های شهری و خانه‌های روستایی، در همه شهرها و نقاط

ص: ۷۷

۱- این مقاله تحت عنوان (شهر رمضان ...) در مجله مسجد اعظم، سال دوم، شماره دهم، ص ۱۷ - ۲۳، در رمضان المبارک ۱۳۸۶ هجری قمری چاپ شده است.

مسلمان نشین باز گردیده و در عالم اسلام، وجد و نشاط و بیداری ضمیر و توجه به معنویات، همه چیز را تحت الشعاع قرار داده است.

به راستی که چه فرصت خوب و چه اوقات عزیزی است؛ اگر ما قدر آن را بدانیم. تا چه اندازه این ماه به ما نیرو می دهد؟ ما را امیدوار و سرزنده و تازه می کند و احساسات انسانی را بیدار می سازد؟

درود بر آن رهبرانی که در وصف روزه فرمودند:

الصَّوْمُ جُنَّةٌ (۱)

روزه سپر (زره) است.

به راستی روزه، سپر از گناه، از پلیدی و زشتی و از آفات خشم و شهوت است.

برنامه اخلاقی اسلام

در این دنیای پر غوغا که بسیاری از مردم از فشار مادیات و مدنیت (منهای انسانیت) خسته شده و از سرگردانی هایی که توجه به مادیات برای بشر فراهم نموده، به ستوه آمده و از رواج فساد اخلاق، فحشا و

بی عفتی و خدعه و نیرنگ رنج می برند، نیاز جامعه به معنویات و اخلاق هر روز آشکارتر می شود. جمعیتی به نام تسلیحات اخلاقی تشکیل شده است که متأسفانه چون برنامه کار آن ها به طور جامع و

ص: ۷۸

۱- برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۷ - ۲۸۹؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۹، ۲۴؛ ج ۴، ص ۶۲ - ۶۳؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۴ - ۷۵.

مستقیم از تعالیم مقدسه اسلام الهام نمی گیرد، موفقیتی به دست نمی آورند و اگر هم سر و صدایی بلند کنند، بسیار محدود و گاهی ممکن است با اغراض سیاسی توأم باشد. از این گونه جمعیت ها و سازمان های ضعیف، کاری ساخته نیست؛ و نمی توانند در قلب و روح بشر وارد شده و او را در برابر همه این خطرات بیمه نمایند.

یگانه راهی که بشر را به سر منزل رستگاری می رساند، راه اسلام است. همان آیینی که تعالیم و برنامه های آن، همه جانبه و در هر عصر و زمان مترقی ترین تعالیم است. همان دینی که معنویت و روحانیت آن، دل های بشر را تحت نفوذ گرفته و ماه رمضان، وضع و اوقات کار و پیشه، اداره و برنامه زندگی و ... را عوض می کند.

اسلام برنامه تسلیحات اخلاقی عمیقی از چهارده قرن پیش به اجرا گذارده که اگر همه با هم همکاری کنند تا این برنامه از هر لحاظ اجرا شود، سطح اخلاق فاضله به میزان بی سابقه ای بالا خواهد رفت.

این برنامه تسلیحاتی اسلام در مقابل سپاه خشم و شهوت، بی عفتی و ناپاکی، جنایت و خیانت، حبّ مال و جاه، بی رحمی، حرص، حسد، ظلم و ستم، تجاوز به حقوق ضعفا، ضعف اعصاب و ضعف روح، ناتوانی اراده و آفات دیگر، همان برنامه ماه رمضان است.

البته اسلام برنامه های اخلاقی و اجتماعی دیگر، بسیار دارد که چون موضوع گفتار ما نمی باشد، بحث درباره آن را به فرصتی دیگر محوّل می کنیم.

برای ما توجه به برنامه های ماه رمضان لازم و مفید است؛ زیرا می توانیم با برنامه های آن نقاط ضعف و نواقص امور خود را برطرف کنیم.

آری، ماه رمضان، ماه روزه، قرائت قرآن، دعا و ذکر خدا، توبه و اعاده حیثیت، ماه کمک به مستمندان و صله رحم، ادب و حسن خلق بوده و دستوراتش به قدری جالب و ارزنده است که ارزش آن را با جواهرات و اموال این دنیا نمی توان سنجید. ثواب تمام اعمال حسنه و کارهای نیک در این ماه بیش از ماه های دیگر است.

قرائت قرآن مجید- به ویژه اگر با تأمل در معانی آیات آن توأم باشد- ما را به معارف حقیقی و به عالم انسانیت، آشنا کرده و امراض روحی را شفا می بخشد.

رمضان و ادعیه

ادعیه ای که در این ماه خواندن آن ها توصیه شده، رشد فکری، علمی، اخلاقی و اجتماعی مسلمانان را قوت می بخشد و آنان را به مصالح اجتماع و کوشش در قضای حوایج مردم، علاقه مند می سازد؛ و آتش حرص و آز را فرو می نشاند. (۱)

دعای «افتتاح»، معارف اسلام و عقاید حقیقی و حمد و سپاس خدا

ص: ۸۰

۱- در این جمله که در دعاها مکرر میخوانیم: «وَرَضِّنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي»؛ «خدایا مرا از زندگی به آنچه روزیم کردی راضی بدار»، تأمل فرماید. طوسی، مصباح المتعجل، ص ۵۹۸؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۷۵.

و کیفیت صلوات و عرض ادب به محضر پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام را می آموزد. (۱)

سحر گاهان خواندن دعاهاى سحر مخصوصاً دعای «ابى حمزه ثمالی» انسان را در عوالمى ملکوتى و روحانى سیر مى دهد و او را به افق اعلى صعود مى دهد.

آن چه در این دعا درج است از مواد لازم برای ترقی روح، و از تمام موادی که استفاده از آن برای تغذیه جسم و تربیت بدن احتیاج می باشد، گران بهاتر است.

این دعا، برای تربیت روح و اصلاح امور اجتماعى و هدایت فکرى، اعتقادى و تنظیم امور معیشت، مانند کتاب جامعى است که حاوى تمام دستورات بهداشتى جسم باشد؛ هر چند این مثال هم در معرفى این دعا ناقص است.

تمام جملات این دعا، ارزنده و با اهمیت است و هر بندى از آن ما را به یک یا چند وظیفه از وظایف انسانى، اجتماعى و اخلاقى متوجه مى سازد و از همه بالاتر، روحانیت و حقیقتى است که خواننده در این دعا احساس مى نماید. (۲)

ص: ۸۱

۱- طوسى، مصباح المتهدجد، ص ۵۷۷-۵۸۲؛ همو، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۱۱؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۴۳؛ محدث قمى، مفاتیح الجنان (دعای افتتاح).

۲- طوسى، مصباح المتهدجد، ص ۵۸۲-۵۹۸؛ محدث قمى، مفاتیح الجنان (دعای ابوحمزه ثمالی).

نماز جماعت، مظهر اتحاد

نماز جماعت که یکی از بزرگ‌ترین شعایر اسلام است و همواره باید مظهر شوکت و اتحاد و نشانه اتفاق و عظمت مسلمین باشد، در ماه رمضان رونق بیشتری یافته و مساجد از نمازگزاران- که کار و شغل خود را رها کرده و در برابر خدا با هم کیشان خود از سیاه و سپید، سر به سجده می‌گذارند- موج می‌زند.

روح عدالت، مساوات و آزادی اسلامی ظاهر می‌شود. آقا و نوکر، استاد و شاگرد، فقیر و غنی، همه در کنار هم می‌ایستند و چه بسا که گاهی سرباز در صف جلو و افسر ارشد در پشت سر او مشغول نماز و نیایش ذات پروردگار است. (۱) و از آن‌ها کسی به خدا نزدیک‌تر است که تقوا و پرهیزکاریش بیشتر باشد و چنین همه با هم «الله اکبر» و «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» و «رَبِّيَ الْأَعْلَى» و «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَقَاعِدُ» می‌گویند.

ارشاد و تربیت در رمضان

علما و گویندگان و خطبا بر منبرهای وعظ و ارشاد، توفیق هدایت و دعوت به دین و بیان احکام و تهذیب اخلاق را در این ماه بیشتر دارند.

در حقیقت باید گفت: ماه رمضان یک مؤسسه تربیتی و ارشادی و

ص: ۸۲

۱- در بعضی کشورهای اسلامی حتی ترکیه، گاه افسران ارتش و هیئت وزیران و سران کشورها در نماز جماعت شرکت میکنند و مثل افراد عادی در هر صف و در کنار هر شخصی که باشد، میایستند و مقام خود را در این هنگام به حساب نمی‌آورند.

مدرسه ای است که همه ساله تشکیل می شود و تعالیم آن عمومی و همگانی است. مدرسه ای که هم وظیفه آموزش و پرورش و هم وظیفه شهربانی خوب و مأموران امین انتظامات و هم وظیفه بهداری و هم عمران و آبادی و هم وظیفه سازمان های خیریه و تعاون و نیکو کاری و هم راهنمایی های دینی و اجتماعی را انجام می دهد.

به طور قطع اگر بشر بخواهد با تمام وسایل مادی و بودجه های هنگفت و کلان چنین مدرسه ای بگشاید که روحانیت و حقیقت آن را رهبری نماید، قادر نخواهد بود.

اما به نیروی نفوذ کلمه یگانه رهبر بزرگ جهان بشریت حضرت محمد بن عبدالله، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همه ساله این مدرسه و این دانشگاهی که بیش از ششصد میلیون دانشجو دارد و شعبه های آن مساجد و خانه ها و اطاق ها و منازل مسلمین است، افتتاح و معلمین روحانی از فراز منابر و درون مساجد به درس و راهنمایی و هدایت مردم انجام وظیفه می کنند.

اگر مسلمین به طور صحیح از این فرصت عالی برای تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی ایمان و صداقت و صحت عمل، بهره برداری نمایند، به طور قطع به موفقیت های درخشانی نایل می گردند.

در این برنامه هیچ عیب و نقصی نیست و کامل تر از این برنامه تربیتی پیدا نمی شود؛ ولی متأسفانه ما در استفاده از آن کوتاهی می کنیم.

روزه دار عزیز! ما می دانیم که در روزه داری فقط به طاعت پروردگار نظر داری؛ اما بدان که روزه عبادتی است که مصالح و فواید آن بسیار است و فایده آن منحصر به تهذیب نفس و تمرین خودداری و ایستادگی و مقاومت در برابر تمایلات اهریمنی نفس سرکش و صفای باطن و نورانیت ضمیر نیست.

نقش بهداشتی روزه

روزه از نظر بهداشت جسم و جلوگیری از بیماری ها و از نظر علاج امراض هم مفید و مؤثر است. و اگر انسان بخواهد از سلامت مزاج برخوردار شود، باید همه ساله این یک ماه را به رژیم اسلام در غذا و سایر تمتعات عمل نماید.

مؤلف کتاب روزه و نفس می گوید: روزه از نظر صحی و بهداشتی، وسیله ای برای تطهیر بدن از سموم ضاره و از غذاهای غیر لازمه می باشد.

دکتر روبرت بارتلو می گوید: شکی نیست که روزه از وسایل مؤثر در نجات از میکروب های مضره است.

دکتر عبدالعزیز سلیمان می گوید: روزه در موارد بسیاری مورد استفاده و طریق علاج است و در حالات بیشتری سبب حفظ صحت و سلامت بدن است.

وی پس از آن می گوید: حکمت بسیاری از اوامر

دینی با پیشرفت علم ظاهر می شود و از آن جمله در مورد روزه ظاهر شده است؛ که در حالات بسیاری مفید و نتیجه بخش و در حالات دیگر علاج منحصر به فرد است.

سپس مواردی را که روزه به عنوان علاج تجویز می شود (مانند: اضطرابات مزمنه امعاء و التهاب حاد و مزمن کلیه و امراض قلب) را ذکر کرده و می گوید: روزه در هر سال، یک ماه (۱) بهترین وسیله پیش گیری از جمیع امراض است که در حقیقت این بیان همان ترجمه حدیث معروف «صُومُوا تَصْحُوا» (۲) است.

دکتر ظواهری می گوید: کرم ماه رمضان شامل بیماران بیماری های جلدی نیز شده است؛ زیرا بعضی امراض جلدی با روزه بهبود می پذیرد.

وی بعد از یک سلسله تحقیقات علمی درباره امراض جلدی می گوید: بهترین علاج برای این حالات، خودداری و امساک (روزه داری) از طعام و نوشیدنی ها است.

سپس، نظرات علمی خود را راجع به تأثیر روزه در جلوگیری از افزایش میکروب های ضاره اظهار داشته و می گوید: ماه روزه ماه استراحت از این سموم و ضررهای آن می باشد.

او امراضی را معرفی می کند که «روزه» علاج آن ها شناخته شده است.

ص: ۸۵

۱- مقصود، روزه ماه رمضان است.

۲- قطب راوندی، الدعوات، ص ۷۶. «روزه بگیرید تا سالم باشید».

بعضی از دانشمندان مطلع می‌گویند: روزه وسیله حفظ الصّحه و علاج امراضی است که تمدّن و رفاه پرستی، سبب پیدایش یا انتشار آن شده و هر چه وسعت دایره تمدّن بیش تر شود، رژیم روزه داری اسلام بیشتر لزوم پیدا می‌کند. و سرّ این که اسلام از سایر ادیان به روزه بیشتر اهمیت داده، این است که اسلام آخرین شریعت آسمانی است؛ و در زمانی آمده که امراض به واسطه افراط در خوش گذرانی و خوش خوراکی، روز افزون بوده است.

بنا به نقل یکی از کتب علمی، تازه ترین نظرات علم بهداشت این است که: بر هر شخصی خصوصاً سالمندان واجب است در هر هفته یک روز یا در هر ماه یک هفته را روزه بگیرند؛ و بهتر این است که در سال، یک ماه روزه بدارند.

یکی از مشهورترین مراکز بهداشتی دنیا، مرکز بهداشتی دکتر هنریج لاهمان در سدن سکسونیا است. در این مرکز صحّی، بیماران را با روزه معالجه می‌کنند و علاوه بر این، مراکز دیگر مانند: مرکز بهداشتی دکتر برشریز و دکتر مولر و ... نیز وجود دارد که به این روش، به معالجه بیماران مبادرت می‌ورزند.

یکی از پایه های علاج در این مراکز، یکی پاک کردن جسم بیمار از فضولات زائده بر حاجت جسم است که اسباب سستی فعالیت سایر اعضا می‌شود. و دیگری، فرصت استراحت دادن به اعضا و جهاز هاضمه است.

غالباً این روش علاج، در امراض مهمی مثل: اضطراب هضم، امراض قلب و کبد و کلیه و بالا رفتن فشار خون، مؤثر واقع شده است.

پس ای روزه دار عزیز! قدر خود را بدان و فرق خود را با روزه خواران نادان و شکم پرست که بی عذر شرعی روزه خواری می کنند، بشناس.

متوجه باش که تو نیرومند و قوی هستی! تو هستی که سرسختانه و با احاطه بر امیال نفسانی، پیروز شده و کشوری را که قهرمانان زورمند و پیلتن از فتح آن عاجز شده اند، فتح کرده ای!

روزه رمز صبر و بردباری بشر می باشد. کدام صبر بالاتر از صبر بر گرسنگی و تشنگی است که سفره غذاهای لذیذ گسترده باشد و انسان یک لقمه از آن را به دهان نزدیک نبرد و قدح آب خنک حاضر باشد و با غلبه بر تشنگی، شکیبایی ورزد و آب نیاشامد.

این نیروی ایمان است که می تواند به جان آدمی چنین صبر و ثبات بخشد و هر جا که خواست خواهش های نفس را کنترل کند؛ و او را به نظم و ترتیب و حفظ مقررات و انضباط عادت دهد.

این روزه داران بودند که با عده کم، قشون های بسیار را شکست دادند و ممالک و کشورهای زیادی را فتح نمودند.

همین روزه دارن بودند که با دست خالی، اما با دلی پر از ایمان و

فضیلت و با سلاح صبر و استقامت و اسلحه ای که ماه رمضان به آنان عطا کرده بود، صفوف سپاهیان مسلح دنیا را از هم شکافتند؛ و در میادین جنگ، در حالی که روزه دار بودند، شربت شهادت می نوشیدند.

روزه دار پاکدل! تمام این فواید در مقابل ثواب و اجرهایی که برای روزه مقرّر شده و در برابر تقربّی که روزه دار به درگاه آفریدگار جهان حاصل می کند و معنویت و وسعت روح و نشاطی که در خود احساس می کند، ناچیز است.

روزه دار موفق و با اراده! حال که در دانشگاه الهی (ماه رمضان) به یاد گرفتن اصول عالی انسانیت و ریاضت نفس و قدرت اراده اشتغال داری، همه دروسی را که در این مدرسه به تو می دهند، خوب به خاطر بسپار و آن ها را در زندگی خود به کار گیر؛ و بدان که تمام احکام اسلام- دینی که من و تو به آن افتخار داریم- همین قسم است و سعادت بشر در گرو عمل به این دین است.

بیا در این ماه رمضان تصمیم بگیر و تلاش کن هر قدر که می توانی به اسلام، به قرآن، به هدف عالی پیامبر و امامان، به توسعه فرهنگ و معارف اسلامی، به تهذیب اخلاق جوانان و نسل حاضر، کمک کنی، و دین خود را به دین اسلام ادا کرده و خود نیز فردی صالح و شایسته،

خیرخواه، خدمت گزار جامعه و مواظب وظایف دینیت باش! در اجتماعات مسلمین، در نماز جماعت و مجالس تبلیغ همیشه شرکت کن.

جوانان ارجمند! سالمندان بزرگوار! اساتید دانشگاه و شخصیت های کشوری و لشکری! هر که و در هر مقامی که هستید ماه رمضان را احترام کنید. و خود را در معرض نسیم های رحمتی که در این ماه همواره در وزش است، قرار دهید. حتماً در نماز جماعت ها و در مساجد شرکت کنید و با مردمی که در حقوق انسانی از شما چیزی کم ندارند، در یک صف بنشینید و مساوات اسلامی را به عالم نشان دهید. خود را به برادران دینی خود نزدیک کنید تا همه با هم، هم فکر و هم رنگ، پیوند اتحاد خود را محکم و استوارتر سازید.

مگر باید بعضی افراد را فقط در سینماها و مجالس شب نشینی معلوم الحال (!) ملاقات کنند؟! آیا بهتر نیست که در مسجد و مرکز تعلیم و ارشاد و ایمان حضور یابید و این رسم را در این مملکت اسلامی معمول سازید؟ مگر در ممالک متمدنه، مسیحی ها، شخصیت ها و رئیس جمهوری ها، زمامداران و پروفیسورها در مراسم کلیسا شرکت نمی کنند؟! ما یقین داریم که بهترین وسیله برای تقویت اتحاد و هماهنگی بین تمام طبقات، شرکت جستن همه مقامات در مراسم دینی و اسلامی است. به امید خدا و به انتظار همت مسلمانان آگاه و غیرت مردان آزاده و پاکدل

و ترقی خواه.

ص: ۸۹

اینک بیش از هزار و چهارصد سال است که مسلمانان هلال ماه رمضان را با نشاط و اقبال بسیار به عبادت خدا و شور و سرور استقبال می کنند، و مانند کسی که مدّت ها انتظار بازگشت عزیزترین مسافر را کشیده، از مقدمش غرق شادی و جشنودی شده، خدای را بر این توفیقی که یافته اند سپاس گزاری می کنند.

سپاس گزاری می نمایند؛ چون میهمان خدا شده و در دار الضیافه حق، به کرامت و شرافت مشرف شده اند:

وَهُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضَيْفَةِ اللَّهِ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ (۲)

سپاس او را به جای می آورند، چون افتخار درک روزها و شب های پر برکت ماه مبارک را نصیب آنان فرموده است.

ص: ۹۳

۱- الرَّحْمَن، ۳۳.

۲- نَحْل، ۱۲.

پروردگار را حمد می کنند که باز فرصت تهذیب اخلاق و اصلاح احوال و نیل به فیوض بسیار و تزکیه باطن و صفای نفس یافته و شعور اسلامی خود را زنده و احساسات پاک انسانی را شاداب ساخته و دلها را با استغفار و توبه، دعا و مناجات و یاد خدا جلا داده و با اولیا و بنندگان مقرب خدا در سیر طریق معرفت و اطاعت، همکاری می کنند. چه ماه پرارزش و چه اوقات گرانبها و چه سرمایه عزیزی که به دست آن ها آمده است.

از حضرت باقر علیه السّلام روایت است که فرموده: «پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به مردم روی می کردند و می فرمودند: ای گروه مردم! وقتی هلال رمضان طلوع می کند، شیاطین سرکش به غل بسته می شوند و درهای آسمان و بهشت و درهای رحمت باز می شود و درهای آتش بسته می گردد و دعاها مستجاب می شود، و در هنگام افطار هر روز، برای خدا آزاد شدگانی است که از آتش، آن ها را آزاد می کند و هر شب منادی ندا می کند: آیا سؤال کننده ای هست؟ آیا استغفار کننده ای هست؟ خدایا! هر انفاق کننده را عوض عطا فرما و هر امساک کننده را لطف عطا کن.

تا آن که هلال شوال طلوع می کند و مؤمنان ندا داده می شوند: بامداد به سوی جایزه های خود بیایید که روز جایزه است.»

سپس حضرت باقر علیه السلام فرمود: «سوگند به کسی که جانم به دست او است این جوایز، جایزه دینار و درهم نیست.» [۵۸]

با نو شدن ماه، برنامه ها روند دیگری می یابد. در کشورهای اسلامی اوقات کار کارگران و صاحبان مشاغل و پیشه ها و مؤسسات ملی و حکومتی تغییر می کند. غذاخوری ها، میهمان خانه ها و ... که در سراسر روز کار می کردند، دست از کار می کشند.

هلال ماه رمضان را که می بینند رو به جانب قبله، خدا را می خوانند و از او امن و ایمان و تندرستی و اسلام و عافیت و کمک بر اقامه نماز و ادای روزه و انجام شب زنده داری و تلاوت قرآن و ... را طلب می نمایند:

اللَّهُمَّ اهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلَّلَةِ، وَدِفَاعِ الْإِسْقَامِ وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّيْلَمِ وَالْقِيَامِ، وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ
اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا لِسَهْرِ رَمَضَانَ وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْ لَنَا فِيهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ عَفَوْتَ عَنَّا وَغَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا (۱)

ص: ۹۵

و این چنین با حال خوش، پاک و بی آرایش و با چنین آرمان ها و اهداف، وارد ماه رمضان می شوند و خطاب به ماه کرده، می گویند: «رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

در این جمله پر معنی، ایمان و اعتقاد خود را به توحید تازه کرده و ارتباط و هم بستگی تمام مخلوقات و عوالم هستی به نظام اتم الهی را مورد توجه قرار داده و انسان و ماه و جمیع کائنات را تحت تربیت عامه باری تعالی می شناسد.

آری، بسیاری از انسان ها بوده و هستند که ماه، ستاره، آتش و آفتاب را ربّ النوعی پنداشته و در تاریکی این گمراهی ها، از تماشای حقایق نجات بخش و خداپرستی و توحید، محروم گردیده اند.

اما مسلمان روزه دار وقتی هلال ماه رمضان را می بیند، می گوید:

رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

مرّبی انسان و حیوان، نبات و جماد، ماه و ستاره، خورشید و کهکشان ها و آب و آتش خدا است و پرستش، فقط و فقط سزاوار ذات بی زوال او است و بشر و ماه و تمام معبودهای باطل و اتّخاذهی، مخلوق و مربوب او هستند و ماه، آفتاب، هر کره و هر مخلوقی - هر چه بزرگ و عظیم باشد - محتاج به تربیت الهیه هستند و کوچک تر از آنند که بشر - این موجودی که تاج «لَقَدْ كَرَّمْنَا» (۱) بر سر گرفته - نسبت به

ص: ۹۶

آن‌ها کوچکی و حقارت نشان دهد و از نیایش، پرستش و تعظیم آن‌ها چاره‌جویی نماید.

خداوند آن‌ها را مسخر انسان قرار داده و انسان را مستعد تصرف و تسخیر آن‌ها آفریده است.

این است فکر بلند و اندیشه روشن مسلمان روزه‌دار و موحد خداشناس و این است دینی که بشر را به تسخیر ماه و کرات تشویق می‌نماید و او را در سفر به ماه و کواکب و نجوم، گستاخ می‌سازد. این است دینی که باید پیروان آن همه، جهان بین و جهان‌شناس شوند؛ و این است دینی که پیروان خود را به مطالعه عالم آفرینش و دقت و تأمل در نظام جهان و کشف اسرار مخلوقات و خواص آن دعوت می‌کند و کسانی را که در آیات خدا مطالعه نمی‌کنند و بر علم و بصیرت خود نمی‌افزایند، به شدت مورد نکوهش و توبیخ قرار داده است.

آری، در سراسر قرآن آیات بسیاری بشر را دعوت به علم و تحقیق و کاوش و تلاش برای رفع حجب و پرده‌ها کرده و بلکه قرآن مجید خشیت و بیم از خدا را مخصوص آن دسته از علما می‌داند که از عظمت دستگاه آفرینش با اطلاع و جهان‌شناس باشند. (۱)

ص: ۹۷

پیش از این که بشر عملاً دست به کار تصرف کرات و مسافرت به ماه شود، دانشمندان به استناد آیات قرآن این استعداد را برای بشر ثابت می دانستند.

یکی از آیاتی که امکان نفوذ و دست یافتن بشر را به آسمان و کرات آسمانی اعلام کرده است، این آیه کریمه است:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۱)

به نظر ما صریح ترین آیاتی که به تسخیر بشر بر آسمان و زمین و آن چه در آن هاست دلالت دارد، آیاتی است که چند رقم از آن ها را در اینجا می آوریم:

۱. وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲)

ص: ۹۸

۱- الرحمن ۳۳

۲- نحل ۱۲

«و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید، و ستارگان به فرمان او مسخر شده اند. مسلماً در این [امور] برای مردمی که تعقل می کنند نشانه هاست. (۱۲)»

۲. أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً (۱)

«آیا ندانسته اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است، مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟ و برخی از مردم در باره خدا بی [آنکه] دانش و رهنمود و کتابی روشن [داشته باشند] به مجادله برمی خیزند. (۲۰)»

۳. وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲)

«و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد؛ همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است. (۱۳)»

این گونه آیات به صراحت از این که مخلوقات نامبرده، بالقوه مسخر انسان هستند، خبر داده و بشر را به استعداد خدادادی اش برای تسخیر آفتاب و ماه و آنچه در آسمان و زمین است و بهره برداری از آن ها متوجه فرموده و او را برای به فعلیت رساندن این قوه و استعداد و تسخیر مخلوقات زمینی و فضایی آماده، شجاع و گستاخ می نماید.

ص: ۹۹

۱- لقمان ۲۲

۲- جاثیه ۱۳

بدیهی است، مراتب و درجات تسخیر متفاوت است و فعلیت این استعداد و مقدار استفاده بشر از آن، وابسته به کوشش و همت خود او می باشد.

کشاورزی، درختکاری، نهرسازی، سدسازی و اموری از این قبیل، تسخیر زمین، آب و هوا، گیاه و درخت است. استفاده از معادن و سنگ ها و خانه سازی، آجرپزی، نجاری، آهنگری و ... نیز تسخیر زمین، خاک، درخت، آتش، آهن و ... است. هرچه بشر بیش تر بکوشد دایره تسخیراتش وسیع تر می شود.

استفاده از شیر حیوانات و ساختن انواع لبنیات، استفاده از پشم آن ها برای لباس و فرش و از پوست آن ها برای پای افزار و از گوشت آن ها برای غذا و خوراک نیز تسخیر حیوان است.

استفاده از ماه و ستاره به منظور راه یابی و تعیین ماه و سال و استفاده از نور آفتاب، برای پرورش جسم انسان و حیوان و پرورش نبات و معدن، همه تسخیر آفتاب و ماه توسط انسان است.

قدم گذاشتن در ماه و سفر کردن به کرات آسمانی و دست تملک به سوی آن ها دراز کردن نیز تسخیر است.

به همان اندازه ای که استعداد بشر توسعه دارد، به همان حد هم دامنه این تسخیرات توسعه پذیر است.

پس قرآن نه فقط با این پیشرفت مخالفتی نکرده و نه فقط آن را غیر ممکن نشمرده، بلکه بشر را به کوشش هر چه بیشتر تشویق می کند و آسمان و زمین و ماه و آفتاب را مسخر فکر او می شمارد.

زنده باد قرآن! زنده باد تعالیم افتخار آمیز اسلام! و زنده باد مؤمن روزه داری که هلال ماه رمضان را با این کلمه پر معنی «ربی وربك الله رب العالمين» خوش آمد می گوید.

ولی جای تأسف است که مسلمانان از این تعالیم الهام نگرفته و در علوم و صنایع عصر حاضر از دیگران عقب مانده و به تفکر و تحقیقی

که قرآن همه را دعوت به آن کرده- چنانچه شایسته است- نمی پردازند. ما کتاب و دینی داریم که با هر ترقی و پیشرفتی در زمینه علم و صنعت موافق است. هر چه علم پیشرفت کند، عظمت و حقیقت آن روشن تر می شود و در هر زمینه ای، راهنمایی بهتر از آن برای بشر یافت نخواهد شد.

اگر بشر صدها هزار ستاره و کهکشان را مسخر کند، از شوکت و عظمت و قدرت هدایت قرآن چیزی کاسته نمی شود؛ و تعالیم این کتاب از اعتبار و ارزش نمی افتد:

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۱)

ص: ۱۰۱

فصل هفتم: پایگاه پرهیزکاری

اشاره

ص: ۱۰۳

از این جمله شریف قرآنی استفاده می شود که تعالیم، تکالیف، اوامر، نواهی و ارشادات الهی، متضمّن خیر و صلاح فرد و جامعه، و سازنده نظام و اجتماع هر چه صالح تر است.

خداوند خواسته است که امت اسلام، خاتمه امم و امت نمونه و امت وسط و حامل و حامی دعوت او به عدل و میزان و توحید خالص و پرهیزکاری باشد.

از باب نمونه در تشریح روزه این مقاصد و فواید، منظور و این رسالت و صلاحیت پی ریزی شده است. و اگر کمی فرصت و ضعف استعداد علمی به ما اجازه ندهد که از حکمت های تمام احکام و تعالیم شرعیه سخن به میان آوریم و فرصت آن را هم نداشته باشیم که در تفصیلات و شرح مصالح و فواید روزه مطالعات لازمه را بنماییم، این مقدار را فرصت

ص: ۱۰۵

داریم که در جمله کریمه: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱) که در آن خداوند در پایان، حکم به وجوب روزه فرموده است، تأمیل و دقت کنیم.

جمله ای که از آن فضیلت تقوا و نقش آن در سازندگی شخصیت مسلمان معلوم می شود.

جمله ای که در این جا خدا در مقام بیان حکمت روزه به آن اکتفا فرمود، بیان گر آن است که محصول و میوه روزه، خودداری از مفطرات و ترک التذاذ و کام گیری های نفسانی و تقوا و پرهیزکاری است.

متقی و پرهیزکار، کسی است که از گناه اجتناب می کند، و اوامر و نواهی خدا را اطاعت می نماید، و به آنچه خلاف شرف و فضیلت است، نزدیک نمی شود. تقوا مشتق از وقایه است و آن چیزی است که در برابر صدمات و ضربات مادی و معنوی حایل و حاجب و سپر قرار داده می شود. روزه داری ماه رمضان و نگاهداری این رژیم شرعی سبب حصول تقوا و تکمیل آن می گردد.

در روزه صبر و مراقبت، مخالفت با عادات، جهاد با شهوات و موارد دیگر از این قبیل، وجود دارد که هر کدام آدمی را به صفت تقوا آراسته می سازد.

بدیهی است مفهوم تقوا و این ثمره گران بهای روزه، محدود به دایره عبادات یا محرمات نیست؛ بلکه تقوا مفهوم وسیع و شاملی است که

ص: ۱۰۶

شعاع آن تمام نواحی وجود شخص را نورانی و نسبت به تمام تکالیف شرعیه از عبادات، معاملات، اجتماعیات، سیاسیات و آنچه در سازندگی

شخصیت اسلامی مؤثر است، او را عهده دار و مراقب می سازد؛ و باعث می شود که شخص از شاه راه شریعت محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم قدم بیرون نهد و امانتی را که به اقرار شهادتین و ایمان به معنی «رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِامِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَآوْلَادِهِ الطَّاهِرِيْنَ اِيْمَةً»^(۱) عهده دار حمل آن شده، حفظ نماید، و در آن خیانت نکند؛ و از این جا پاسخ یک پرسش روشن می شود.

پرسش این است که:

آیا اسلام می تواند در این زمان هم مسلمانان را به حرکت و ترقی راهنمایی کند؟ و آیا اسلام در تحریک مسلمانان، قدرت گذشته را دارد؟

آیا مسلمانان اگر در امور خود از تعالیم اسلام الهام بگیرند و تکالیف شرعیه را سر مشق خود قرار دهند، می توانند در عصر حاضر نیز مشعل دار علم، تمدن، اخلاق و آزادی باشند و بشریت را از این سقوط عجیب و خطرناک و فقر معنوی و بی تقوایی نجات بخشند؟

جواب این است که: یقیناً می توانند.

ص: ۱۰۷

۱- ر.ک: طوسی، مصباح المتهدجد، ص ۲۰۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۶۳. «راضیم به خدای متعال از این جهت که پروردگار من باشد و حضرت محمد پیامبرم و اسلام دینم و قرآن کتابم و کعبه قبله ام و امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش پیشوایان من باشند».

قطعاً اسلام استعداد این تحریک را دارا است؛ و هیچ تفاوتی در جهت صلاحیت اسلام بین امروز و دیروز نیست و همان طوری که دیروز عالی ترین تعالیم و برنامه ها، تعالیم اسلام بود، امروز و فردا و آینده تا هر زمان و هر عصر عالی ترین تعالیم، تعلیمات اسلام است.

روزه اسلام، همان طور که در سال دوّم هجرت (سال فرض روزه)^(۱) سبب رسوخ صفت تقوا و پرهیزکاری و اعتیاد به حفظ رژیم معنوی و واجد فواید صحّی و روحی و اجتماعی بود، امروز نیز چنین است و هیچ تفاوتی پیدا نکرده، بلکه فواید آن آشکارتر و در بعضی قسمت ها بیشتر شده است.

عقیده توحید و یگانه پرستی که اساس تعالیم و هسته مرکزی دستورات و هدایت این دین حنیف است، همان طور که در گذشته سبب اتحاد، اتفاق، برداشتن فاصله ها و الغای امتیازات موهوم و بشرپرستی بود، امروز نیز چنین است؛ و یگانه راه علاج این همه بیماری های اجتماعی و استعباد خلق الله، فقط عقیده توحید اسلام است.

تفاوتی که ما با آنان داریم و خصلتی که آن ها را صاحب آن همه افتخار و عزّت و سر بلندی ساخت، و فقدان آن ما را گرفتار این همه عیوب و نواقص اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و زبونی و ضعف قرار

ص: ۱۰۸

۱- طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۱۲۹؛ ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۱۵؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۳۱۱.

داده، التزام آن‌ها به احکام و تعالیم اسلام بود. آنان گفتن شهادتین را سپردن سند محکم برای عمل به لوازم و آثار آن دانسته و تخلف از مقررات و شرایط این سند را آسان نمی‌شمردند؛ در حالی که ما مثل این است که با گفتن شهادتین، وظیفه و تکلیفی را- که از این اقرار به عهده ما می‌آید- احساس نمی‌کنیم.

آن‌ها معنی شهادتین را باور کرده و دستورات قرآن را ضامن سعادت دنیا و آخرت و سرپیچی و تخلف از آن را عین بدبختی، ضرر، خسارت و بلکه هلاکت می‌دانستند و همان‌گونه که ما از سم کشنده اجتناب می‌کنیم، آنان از محرّمات پرهیز می‌کردند، و همان‌طور که ما برای منافع و مقامات دنیوی می‌کوشیم و هر رنج و زحمتی را در راه دستیابی به آن تحمل می‌کنیم، آنان در ادای واجبات کوشا، و رضای خدا را با بذل مال و جان خریدار بودند. آن‌ها به سخنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و رسالت آن حضرت، چنان ایمانی داشتند که اطاعت از اوامر او را عین رستگاری دانسته و سستی و مسامحه را کنار گذاشته بودند.

قرآن را برای عمل، و سخنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را برای پیروی فرا می‌گرفتند، و عقیده داشتند که قرآن فقط برای خواندن و نوشتن نازل نشده و احادیث فقط برای این که در سینه محدّثین و صفحات کتب ثبت و ضبط شود، وارد نگشته است.

یگانه یا مهم ترین موردی که اجتماع اسلامی را از اجتماع جاهلی جدا می ساخت، التزام مسلمانان به عمل بود و این یکی از مهم ترین عللی بود که مشرکان را به آن جنگ ها وادار کرد.

مشرکان دریافتند که اسلام به لفظ اکتفا نمی کند و پس از شهادتین، نوبت انجام فرایض، اطاعت و پیروی از خدا و رسول و ترک اخلاق ذمیمه و کردارهای نکوهیده است؛ از این جهت از تلفظ این دو کلمه

طیبه که متضمّن خیر و سعادت دنیا و آخرت است، خودداری داشتند و اگر مثل زمان ما اسلام از مسلمانی جدا بود و از آن گفتار، کرداری نمی خواستند شاید صلحی بین مسلمانان و مشرکان برقرار می شد و غزوه بدر، احد، احزاب و ... پیش نمی آمد.

اگر اسلام رضایت می داد که آنان به زبان، شهادت به توحید دهند، ولی عملا بت ها را بپرستند و دختران را زنده به گور کرده و زنا، قمار، می گساری، ربا، خون ریزی، سرقت، ستم گری و سایر معاصی را مرتکب شوند و نماز، روزه، زکات، حج و دیگر فرایض اسلام را ترک نمایند، میان کفر و شرک و توحید و جامعه اسلامی و اجتماع جاهلیت، این همه فاصله نمی افتاد.

اما اقرار به زبان کافی نبود و علاوه بر گفتن شهادتین، به طور جدّی و مؤکّد موظّف بودند که به احکام شرعیه عمل کنند و عضویت در اجتماع اسلامی، بدون التزام به رعایت احکام- اگر چه به ظاهر باشد- امکان نداشت.

اسلام با اعمال و روش دوره جاهلیت، با بت پرستی و کفر، با فحشا و منکرات، با روابط نامشروع زن و مرد، با بی‌حجابی و بی‌عفتی، با بی‌عدالتی، با دروغ و خیانت، با زورگویی و استبداد زمامداران، مبارزه را آغاز کرد و این اعمال در جامعه مسلمانان آن روز، با اسلام و تسلیم مغایر بود؛ از این رو، به مجرد این که در هر موضوع آیه ای نازل، و دستوری صادر می شد، فوراً اجرا می گردید.

وقتی آیه حرمت خمر نازل شد، خم‌های شراب را روی زمین ریختند و شراب‌سازی و می‌فروشی ممنوع شد.

وقتی حرمت ربا اعلام شد، رباخواری متروک، و قرض الحسنه رایج گردید. هنگامی که آیه وجوب روزه ماه رمضان نازل شد، همه با شور و شعف به اطاعت فرمان خدا کمر بستند. و چون آیه حجاب نازل گردید، حتی یک زن مسلمان نیز بی حجاب نماند. هنگامی که فرمان جهاد می رسید، شهادت را رستگاری و سعادت می شمردند و اگر به آن نایل نمی شدند، ناراحت می گشتند.

آنان با آن که در آغاز تشریح این تکالیف، به آن انس نداشتند، چون شهادتین را برای عمل، به زبان می آوردند و به این گواهی خود احترام نهاده و خود را متعهد می شمردند، فوراً اجرا می کردند.

اما گویا ما شهادتین را برای عمل، به زبان جاری نمی کنیم و

خود را در برابر این گواهی بزرگ و پر از خیر و برکت متعهد و ملتزم نمی دانیم.

بلندگوی مساجد، رادیوهای شهرها و کشورهای مسلمان نشین در اوقات نماز، نوای خوش اذان سر داده و به توحید و رسالت، شهادت می دهند؛ اما مجامع، محافل، کوچه ها، خیابان ها، بازارها و مدارس، عملاً این شهادت را نمی دهند.

واقعیت این است که فرق اجتماع ما با اجتماع جاهلی این است که آن ها کلمه اسلام را بر زبان جاری نمی ساختند و ما شهادتین را می گوییم و بعضی تکالیف عادی و اخلاقی را انجام می دهیم؛ ولی به طور مطلق به لوازم آن پایبند نیستیم. قرآن را کتاب دینی خود می دانیم؛ امّا در مظاهر عمده اجتماعی با آن ها که قرآن، کتاب، و اسلام، دین آن ها نیست فرق زیادی نداریم.

اگرچه در عصر رسالت و صدر اسلام هم افراد منافق- که به زبان اظهار اسلام می کردند؛ ولی در عمل با اسلام مخالفت داشتند- بسیار بود؛ ولی، افراد ملتزم به آداب اسلام و کسانی که منبع تصوّرات، افکار و آرا و اعمال اجتماعی و سیاسی آن ها «اسلام» بوده و شخصیتی کاملاً اسلامی داشتند نیز موجود بودند. علاوه بر این، قرآن و حدیث و به طور کلی قوانین اسلام، مرجع و مصدر امور عموم بود و کسانی که تخلف می کردند، متخلف از کتاب و سنّت و قانون دولت و حکومت شناخته می شدند.

ص: ۱۱۲

مطابق آن چه در تاریخ مطالعه می کنیم در عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برنامه کار این چنین بود که اقرار به شهادتین از اطاعت اوامر و نواهی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تفکیک پیدا نکند و حتی منافقین هم ملتزم به حفظ ظواهر آداب شریعت بودند و اگر کسی تخلف می کرد، مثلاً مرتکب سرقت، زنا، می گساری و یا قمار شده، و یا از شرکت در جهاد خودداری می نمود، او را با حد یا تعزیر شرعی کیفر می دادند و چه بسا که در بعضی موارد وی را مرتجع و مرتد می دانستند و در بعضی موارد، در مذمت و نکوهش او آیه وارد می شد؛ چنان چه بر حسب تفاسیر، نزول آیات:

وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنِ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱)

(تا آیه ۷۸ از براءت) امتناع «ثعلبه بن حاطب» از ادای زکات بود. (۲)

هرگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمانی یا وعده ثواب و اجری در انجام عملی می داد، زن و مرد در به جای آوردن آن از هم پیشی می گرفتند و مانند زمان ما نبود که هر چه مصلحین، دعوت به اعمال خیر بنمایند، اثر نبخشد.

ص: ۱۱۳

۱- توبه، ۷۵ - ۷۸. «و از آنان کسانیاند که با خدا عهد کرده اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد...».

۲- طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۹۳ - ۹۴.

به طور نمونه این داستان را بخوانید:

داستان ابی الدحداح

در شأن نزول آیه شریفه:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً (۱)

در کتب تفسیر روایت شده است که پیغمبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَلَهُ مِثْلَاهَا فِي الْجَنَّةِ (۲)

هر کس صدقه ای بدهد، در بهشت دو چندان برای اوست.

ابوالدحداح عرض کرد: یا رسول الله! من دو باغ دارم، اگر یکی از آن ها را صدقه بدهم، دو مانند آن در بهشت برای من خواهد بود؟

فرمود: بلی.

- فرمود: مادر دحداح نیز با من خواهد بود؟

- فرمود: بلی.

- فرمود: فرزندانم با من هستند؟

- فرمود: بلی.

ص: ۱۱۴

۱- بقره، ۲۴۵.

۲- حدیث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۲.

ابوالدحاح باغ آبادتر را صدقه داد؛ پس آیه: (مَنْ ذَا الَّذِي ...) نازل شد.

ابوالدحاح به باغ آمد و دید که همسر و فرزندان در آن جا هستند. بر در باغ ایستاد و بدون این که قدم در باغ بگذارد از همان جا صدا زد:

يا اُمَّ الدَّحاح!

همسرش گفت: لَيْك يا اباالدحاح!

ابوالدحاح گفت: من این باغ را صدقه قرار داده و دو مانند آن در بهشت خریده ام و شما نیز با من هستید.

همسرش گفت: خدا برکت دهد به آن چه خریداری کرده ای.

همه از باغ بیرون آمدند و باغ را تسلیم کردند.

پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

كَمْ نَخْلَةٍ مَّتَدَلٍ عُدُوقِهَا لِأَبِي الدَّحاح فِي الْجَنَّةِ (۱)

چه بسیار درخت های خرما که در بهشت خوشه های آن (از سنگینی) برای ابی الدحاح به سوی زمین متمایل باشد.

داستان عمیر بن حمام

در جنگ بدر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم اصحاب را به جهاد ترغیب می کرد و آنان را که شهید شوند، به بهشت مژده می داد.

ص: ۱۱۵

۱- مقاتل بن سلیمان، تفسیر، ج ۱، ص ۲۰۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۳۷.

عمیر بن حمام که مشغول خوردن چند دانه خرما بود، گفت: به به! بین من و بهشت فاصله ای غیر از این که این ها (کفار) مرا بکشند، نیست.

خرماها را از دست انداخت و شمشیرش را گرفت و جهاد کرد تا شهید شد. (۱)

داستان عوف بن حارث

و نیز در جنگ بدر بود که عوف بن حارث عرض کرد: «یا رسول الله! ما یضحکُ الرَّبُّ مِنْ عَبْدِهِ؟» چه کاری سبب خشنودی و رضای خدا از بنده اش می شود؟»

آن حضرت فرمود:

«عَمَسُهُ يَدُهُ فِي الْعَدُوِّ حَاسِرًا؛

دست را برهنه در دشمن فرو بردن.»

عوف زرهی را که بر تن داشت بیرون آورد و بینداخت؛ شمشیر بگرفت و جهاد کرد تا شهید گشت. (۲)

بهترین روزها

جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی مکی از سوید بن غفله روایت کرده است که وقتی سختی و شدت بر علی، امیرالمؤمنین علیه السلام زیاد شد، آن حضرت به فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

ص: ۱۱۶

۱- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۲۷ - ۶۲۸.

۲- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۶۸.

مناسب است خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بروی و از او درخواست نمایی. فاطمه زهرا علیها السلام به محضر پدر مشرف شد و در را کوبید.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این در کوبیدن فاطمه است. هنگامی آمده که عادت نداشت در این هنگام به نزد ما بیاید. دستور داد تا در را باز کردند.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در ساعتی آمدی که عادت تو نبود در این وقت پیش ما بیایی!

فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: یا رسول الله! این فرشتگانند که طعامشان تسبیح، تحمید و تمجید است؛ پس طعام ما چیست؟

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که خود رییس و رهبر زهرا زاد روزگار بود، فرمود: سو گند به آن کس که مرا به حق مبعوث کرده، در خانه ما سی روز است آتش برای طبخ غذا روشن نشده، اما چند رأس گوسفند برای ما رسیده است. اگر می خواهی امر کنم تا پنج رأس آن ها برای تو باشد و یا اگر می خواهی پنج کلمه - که جبرئیل به من تعلیم کرده - به تو تعلیم دهم؟

فاطمه زهرا سلام الله علیها که مرکز زهد و کانون شوق و توجه به خدا و منبع معرفت و کمال بود از مال دنیا در آن حال چشم پوشید و عرض کرد:

آن پنج کلمه را به من تعلیم دهید.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بگو:

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ، وَيَا ذَا الْعُرْوَةِ الْمَتِينِ

وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱)

فاطمه سلام الله عليها فرمود: از خدمت پدر به خانه باز گشتم.

علی علیه السلام فرمود: چه با خود آوردی؟

فاطمه سلام الله عليها فرمود:

ذَهَبْتُ مِنْ عِنْدِكَ إِلَى الدُّنْيَا وَآتَيْتُكَ بِالْآخِرَةِ

از نزد تو به طلب دنیا رفتم و آخرت آوردم!

علی علیه السلام فرمود:

خَيْرَ أَيَّامِكِ. خَيْرَ أَيَّامِكِ

بهترین روزهای تو است. بهترین روزهای تو است. (۲)

این حکایت ها نمونه هایی از ایمان صادق تربیت شدگان مکتب محمّدی است و به ویژه در تاریخ زندگی حضرت علی و حضرت زهرا و فرزندان آن دو همسر عالی قدر علیهم السلام و اصحاب خاصّ ایشان نظایر آن بسیار است.

مسلمانان صدر اسلام و مسلمانان معاصر

به راستی که قدرت و توانایی مسلمانان صدر اسلام در فراگرفتن

ص: ۱۱۸

۱- «ای اولین اول ها، و ای آخرین آخرها، و ای صاحب دستگیره محکم، و ای رحم کننده بیچارگان و ای بخشنده ترین بخشندگان».

۲- زرنندی، نظم درالسمطین، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.

تعالیم و به کار بستن آن عجیب بوده که ایمان را با حرکت، و معرفت را با قیام و نهضت، هم دوش ساخته و در میادین گوناگون حیات، پیش روی می کردند.

ولی امروزه شخصیت مسلمانان مورد هجوم افکار و آرای فاسد واقع شده و اوهام و شکوک و جهالت به واقعیت های دین اسلام، توانایی عرض وجود و فعالیت و استقامت آنان را ضعیف ساخته است.

میان افکار و آرای که به مسلمانان تعلیم داده می شود، با افکار و تصوّراتی که از قرآن بر می آید، از زمین تا آسمان و از شرق تا غرب فاصله است.

مسلمانانی که سوره هایی مانند: سوره براءت را تلاوت کرده و با جان خود حقایق آن را آمیخته بودند، به جهان و اجتماع و افراد، و زن و فرزند و خویشان و بستگان با چشمی غیر از چشم های ما می نگریستند. همت بلند و نظر رفیع آن ها را هیچ چیز غیر از رضای خدا و اعتلای کلمه اسلام و ساختن یک اجتماع اسلامی متحرّک و آزاد، قانع نمی ساخت.

سربازان و مجاهدانشان برای گرفتن کشورها و فتح قلاع، خانه ها، بلاد، و حکومت بر عباد و این که لشکری بر لشکری پیروز شود و سپاهی سپاه دیگر را مغلوب کند، جهاد نمی کردند؛ بلکه جهادشان فی سبیل الله و برای آزاد ساختن انسان ها، و برپایی حکومت احکام

خدا، فتح قلوب برای اسلام، رفع تبعیضات و نشان دادن برتری برنامه و موازین اسلامی و انسانی بر موازین دیگر و برقراری عدالت واقعی بود.

بین ما و آنان که ندای اسلام را ندای حیات و آزادی و حرکت می دانستند و آن ندای روح بخش را شنیده و به آن پاسخ مثبت می دادند و از آن در همه مسایل و رویدادهای زندگی الهام گرفته و استمداد می جستند، تفاوت بسیار است؛ چرا که متأسفانه بعضاً ما که می کوشیم واقعیتهای را که در آن هستیم و احوال و ظروفی را که برای نیل به مقاصد مادی اختیار و انتخاب کرده ایم، با توجیه، تأویل و تحریف نصوص، با اسلام منطبق سازیم و یا اسلام را بر آن تطبیق کنیم و برآنیم که برای انحرافات خود در مقابل اسلام، معاذیری بیابیم و توجیهاتی ارایه دهیم.

اجتماع اسلامی در عصر رسالت و هر جامعه اسلامی که تشکیل شده یا بشود، شعارش رهبری و مرکزیت اسلام و تسلیم امور، به حکومت اسلام است؛ تا طبق احکام خدا و تعالیم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و به دور از دخالت ها و آرای اشخاص و حکام، آن ها را سامان بخشد.

در حالی که اجتماع بسیار وسیع و چند صد میلیونی به اصطلاح اسلامی ما، به معنای واقعی کلمه در مقابل اسلام تسلیم نیست؛ از اسلام می خواهد اوضاع و احوالی را که دارد، تصویب کرده و در انحرافات

فکری، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، معاذیر غیرمنطقی را بپذیرد، و اگر اسلام با اعمال زشت و روش های منحرف - العیاذ بالله - موافق باشد، آن را مرکز اصلاح و ترقی و دین روز می دانند و اگر انحراف ها را امضا نکند و منحرفان را خطاکار بداند، چنین دینی را صالح برای حیات و زندگی نمی شمارند، و چون نصوص اسلام در اهداف عالیه خود آن چنان صراحت دارد که این مسلمان نماهای جاهل و غافل نمی توانند آن را به مسخره گرفته، و با شهوات، پستی ها، آزادی کشی ها و اعمال زشت دیگر تطبیق کنند، اسلام را عاجز و ناتوان از رهبری جهان معاصر می شمارند؛ و در استعداد آن، برای جلو بردن اجتماع مسلمین و بازگشت آنان به افتخارات گذشته، شک می کنند. در حالی که جای هیچ شک و تردیدی نیست که اسلام عاجز از رهبری مسلمین و سایر جوامع بشری نبوده و نیست، و تمام مواد و صلاحیت های رهبری و هدایت به سوی یک اجتماع کامل و تمام انسانی، به تصدیق متفکرین و متتبعین بزرگ در آن جمع است.

این ما هستیم که عاجزیم و شهامت آن که خود را با تعالیم اسلام منطبق سازیم، نداریم.

این ما هستیم که در طوفان های شهوت و حبّ جاه و مقام و مادیات گرفتار شده و به ندای نجات بخش اسلام پاسخ نمی دهیم.

ص: ۱۲۱

این ماییم که در مقابل بیماری‌ها، ضعف و سستی، ناتوانی عزم و اراده، ترس از مرگ و حبّ دنیا، ناتوان شده و از مراجعه به پزشک حاذق و خوردن دارو و گرفتن رژیم، خودداری می‌کنیم و بیماری خود را غیر قابل علاج می‌پنداریم.

این ماییم که در دام‌های استعمار گرفتار شده، و برای آن که از آب و نان موقت ما چیزی کاسته نشود، شجاعت پاره کردن این دام‌ها را نداریم.

بی‌تردید، اسلام به ما اجازه نخواهد داد که اجتماع اسلام را مسخ کرده و به ربا، زنا، قمار، می‌گساری، رشوه، خیانت، اختلاط زن و مرد، فحشا و فساد و بیگانه پرستی آلوده سازیم.

یقیناً اسلام به ما این اجازه را نمی‌دهد که اجتماعات جاهلی را چنان چه در کشورهای غیر اسلامی رایج است، از نو بسازیم. و نیز اجازه نمی‌دهد که مرتجعانه به اعصار جاهلیت پیش از اسلام برگردیم.

اسلام هرگز با بشر پرستی، تبعیضات نژادی، استثمار، شرک و مظاهر آن، با علم کردن پیکره‌ها و بت‌ها و پرستش آن‌ها موافقت نمی‌نماید؛ و مفاهیمی را که کفار به ما عرضه می‌دارند، صریحاً رد می‌کند و فقط منهج و مفاهیم خود را عرضه می‌دارد.

آری، هیچ‌گاه از قدرت و توانایی اسلام برای اصلاح جوامع و نجات انسان‌ها چیزی کاسته نمی‌شود و صلاحیت رهبری جاویدان آن، روز به روز آشکارتر می‌شود.

اسلام در مکاتبی که در جهان معاصر وجود دارد یا پس از این وجود می یابد، هضم نمی شود و با آنها آمیختگی و ترکیب پیدا نخواهد کرد.

این اسلام با جوامعی که مسلمان نماها می خواهند با الهام از استعمار و به نفع شرق یا غرب بسازند، سازگار نیست و صلح و آشتی ندارد و نصوص کتاب و حدیثش با آن ها تطبیق نمی گردد. از این رو، دین اسلام مسلمان دو شخصیتی را نمی پذیرد.

اسلام، دین خدا است و دین خدا با استثمار ضعیف، با سرمایه داری - که نتیجه استعباد کارگر و تسلط کارفرما بر سیاست، اجتماع، قانون، محاکم و اخلاق است - با اشتراکیت و الغای مالکیت، و با بی شخصیت ساختن انسان ها و سلب استقلال از آدمی و به صورت ماشین و جماد از آن استفاده کردن، مخالف است.

حال اگر در یک جا نوکران شرق و دول اشتراکی و در جای دیگر مزدوران و سرمایه داران و رژیم های به اصطلاح کهنه، آن را پاسخ گوی احتیاج بشر ندانند، مهم نیست؛ چرا که اسلام برای همیشه به صدای استعباد و ضد آزادی از حلقوم هر کس که بیرون بیاید، جواب موافق نمی دهد.

اسلام یک مسلک خدایی و یک منهج مستقل است که باید به تمام و کمال اجرا شود تا جامعه اسلامی به وجود آید.

اگر ما بخواهیم برای ضعفی که در برابر قوای مادی دشمن داریم و خود را ناچار می دانیم (در حالی که ناچار نیستیم) به خواسته های آنان عمل کرده و اسلام جدیدی اختراع کنیم یا اجازه دهیم که اسلام نوینی را برای ما اختراع کنند، چنین اسلامی - که با مبانی تفکرات شرق و غرب آمیخته است - اسلام قرآن، دین خدا و دین محمد صلی الله علیه وآله وسلم نیست.

آن اسلامی که پیامبر عزیز اسلام آورد و خداوند متعال در قرآن کریم راجع به آن می فرماید:

انَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (۱)

حدود، ارکان، شعائر، احکام، دعوت و مقاصدش روشن است و اکنون هم باید مانند چهارده قرن قبل، منبع حرکت و فعالیت و مصدر اقدام و قیام مسلمین باشد.

اسلام، همان اسلام؛ قرآن، همان قرآن؛ و احادیث و تعالیم، همان تعالیم چهارده قرن پیش است. وسایل تبلیغی عصر، درک حقایق و فهم مشخصات مکتب عالی اسلام را آسان تر ساخته؛ ولی ما در ناحیه عمل، ضعف و کمبود داریم و تصوّرات و افکار دور از حقایق اسلام، ما را به خود مشغول کرده است. شهوات و مادیات در ذایقه ما اثر گذاشته و از این جهت نمی توانیم با یک جهش، این دام ها و بندها را

ص: ۱۲۴

۱- آل عمران، ۱۹. «در حقیقت، دین نزد خدا، همان اسلام است».

پاره نموده و به سوی دنیای فضیلت، سعادت و انسانیت و توحید اسلام، پرواز کنیم.

اما عاقبت باید بفهمیم و خواهیم فهمید- هر چند دیر شده و هر آن،

دیرتر می شود- که یگانه داروی دردها و درمان این همه بیماری که بشریت به آن مبتلا شده و سامان دهنده این همه بحران که در سر تا سر دنیای به اصطلاح متمدن در هر زمینه وجود دارد، اسلام است.

باید با مقیاس های اسلامی امور را بسنجیم و فکر و عمل خود را هدایت کنیم.

باید همواره در کلاس اسلام، زانوی تلمیذ زنییم تا به انسانی واقعی و رشد یافته تبدیل گردیم؛ و به سلاح تقوا و پرهیزکاری، مسلح شویم؛ تقوایی که سبب هدایت جستن و بهره بردن از قرآن مجید است:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۱)

تقوایی که وسیله نجات از گرفتاری ها و نابسامانی های زندگی و فشارهای اقتصادی است:

ص: ۱۲۵

۱- بقره، ۲.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (۱)

تقوایی که سبب آسان شدن امور است:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۲)

تقوایی که باعث جدا شدن حق از باطل است:

ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (۳)

تقوایی که به فرمایش علی علیه السلام امروز پناه گاه و سپری در برابر حوادث جهان است و فردا راه بهشت جاویدان. (۴)

آری، صیام و روزه ماه رمضان اگر به شرف قبول، مشرف و آداب و وقار آن نگاه داری شود، میوه اش تقوا و محصول آن استحکام

ص: ۱۲۶

۱- طلاق، ۲ - ۳.

۲- طلاق، ۴.

۳- انفال، ۲۹.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱ (ج ۲، ص ۱۳۴)؛ آمدی، غررالحکم، ص ۲۷۵ (۶۰۱۲).

شخصیت اسلامی و مستعد شدن روزه دار برای فرمان بری و اطاعت اوامر خدا و رساندن دعوت اسلام به جهانیان است.

ص: ۱۲۷

شریعت اسلام با فطرت بشر هماهنگ، و احکام آن، خواسته های واقعی فطرت و طبع سلیم و ذوق مستقیم است. اسلام به خرد و نیروی اندیشه بشر اهمیت فراوان داده و او را به تعقل و کنجکاوی و تحقیق تشویق می کند و کسانی را که از حکومت عقل و مراجعه به آن سرباز می زنند، سرزنش و توبیخ می نماید.

تعالیم اسلام تحمیلی بر روح پاک انسانیت ندارد و وجدان بشر از این که روش خود را با آن تعالیم منطبق سازد، سنگینی و فشاری را احساس نمی کند.

یگانه صراط مستقیم و کوتاه ترین راه به سوی مقاصد عالی، برنامه های اسلام است که مصالح دین و دنیا، جسم و روح و فرد و اجتماع را با هم جمع نموده است.

آن چه در این دین حنیف مورد نهی و حرمت واقع شده، چیزهایی است که بر فطرت تحمیل شده و با خواسته های آن هماهنگ نیست. و آن چه

ص: ۱۳۱

مورد امر قرار گرفته و حکم به وجوب و استحباب آن شده، مطابق با فطرت است.

«خیر و مصلحت» و «دفع ضرر و مفسده»، پایه احکام اسلام است و در هر کجا، دو مصلحت باهم مزاحمت کنند، حفظ مصلحت مهم تر و در هر جا ناچاری به ارتکاب یکی از دو مفسده باشد، پرهیز از عملی که مفسده اش بیشتر است، لازم می شود.

یکی از مشخصات و علایم شریعت اسلام، «سهولت و آسانی احکام» آن است؛ چنان چه در اموری که تشریح اسلام بر پایه آن استوار است، «امکانات مکلفین» و «عملی بودن تکالیف» مدنظر قرار می گیرد.

تعالیم سخت، برنامه های دشوار و پر زحمت و مخالفت با فطرت سبب می شود که فرد، بیش تر از اطاعت سرباز زند؛ و دین به واسطه آن فقط مکتب ریاضت و وسیله کوبیدن و افنای غرایز باشد؛ و از فوایدی که باید برای دنیا و آخرت، نظام اجتماع، تهذیب اخلاق، تربیت و هدایت و ترقی داشته باشد، خالی گردد.

بدیهی است اگر قانون، بر خلاف فطرت و براساس رعایت مصلحت و دفع مفسد نباشد، قابل دوام نیست و عاقبت هم اگر با زور و قهر، بر بشر تحمیل شود، با مقاومت و عکس العمل شدید مواجه شده و در مقابل فطرت محکوم می گردد.

همان طور که در عالم تکوین و طبیعت اگر بخواهیم موجودی را بر خلاف طبع و مسیر طبیعی قرار بدهیم، آن موجود مقاومت می کند تا پیروز یا فانی شود، در عالم تشریح نیز باید قوانین با خواسته های فطری و نیازهای واقعی سازش داشته باشد و گرنه در میدان تنازع بقاء مغلوب و معدوم می شود.

قوانینی که با فطرت بشر موافق باشد، پذیرفته می شود و از وجدان خود انسان، مأمور اجرا خواهد داشت. و اگر برخی برای مقاصد شخصی و جهل با آن ستیزه کنند و نگذارند آن قوانین به اجرا درآید، دیگران پشتیبان آن خواهند بود و مخالفت با آن را سرزنش می نمایند.

از این جهت اسلام در موارد عُسر و حرج، اضطرار، ضرر و تقيه، طبق شرایطی که در فقه بیان شده، احکام و تکالیف خود را برداشته است. و قرآن مجید و نصوص و روایات، این اصول را تثبیت و تقریر فرموده اند که به نمونه هایی از آن اشاره می گردد:

الف- آیات کریمه

فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (۱)

ص: ۱۳۳

۱- روم، ۳۰. «پس روی خود را، با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است.»

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (۱)

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ (۲)

إِنَّمَا اضْطُرُّنَا بِهِ (۳)

إِنَّمَا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ (۴)

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (۵)

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۶)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَوَسْعَهَا (۷)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا مَا آتَاهَا (۸)

ب- احادیث شریفه

لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ (۹)

ص: ۱۳۴

۱- حج، ۷۸. «و در دین بر شما سختی قرار نداده است».

۲- نساء، ۲۸. «خدا میخواهد تا بارتان را سبک کند».

۳- انعام، ۱۱۹. «جز آنچه بدان ناچار شده‌اید».

۴- آل عمران، ۲۸. «مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید».

۵- بقره، ۱۸۵. «خدا برای شما آسانی میخواهد و برای شما دشواری نمیخواهد».

۶- مائده، ۶. «خدا نمیخواهد برای شما تنگ بگیرد، لیکن میخواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بدارید».

۷- بقره، ۲۸۶. «خدا هیچ کس را جز به قدر تواناییاش تکلیف نمیکند».

۸- طلاق، ۷. «خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمیکند».

۹- صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۸۱؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۲۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۴. «زیان و زیان رساندن در اسلام نیست».

رُفِعَ عَنِّ امَّتِي تَسْعَهُ... (۱)

يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَبَشِّرُوا، وَلَا تَنْفِرُوا... (۲)

بُعِثْتُ بِالْحَنْفِيَةِ السَّمْحَةِ (۳)

مطابق آن چه بیان گردید، بنای شرع بر تسهیل و آسانی است؛ پس، این سؤال مطرح است که چرا تکالیف دشوار- که به بذل مال و جان نیاز دارد- در شرع بسیار است؟

در پاسخ باید گفت: اگرچه بذل جان و فداکاری آسان نبوده و بذل اموال نیز بر کسانی که از خصلت سخاوت محروم اند و از همدردی با هم نوع، لذت نبرده و آن را پرداخت غرامت و ضرر می پندارند، دشوار است؛ اما برای تحصیل مقاصد مهم و یا دفع مفسد بزرگ، تحمّل این زحمات، گوارا و موافق با فطرت است و وقتی این تکالیف به نوع بشر عرضه شود، همه با صرف نظر از توجه به خود، انجام آن را لازم و از اصول و نوامیس کمال و بقای نظام اجتماع می دانند. این گونه تکالیف، خلاف یسر و آسانی نیست؛ بلکه تأمین کننده آن نیز است.

در ضمن آیات راجع به روزه ماه رمضان، این جهت سهولت دین اعلان گردیده و نشان گر آن است که در تشریح روزه هم این موضوع رعایت شده است.

ص: ۱۳۵

-
- ۱- صدوق، التوحید، ص ۳۵۳؛ همو، الخصال، ص ۴۱۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۸۰؛ ج ۵، ص ۳۰۳؛ ج ۲۲، ص ۴۴۳؛ ج ۵۵، ص ۳۲۵؛ ج ۱۰۸، ص ۷۱. «از امت من نه چیز برداشته شده...».
 - ۲- احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۴۱۷؛ بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۲۵؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۳۸۱. «آسان بگیرید و سخت نگیرید و گشاده رویی کنید و خشونت نکنید...».
 - ۳- متقی هندی، کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۴۴۵؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۶، ص ۶۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۵۴۸. «مبعوث شدم به دین خالص آسان».

روزه بر نفوس معتاد به صرف غذا سخت بوده و به نوعی، ریاضت است؛ چرا که مانند هر رژیم تربیتی دیگر، با هوای نفس انسان سازگار نیست؛ ولی این ناسازگاری مثل ناسازگاری دارو با اشتهای بیمار است و قبول نکردن ذایقه و تنفر مزاج بیمار، به واسطه طعم دارو است؛ ولی فطرت، وجدان و عقل بیمار، خوردن این دارو را پذیرفته و تحمل زحمت آن را لازم می‌داند و سرباز زدن از خوردن آن را ناپسند و نابخردی می‌شمارد؛ به طوری که اگر بیمار از خوردن آن دارو خودداری کند، پرستار- که عقل و فطرتش پا بر جا است- آن را به زور به او می‌خوراند.

اما اگر دارویی زیان آور بود، نباید آن را به بیمار خورانید و یا اگر خوردن آن دارو، ناراحت کننده است، ولی قابل تبدیل به داروی دیگر می‌باشد، پزشک حاذق آن را به داروی دیگر تبدیل می‌نماید و یا اگر تغییر زمان آن، مصلحت مهمی داشت، وقت آن را تغییر می‌دهد.

خداوند متعال در ضمن بیان احکام روزه، دستور فرموده است که مسافر و بیمار در وقت دیگر- که این دو عذر را ندارند- روزه بگیرند.

سپس می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ: (۱) خدا بر شما آسانی می‌خواهد.»

ص: ۱۳۶

خداوند در روزه نیز، سخت گیری و دشواری نخواسته و به طور کلی هدف تکالیف، تنگ گرفتن بر مردم و به دشواری انداختن آنان نیست؛ بلکه خدا نسبت به بندگانش رؤوف و مهربان است؛ آسانی امور آن ها را می خواهد و سخت گیری بر آنان را اراده نفرموده است.

اگر چه اصل مذکور، در ضمن احکام روزه بیان شده، اما اصلی کلی است که در تمام موارد دیگر هم منظور شده و تذکر آن در ضمن احکام روزه، به این دلیل است که: بسا بعضی نادانان و ناپخته گان گمان کنند که در تشریح روزه بر مکلفین سخت گیری شده است و از این رو خداوند برای دفع این توهم فرموده است:

«یرید الله بکم الیسر(۱)»

«؛ بی شک اگر مراد خداوند از روزه به دشواری افکندن بندگان بود، از بیمار و مسافر و پیران سالخورده، وجوب آن برداشته نمی شد.

پس، ای برادر مسلمان! سپاس خدای را به جای آور و نعمت اسلام را قدر بدان و در ماه رمضان، فرمان او را به جان و دل پذیرا شو!

مبادا که از آمرزش خدا در این ماه محروم بمانی:

«فالشقی من حرم غفران الله فی هذا الشهر العظیم». (۲)

ص: ۱۳۷

۱- بقره، ۱۸۵.

۲- صدوق، الامالی، ص ۱۵۴؛ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۵؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۶. «پس شقی و بدبخت کسی است که در این ماه با عظمت (ماه رمضان) از غفران و بخشش الهی محروم شود».

مبادا بدون عذر شرعی روزه ات را افطار کنی و با امر الهی در این ماه عزیز مخالفت کرده و معصیت نمایی

و مشمول این حدیث شریف گردی:

مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ خَرَجَ رُوحَ الْإِيمَانِ مِنْهُ (۱)

کسی که روزی از ماه رمضان را [بدون عذر] افطار کند، روح ایمان از او بیرون خواهد رفت.

ص: ۱۳۸

۱- صدوق، ثواب الاعمال، ص ۲۳۶؛ همو، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۱۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۴۶، ۲۵۱؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۷، ص ۴۱.

در نهاد انسان نیرویی آسمانی و قوه ای ملکوتی است که او را به کارهای نیک تشویق کرده و از کارهای زشت باز می دارد.

همه این نیرو را در اعماق باطن خود می یابند و پیروی از آن را کمال و فضیلت می دانند. و تنها از کسانی می توان انتظار و توقع امانت داری، صداقت و عدالت داشت و به خیر و نیکی آنان دل بست که این نیرو در آنان زنده و بیدار است. و این نور در نهاد هر کس به خاموشی گرایید، دیگر نباید از او انتظار عدالت، فضیلت، شرف و آدمیت داشت.

در اصطلاح علمای اخلاق به این نیرو «وجدان» می گویند. حقیقت این نیرو هر چه باشد و اسمش «وجدان» باشد یا «ضمیر» یا «قلب»، تفاوت نمی کند. چنین نیرویی در بشر وجود دارد که با انجام کار نیک، شاد و خوشحال می شود (مانند: کسی که از عهده تکلیف و مسؤولیت بزرگی بیرون آمده باشد که در این صورت، احساس راحتی و آسایش قلبی می نماید). و هرگاه کار بد و عمل زشت و گناهی از انسان سرزند، این

ص: ۱۴۱

نیرو او را تویخ و سرزنش می کند، و او را از کرده خود پشیمان ساخته

و بسا که آثار ندامت و کراهت در چهره گرفته او خوانده می شود و در ضمیر، احساس ندامت کرده و می گوید: کاش این کار را نکرده بودم! و ...

ندای وجدان و صدای ضمیر، همواره به او نهیب می زند و او را می ترساند و از او می خواهد تا نقطه ضعف ها را برطرف کند، و شکستگی و خسارت حاصل از گناه را جبران نماید.

قرآن مجید چنین حالت وجدانی را «نفس لؤامه»^(۱) نامیده است.

بارها افرادی را دیده ایم که تحت تأثیر این ندای وجدان و برای خلاصی از تألمات روحی، صفحه زندگی آن ها - که از جرم، خیانت، گناه، ستم و فساد سیاه شده بود - عوض شده و در فصل دیگری از زندگی به صورت انسانی پاک و خیرخواه، نوع پرور، خداپرست و با شرافت ظاهر گردیدند.

پیروی از این نیروی خداداد و ذاتی و به کار بستن آن، باعث رشد و ترقی آن می شود؛ چنان چه بی اعتنایی و اهمال و سستی نسبت به آن، سبب ضعف و فنای آن می گردد؛ و از این رو وقتی برای اولین بار، انسان با وجدان خویش مخالفت نماید، سخت ناراحت و نادم است و در آتش عذاب روحی می سوزد و اگر آن مخالفت را دنبال کند، وجدان او به تدریج تاریک می شود؛ تا حدی که از آن کار زشت و ناپسند،

ص: ۱۴۲

۱- قیامه، ۲.

هیچ گونه عکس‌العملی در نهاد خویش نمی‌یابد و مصداق:

حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً (۱)

می‌گردد.

یکی از اهداف و برنامه‌های دینی این است که وجدان بشر همیشه زنده بماند و از ضعف و سستی آن جلوگیری شود.

نماز، حج، دعا، اذکار، مواعظ، نصایح، تلاوت قرآن و سایر احکام تربیتی اسلام و به طور کلی، اطاعت از تمام اوامر و نواهی شرع، این نیرو را رشد می‌دهد و وجدان عالی تر و نیرومندتری به نام «وجدان دینی و شعور به مسئولیت» می‌سازد.

این وجدان، مظهری از خوف و ترس از خدا و خشیت الله است.

این وجدان دینی است که هنگام وسوسه‌های شیطانی و اندیشه‌های اهریمنی به کمک مردم پرهیزکار بر می‌خیزد و آنان را از خطر سقوط در پرتگاه گناه نجات می‌دهد:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (۲)

ص: ۱۴۳

۱- بقره، ۷.

۲- اعراف، ۲۰۱.

این وجدان ایمانی و مذهبی، گناه را مانند سنگ بزرگی - که بیم فرود آمدن آن بر سر شخص وجود دارد - خطرناک و مهیب جلوه می دهد:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَرَىٰ ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ صَخْرَةٌ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ (۱)

یکی از فواید تربیتی روزه «پرورش وجدان» است. روزه از جمله عباداتی است که با خلوص و پاکی نیت و پیروی از وجدان دینی انجام می شود و ریاکاری و اغراض باطل در آن کمتر وارد می گردد؛ زیرا روزه، صبر و امساک از مفطرات و خویشتن داری است. و کسی که نیت پاک، شوق به اطاعت فرمان خدا و پاسخ به ندای وجدان نداشته باشد، امساک و خویشتن داری نیز ننموده و در خلوت از خوردن و آشامیدن پرهیز نخواهد کرد؛ چرا که می تواند در حضور مردم از خوردن غذا خودداری کند، و به طور محرمانه روزه خود را افطار کند.

پس بی تردید کسی که در حضور و غیاب مردم امساک دارد و روزه است، دارای نیت قربت و اخلاص است و اطاعتش، واقعی و حقیقی است و این است معنای فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام:

ص: ۱۴۴

۱- طوسی، الامالی، ص ۵۲۷؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۶۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۷. «همانا مؤمن گناهش را همانند سنگ و صخره ای می بیند که ترس از آن دارد که بر روی او فرود آید».

وَالصَّيَامُ ابْتِلَاءً لِّاخْلَاصِ الْخَلْقِ (۱)

این روزه دار یقیناً دارای وجدان رشد یافته دینی است و حتماً روزه او سبب رشد بیش تر وجدان و شعور او به مسؤولیت می شود.

پس ای برادر ایمانی وای حبیب روحانی! اگر خواهان رشد وجدان و بیداری ضمیر هستی، روزه بگیر و آن را که یکی از ارکان اسلام است، کوچک مشمار؛ که در حدیث آمده است:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ، عَلَى الصَّلَاةِ، وَ الزَّكَاةِ، وَ الْحَجِّ، وَ الصَّوْمِ، وَ الْوَلَايَةِ (۲)

اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

ص: ۱۴۵

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲ (ج ۴، ص ۵۵). «روزه امتحانی است برای (بخشش) اخلاص خلق».

۲- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۶۴، ۱۳۲؛ فیض کاشانی، المحجبه البيضاء، ج ۲، ص ۱۲۲؛ همو، الوافی، ج ۴، ص ۸۷ - ۸۸ (باب ۶، حدود الایمان والاسلام و دعائمهما).

فصل دهم: برنامه های عبادی، نجات بخش انسان

اشاره

ص: ۱۴۷

بشر دنیای مادی، انسان عصر فضا، جهان طغیان‌گرایز حیوانی، بشر سرکش و رها شده از التزامات اخلاقی، جوامع ماشینی و اجتماعات سرمایه‌داری که شب و روز از زحمت و تلاش و کار و کوشش برای یک زندگی پر از حرارت مادی آرام نمی‌گیرند؛ اجتماعاتی که رهبران آن‌ها در بند مادیات گرفتارند و فرصت ندارند که امور جهان را از منظر فضیلت و انسانیت بنگرند و با عینک تقوا و شرف، اوضاع به هم پیچیده و دشوار آن را مطالعه نمایند؛ جوامعی که در آن رشته‌های محکم و استوار فضیلت، پاکدامنی و عفاف یکی پس از دیگری گسسته می‌شود، هر روز ناراحتی‌های روحی و فکری و بی‌اعتمادی تازه‌ای بر سرشان سایه می‌افکند.

مللی که در زور و قدرت مافوق دیگرانند و مللی که ضعیف و خودباخته و غارت زده هستند، و بالاخره تمام انسان‌های عصر ما، برای رسیدن به یک حال معتدل، و توازن روحی و برای رفع این همه

نگرانی‌ها و تأمین زندگی آرام بخش و محیط اعتماد و سکون و ثبات روحی به برنامه‌هایی مانند برنامه‌های اطمینان بخش ماه رمضان بیش از انسان‌های سال‌ها و قرون پیش نیاز دارند.

در آبادترین و آزادترین نقاط این دنیای به اصطلاح متمدن و در مجامع بزرگ جهانی، جهت دست یابی به مقام، استثمار ملل و گسترش نفوذ، توسعه تجارت و بازرگانی، غارت کردن اموال، معادن و دست رنج ملل فقیر و کارگران بیچاره چه خیانت هایی که نمی شود! کمپانی های صنعتی و بازرگانی برای سبقت از هم و زمین زدن حریف و از میدان بیرون راندن او میلیون ها دلار صرف می کنند. از این رو، شرق و غرب همواره یکدیگر را متهم کرده و از هم شاکی اند!

با نگاهی به بودجه های تسلیحاتی، سازمان های جاسوسی و کارآگاهی - که خواب و اطمینان را از همه ربوده اند - به یک باره از بشریت ناامید شده و گمان می رود که انسان محکوم به بدبختی و زندگی توأم با ناراحتی است و نباید جز شرّ و فساد از او انتظار دیگری داشت.

خیانت و شهوت رانی به سر حدّ افراط رسیده است؛ به گونه ای که تاریخ بشر مانند آن را به خود ندیده است.

وضع واقعی زنان در آخرین مرتبه انحطاط و پستی و سقوط قرار گرفته و شرافت و عفاف آن ها لگه دار شده و بلکه از میان رفته است؛ چرا که خوش بخت ترین آنان در منطق و مکتب مادی گری، کسی است که در کاباره ها و اجتماعات شهوترانی، و در بین مردان پست و

کثیف بیشتر و برهنه تر، آشکار شود و با بوالهوسان هم پیاله گردد و از این رهگذر و از طفیل این روابط به ظواهر زندگی خود سر و سامان داده و شکم خود را سیر سازد.

سرمایه داران خون آشام هزاران نفر از آن ها را به نام کارگر در اختیار خود گرفته و در حالی که میلیون ها جوان بی همسر، تحت فشار غریزه جنسی، نظم اجتماع را به هم می زنند و متعرض بانوان و دوشیزگان می شوند، آن را در انحصار خود قرار داده، به شهوترانی و هوس پرستی سرگرم هستند.

در پاره ای از نقاط، وضع به طوری است که زن بدبخت، خواه و ناخواه باید خود را تسلیم امیال حیوانی مردان متجاوز سازد.

و اگر این موازین اخلاقی که هنوز پرتو ضعیفی از آن، بر دل ها می افتد از میان برود و این نور خفیف عفت و پاکدامنی و احترام به ناموس و زن و التزام به انجام غریزه جنسی از طریق ازدواج مشروع- چنان چه دورنمای آینده و تشویق زنان بی عفت و خودفروش نشان می دهد- از بین برود و اگر یک برنامه تربیتی اسلامی همه جانبه که رهبر و راهنمای بانوان به عفاف و پاکدامنی، تعدیل غریزه جنسی، حفظ موجودیت و شخصیت ارجمند زن موجود نباشد و یا به اجرا در نیاید، زن هیچ گونه استقلالی نیافته و برای جلوگیری از تجاوز به

او هیچ قانونی و قدرتی دست به اصلاح نخواهد زد و باید به حکم اجبار، به هر پستی و ننگی تن در دهد و خود را برای پذیرایی از هر مرد جَلّاد و زورمندی آماده سازد و هیچ پناه گاهی برای دفع ظلم از او - حتی به طوری که در دوران جاهلیت رسم بود - پیدا نخواهد شد.

تصوّر مفاسدی که از تعقیب روش «اختلاط زن و مرد» در اجتماع کنونی پدید می آید، واقعاً سرسام آور است.

مهر و عطوفت و بشر دوستی، و الفاظی از این قبیل به صورت تشریفاتی درآمده و بی اعتبار می شود. و اگر مؤسسات عمومی که به طور ماشینی و برای مقاصد خاصّی به ضعف کمک می کنند و اغلب اغراض سیاسی را از کمک به مستمندان و آسیب دیدگان و بازماندگان اجتماع دنبال می نمایند، وجود نداشتند، هیچ کس به فریاد نیازمندان و دردمندان پاسخ نمی داد.

بی شک آرامش و آسایش مصنوعی - که با سرگرمی ها، شب نشینی ها، پارتی ها و مواد تخدیرکننده قوای عقلی و روحی فراهم می شود - نمی تواند بشر را سیر و قانع سازد. و افرادی که بدین ابزار متوسّل می شوند از بهتر زیستن واقعی که با آرامش و سکون روحی و اطمینان قلبی توأم باشد، دورتر می شوند.

در چنین جهانی که تشریح ناکامی های آن در این مجال ممکن نیست و آن چه می شنویم و می بینیم گوشه ای از بدبختی های جهان

انسانی است، و در این جهانی که به علت رواج خیانت، جنایت، بی‌عفتی، پست‌همتی، بی‌غیرتی، پرستش‌مادیات و شهوات، دشواری‌ها روز افزون است، یگانه‌راه علاج برای آرام کردن روح بشر، توسل به نیروی ایمان، تقوا، تقویت قوای اخلاقی و کنترل‌غرایز حیوانی است.

خدایی که این بشر را آفریده و این‌غرایز را در نهاد او گذارده، می‌دانسته است که اگر این حرص و آز، خودخواهی و تکبر، استبداد و جاه‌طلبی و شهوات بر این بشر مسلط شود، دیگر نه تنها خودش، بلکه دیگران هم آرامش نخواهند داشت. و اگر مادیات، معشوق و محبوب و معبود او شد، در هیچ حد و اندازه و مقداری قانع نمی‌شود. و اگر تمام کهکشان‌ها را مالک شود، حرص و آزش پایان نمی‌پذیرد؛ و اگر میلیون‌ها انسان را برای منافع پلید شخصی و جاه‌طلبی استثمار کند یا به کشتن بدهد، آن را ناچیز شمرده و به حساب نمی‌آورد.

خدای متعال می‌دانست که اگر این بشر راهنمایی نشود، برای خودش و از جنس خودش خدایانی می‌سازد و بشر پرستی را در صور مختلف، ذلیلانه می‌پذیرد و در برابر اقویا و استعمارگران به خاک می‌افتد و آن‌ها را از یک انسان عادی، برتر می‌شمارد و برای آن که به اخذ مقام و درجه‌ای نایل آید، به هر پستی و تملقی متوسل می‌شود.

خدایی که این انسان را می‌شناخت، او را راهنمایی کرد تا هم به

وسیله عقل و خرد و چراغ بینشی که در نهاد او روشن کرده و هم توسط پیامبران و راهنمایان حقیقی، راه سعادت و نیک بختی را بیابد.

راهی که به عنوان یگانه راه، به تمام مقاصد شریفه و هدف های ارزشمند انسانی ختم می شود و وسیله آرامش روحی، اطمینان قلب، رفع بیم و هراس و نگرانی و وسواس است.

تمام برنامه های دینی برای تکمیل و ترقی انسانیت و تقویت اراده پی ریزی شده و حبّ فضیلت، بشردوستی و راهنمایی به سوی اهداف عالی تر از اهداف مادی را مدّ نظر دارد.

برنامه عبادی رمضان

یکی از برنامه ها، همین برنامه «روزه ماه رمضان» است.

آیا می دانید و هیچ فکر کرده اید که اجرای این برنامه در هر سال تا چه حد انسان را به خود باز می گرداند و ضمیر فرد را آگاه و شعورش را بیدار می سازد؟!

آیا اندیشیده اید که اجرای برنامه ماه رمضان توسط انسان هایی که در عصر ما گرفتار مسایل مادی و حیوانی، مسابقات بیهوده، شهوت رانی های بی نهایت کثیف و شرم آور، شرکت در مجالس لهو و لعب و رقص و قمار، می گساری و صدها آفت دیگر شده اند، چه آثار نیک و سودمندی دارد و چگونه آنان را از منجلاب این پلیدی ها نجات می دهد؟

کسانی که در طول سال به واسطه اشتغالات مادی حتی برای لحظه ای فرصت توجّه به امور روحانی را نداشته اند و از وجدان انسانی خود جدا شده و موج اجتماع، آنان را از این سو به آن سو پرتاب کرده و پناهگاه و آسایشگاهی نیافته اند، اکنون در پناه ماه رمضان می آرند و در لذاذ روحانی و معنوی غرق می شوند؛ با خدا مناجات کرده و دعا می خوانند:

اللَّهُمَّ اِنِّي اسْتُلِكَ اِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي... (۱)

گریه کرده و اشک می ریزند؛ و با روحی سرشار از امیدواری عرض امید نموده و دعای:

الهِى لَوْ قَرَنْتَنِي فِي الْاَصْفَادِ، وَمَنْعَتَنِي سَيِّبِكَ بَيْنَ الْاَشْهَادِ، وَدَلَلْتَ عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ، وَمَا صِرْفَت تَّامِلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ اَنَا لَانْسِي اِيَادِيكَ عِنْدِي (۲)

ص: ۱۵۵

-
- ۱- کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۲۴؛ طوسی، مصباح المتهدج، ص ۵۶۵؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۷۵. «خدایا! از تو ایمانی را درخواست می کنم که با آن همیشه قلبم را تصرف کنی و به دست بگیری».
 - ۲- از دعای ابو حمزه: «معبود من! اگر مرا در قیود دربند کنی، و در بین گواهان عطایت را از من باز گیری؛ و چشمهای بندگان را بر رسواییهای من دلالت دهی؛ و فرمان دهی مرا به سوی آتش برند، و میان من و نیکان حایل شوی، امیدم را از تو نمیگیرم و آرزویم را از عفو تو بر نمیگردانم و دوستی تو از دلم بیرون نمیروند. من نعمت های تو را - که در نزد خود دارم - فراموش نمیکنم». ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۷؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۹۵.

را زمزمه می کنند که دین، منبع امید و خدا مصدر تمام خیرات است و غیر از این مادّیات، غیر از جنگ ها و مسابقه ها، خیانت ها و جنایت ها، استشارها، پرده دری ها و بی غیرتی ها، غیر از این مجالس هرزه گوی و دانس ها و رقص ها، سینماها و کاباره ها- که خسته کننده روح و تاریک کننده باطن و باعث تضعیف اعصاب و پرده خرد و بینش و کشنده غیرت و مردانگی و شخصیت است عالم دیگر و لذت های بهتری وجود دارد.

می فهمند که آدمی زاد می تواند به مادّیات بی اعتنا باشد. و در مقابل شهوات، امیال تشنگی و گرسنگی، زبان، چشم چرانی و ... سر خم نکند.

می فهمند که آرامش واقعی روح، در یاد خداست و در عالم فضایل انسانی صفاتی مانند: راستی و درستی، شکیبایی، بشر دوستی، خدمت به هم نوع، دانش پژوهی، نیکوکاری، فروتنی و دادگری وجود دارد؛ و مزاحمت، دشمنی و کینه، جنگ، بی خانمان کردن و صفاتی از این قبیل در آن راه ندارد.

عالم فضایل عالمی است که هر چه بشر، عالی همت و بلندنظر باشد، زودتر در آن به مقصد می رسد.

راستی، کدام مدرسه و چه مکتبی برای تربیت این بشر، بهتر از ماه رمضان است؟

در ماه رمضان شعائر اسلام- که شعائر انسانیت و فضیلت است-

زنده می شود. نماز جماعت ها رونق یافته و در آن مساوات اسلامی و حس هم ردیفی و هم قدمی آشکار می شود.

همه می فهمند که بنده یک خدا هستند و این امتیازات مادی بی ارزش است. و کسی که به خدا نزدیک تر و خلوصش بیشتر باشد- سلطان یا رعیت، کارفرما یا کارگر، فرمانده یا سرباز ساده- محترم تر است.

غرورها، خودخواهی ها، کبرها و طمع ها و حسدها همه در ماه رمضان ضمن اجرای برنامه هایی از قبیل: ادعیه، مجالس وعظ و خطابه و ... به اندازه قابل توجه ضعیف یا نابود می شود.

اگر کسانی که مادیات، چشم بصیرت آنان را کور کرده، این برنامه های اسلامی را انجام دهند و از لذایذ مادی کناره گیری نموده و به حال معنوی خود برسند، در یازده ماه دیگر سال نیز از حدود اعتدال، چندان تجاوز نمی کنند.

ادعیه ای که در ماه رمضان می خوانیم، هر یک درسی آموزنده و راهنمایی برای توجه به مصالح عموم و آسایش همگان است.

این جمله ها، گویای احساسات و خواسته های روزه دار است:

اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ اَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورِ. اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ... (۱)

هر یک از دعاهایی که خوانده می شوند، نردبان ترقی و تکمیل

ص: ۱۵۷

۱- کفعمی، المصباح، ص ۶۱۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۱۲۰ (دعای ماه مبارک رمضان). «خدایا! بر اهل قبور شادی و سرور عطا کن، خدایا هر نیازمندی را بی نیاز کن، خدایا هر گرسنه ای را سیر کن...»

خداشناسی و خداپرستی و آموزنده معارف اسلام و مبین ارتباط بنده با خدای جهان و محکم کننده ارکان ایمان است.

ما باید از ماه رمضان حداکثر استفاده را برده و شکر این خوان گسترده و نعمت بی دریغ را به جای آوریم و از موائد و غذاهای روحی آن بهره مند گردیم.

اتحاد اسلامی

روزه دار عزیز! توجه داشته باش که مسلمانان در تمام نقاط دنیا با شادی و احترام فراوان از ماه مبارک رمضان استقبال می کنند و تو در این مراسم و در ادای وظایفی که بر عهده داری و در این عالی ترین مدرسه تربیتی و کلاس آدم سازی تنها نیستی؛ چرا که صدها میلیون همکلاس و هم شاگرد داری و همه با تو در ادای تکلیف روزه، قرائت قرآن و دعا، و مناجات با خدا همگام هستند.

چنان بیندیش که باید با تمام این صدها میلیون هم کلاس، آشنایی و دوستی داشته باشی و خیر و سعادت آن ها و هدایت همه بشر را از خدا بخواهی!

متوجه باش که چگونه اسلام تو را و آن ها را با هم مرتبط کرده، و از این همه ملیت های گوناگون و نژادهای مختلف، یک امت بزرگ به نام «امت اسلام»، «امت توحید» و یا «امت قرآن» ساخته است.

پس تو یک فرد از افراد این امت و یک عضو از اعضای این جامعه هستی و با آن ها اهل یک ملت می باشی. از این رو باید به سهم خود، با

این پیکری که تو عضوی از اعضای آن هستی، همکاری کنی، و معنی حدیث شریف نبوی صلی الله علیه وآله وسلم:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِهِمْ، وَتَرَاحِمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالْحَمِي وَالسَّهْرِ(۱)

را آشکار سازی.

متوجه باش که تو مسلمانی و باید اسلام را مافوق هر چیز و هر کس بداننی. ملیت، قانون، فکر و عقیده و همه چیز تو اسلام است. آن مسلمانی که در دورترین نقاط دنیا و در بین صدها هزار بیگانه اکنون روزه دار است، هموطن واقعی تو است و تو باید به فکر مصالح و سعادت او باشی! او هم باید به فکر تو باشد و هر دو، برای خیر بشریت قدم بردارید.

در ماه رمضان متوجه می شویم که مرزهای جغرافیایی، سازمان های حکومتی و ... میان مسلمانان فاصله ای ایجاد نمی کند و این اصطلاحات و تقسیمات هیچ اثری در همبستگی قوای مسلمین ندارد.

مسلمانان باید با التزام به احکام قرآن، دیگر بار سر بلند کرده و امت اسلام را قوت و نشاط بخشند، و فاصله ها را شکسته و با آنان

ص: ۱۵۹

۱- ر.ک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۲۷۰؛ مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۸، ص ۲۰؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۳۵۳؛ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۳۳۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۹. «مثل مؤمنان در دوستی با یکدیگر و در عاطفه و مهربانی به یکدیگر مانند بدن است وقتی عضوی از بدن به درد آید دیگر اعضا با تب و بیدارماندن با آن همدردی می کنند».

که قومیت‌های خاصی را ترویج می‌کنند و می‌کوشند که میان مسلمانان فاصله اندازند، مبارزه نمایند و اموری را که خارج از اسلام و مخالف با دعوت اسلام است، سبب امتیاز و جدایی از دیگر مسلمانان ناسازند.

قانون و احکام روزه و نماز و دیگر تکالیف و احکام اسلامی، در همه جا یکسان است و مرزبندی‌های جغرافیایی، و عوامل دیگر سبب تغییر قوانین و یا چندگانگی نمی‌شود.

روزه دار عزیز! در این ماه تأمل و اندیشه کن. به وضع اسلامی خود و جامعه‌ات رسیدگی کن. تا آنجا که در توان داری به اسلام و توسعه قلمرو آن، به دفاع از احکام الهی، به حفظ ملیت خود و سایر مسلمانان خدمت کن؛ که اگر بتوانی و از آن دریغ کنی، مسؤول هستی و در سرای دیگر باید جواب گو باشی.

ماه رمضان ماه تربیت است؛ ماه تعویض حال و روش و ماه تصمیم و عزم و همت است.

در طول این ماه به قضایای اسلامی، به نقشه‌های خائنه دشمنان اسلام، به میزان آمادگی خود برای دفاع از اسلام، به آینده اسلام، به یافتن بهترین راه برای تبلیغ اسلام، به اتحاد مسلمین، و به مسایل دیگر فکر کنید و از دانشمندان و متفکرین اسلامی استمداد نمایید تا شما را در درک صحیح مسایل و موضوعات راهنمایی کنند؛ تا دریابید که مسایل و قضایای اسلامی در اجتماعات ما فراموش شده و اگر به

هوش نیاییم و بیدار نشویم، در یک چنین اجتماع ناهنجار و مسخ شده ای همه چیز خود را خواهیم باخت.

پس برای یاری دین خدا بکوشید و برای نگاه داری پرچم اسلام، با مال و جان فداکاری نمایید.

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱)

«سستی نکنید و اندوهگین مباشید، زیرا اگر ایمان آورده باشید شما برتری خواهید جست. (۱۳۹)»

ص: ۱۶۱

۱- . آل عمران، ۱۳۹.

حضرت مولای متقیان علیه السّلام رهبر آزاد مردان و آزادی خواهان می فرماید:

الْأَحْرُ يُدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا أَنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ تَمَنُّنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا(۱)

آیا آزاده ای نیست که این بازمانده غذای دهان دیگران (دنیا) را برای اهلش بگذارد؟ به درستی که برای جان های شما بهایی غیر از بهشت نیست؛ پس آن را به غیر بهشت نفروشید.

نظامی شاعر حکیم می گوید:

دگر باره پرسید آن شهریار

که: «تو کیستی من کیم در شمار؟!»

چنین داد پاسخ سخن گوی پیر

که: «فرمان دهم من، تو فرمان پذیر!»

مرا بنده ای هست نامش هوا

دل من به آن بنده فرمان روا تو آنی

کی آن بنده را بنده ای

پرستار ما را پرستنده ای!»

بسا افرادی که داد آزادی خواهی دارند و دیگران را به آزادی می خوانند و بی آن که توجه داشته باشند، اسیر و بنده هستند و از خود اختیاری ندارند.

ص: ۱۶۵

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶ (ج ۴، ص ۱۰۵)؛ ر.ک: ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۹۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

بسیاری از اشخاص که آزادی و حقوق دیگران را پایمال کرده و آن را دستخوش امیال و اراده خود ساخته و خود را بر ملل و جوامع، فرمانروای مطلق می‌شمارند نیز از نعمت آزادی محروم هستند.

این هر دو دسته بنده اند و مقید و مملوک؛ اما نه بنده و مملوک یک تن؛ نه بنده ای که جسمش در اختیار غیر باشد، و فکر و اندیشه اش در اختیار خودش.

اینان بنده هوا، بنده پول، مال، اسب، اشتر، گاو، الاغ، گوسفند و بنده مقام هستند. غلام حلقه به گوش شهوت، غلام اربابان قدرت و کدخدایان، حاکمان و امیران، بنده مقاصد رذیله و اشیای خسیسه و بنده عادات و خرافات هستند. بندگانی که علاوه بر جسمشان، روح و فکرشان نیز بنده است و همه چیزشان در بند افتاده و از آزادی واقعی و استقلال روحی و فکری بویی نبرده اند.

عادت به خوردن و نوشیدن، عادت به شهوت رانی، قمار، شراب، می‌گساری، شب نشینی های زیان بخش، سیگار و دخانیات، ظلم و ستم، و بی‌اعتنایی به ضعیفان و زبردستان و ... آن‌ها را چنان اسیر و مقید کرده که، نجات از این طلسم عادات را غیرممکن می‌دانند.

در میدان سیاست، در عرصه مبارزات ورزشی، در جنگ و نبرد و لشکرکشی، پیروز می‌شوند و حریف را بر زمین می‌زنند؛ اما در میدان مبارزه با عادات و آزاد شدن از قیود هوا و هوس، بیچاره و مغلوب، شکست خورده و بر زمین افتاده اند.

چنین کسانی، خود و انسانیت خود را در اسارت عادات انداخته و نتوانسته اند از وادی تنگ و تاریک بندگی و بردگی مخلوقاتی مانند خود، با بال همت پرواز کرده و در باغستان آزادی واقعی، وارد شوند.

برنامه کار روز و شب و حاصل زندگی آن ها انجام یک سلسله عادات و تکرار مکررات است و به طور خلاصه حیات آن ها مصداق سخنی است که از «روسو» نقل شده است:

«انسان، بنده و برده متولد می شود و بنده و برده می میرد. روز ولادت او را در قماط می پیچند و روز مرگ، او را در کفن قرار می دهند. [و در دل خاک پنهان می کنند] و در میان این دو روز، بنده و اسیر و مملوک و خاضع عادت است.»

آیا کسی که تمام عمرش را در لهو و لعب و بازی به سر می برد، و نمی تواند دمی از آن، خود را کنار بکشد، آزاد است یا بنده؟!

آیا کسی که دست از قمار بر نمی دارد و شب ها را تا نزدیک سحر برسر سفره قمار، مال و وقت عزیز خود را به باد فنا می دهد، بنده است یا آزاد؟!

آیا شخصی که جام شراب را- با آن که به زیان های خانمان براندازش واقف است- مثل آب گوارا می نوشد، بنده است یا آزاد؟!

آیا آن که نمی تواند از زندگی تجملی و از طعام های رنگارنگ سفره اش و از لباس های گران بها و متنوعش، چیزی کم بگذارد و از هم نوعان خود- که درمانده و گرفتار، مستمند، بیمار، زلزله زده و مبتلا

هستند- دستگیری و به آنها کمک نمی کند، بنده است یا آزاد؟!

آیا کسی که برای مقام و منصب، حفظ ریاست و برای تجملات بیش از حد، و شکم پرستی، حقوق ضعفا را پایمال و دسترنج کارگران را غارت می کند و از رشوه خواری و دزدی از بیت المال مسلمین، باک ندارد آزاد است یا بنده؟!

آیا این است زندگی آزاد و شرافتمندانه انسان؟!

یقیناً این گونه افراد، بنده اند و آزاد ساختن آنان، از آزاد کردن رفیق و عبید دشوارتر است، چنان چه دین اسلام برای آزادی غلامان و کنیزان کوشش های ثمربخشی نموده و برنامه های سودمندی تنظیم کرده و آن را از عبادات بزرگ قرار داده است و حتی در بعضی موارد، حکم به وجوب آن نموده و در موارد دیگر، به طور استحباب آن را از مسلمانان خواسته است، برای آزاد کردن این ممالک فکری و بندگان و غلامان واقعی نیز برنامه های وسیعی را پیشنهاد کرده تا بشر را از بند استعباد، عادات رذیله و هوای نفس آزاد سازد و همان گونه که در قرآن ذکر شده، یکی از اهداف دعوت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم برداشتن این گونه بارها از روح و فکر بشر است:

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (۱)

ص: ۱۶۸

۱- اعراف، ۱۵۷. «و از [دوش] آنان قیدوبندهایی را که بر ایشان بوده است برمیدارد».

و تا بشر به این آزادی نرسد طعم آزادی را نمی چشد و در سایر امور کسب آزادی نمی کند.

یکی از برنامه های آزادی بخش اسلام، «روزه» است.

روزه، آدمی را از بند عادات حیوانی آزاد می سازد و او را به سوی ملکوت اعلی پرواز می دهد:

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت

به در آی تا ببینی طیران آدمیت!

خور و خواب و خشم و شهوت، شغب است و جهل و ظلمت

حیوان خبر ندارد ز جهان آدمیت!

فرد مسلمان به قصد روزه، سحر از میان بستر آرام خواب، برای خوردن سحری و انجام عبادت و خواندن دعا و نماز بر می خیزد و از قید خواب و عادت به استراحت، آزاد می شود و در تمام مدت روز از تحت سیطره و تسلط جسم و غرایز حیوانی و عادت به خوردن و نوشیدن، خود را بیرون می کشد و طلسم هوا و هوس را می شکند و از خوردن غذاهای لذیذ و میوه های شیرین و خوش طعم و نوشیدنی های خنک و گوارا خودداری می کند و به عادات روزهایی که روزه نبود، نمی اندیشد و برنامه های غذایی روزانه را ترک کرده و فکر و عقل و وجدانش را آزاد می سازد و خود را در افقی عالی تر و نورانیت و روشنایی دیگر می بیند. ادعیه ای را که جهت ماه رمضان و برای مواقع

سحر و روز و شب، وارد شده، می خواند؛ ادعیه ای که اغلب دارای جملات آموزنده، حقیقت و روح آزادی است.

ادعیه ای که عقیده توحید را با جان و روان و وجدان آمیخته می سازد و خواننده را از بندهای گران اخلاق زشت و صفات ناپسند نجات داده و به صفات پسندیده و اخلاق کریمه دعوت می نماید.

روزه دار عزیز! و برادر مسلمان! از ماه رمضان، درس آزادی بگیر و نخست از عادات زشت و تقیدات بی جا، خود را آزاد ساز و بدان که یکی از مقاصد اسلام، آزادی افراد و جماعات از یوغ حکومت های مستبد و سلطه های فردی و شخصی است.

این گونه آزادی، هدف مقدس تمام انبیا است و همان سان که قرآن کریم بیان می دارد، آن ها برای آزادی بشر مبعوث شده اند:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (۱)

مشاهده می کنید که چه معانی بزرگ و آزادی بخشی در این آیه نهفته و چگونه با نهایت صراحت و قاطعیت، پرستش غیر خدا و استعباد و شرک و طاغوت پروری را محکوم کرده است.

این است اساس آزادی اسلامی که هیچ کس و هیچ مقامی حق گردن کشی و زورگویی ندارد. و هیچ کس نمی تواند دیگران را فرمان بر خود و خاضع

ص: ۱۷۰

۱- نحل، ۳۶. «و درحقیقت، در میان هر امتی فرستادهای برانگیختیم [تا بگویند:] خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید».

جلال و جبروت مادی خود سازد و طبق خواسته و هوا و هوس خود، مانند دوران جاهلیت و پیش از اسلام بر دیگران فرمان روایی کند.

کسانی که در برابر این افراد، خاضع می شوند، از دستور صریح این آیه محکم قرآن تخلف می کنند و سران قدرت را به گردن کشی، خودکامگی و فساد، تشویق می نمایند.

دین اسلام همواره آزادی کشی، تکبر، بلندپروازی و استعلائی فرد بر دیگران را به شدت مورد نکوهش قرار داده و ابطال فرموده است:

چنانچه این آیه شریفه بیان می دارد:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱)

کلام الهی و احکام و قوانین خدا باید بر همه چیز و همه کس و بر هر قانون بشری، سیطره داشته و حاکم باشد و کلام مؤمنان و مقصد و هدف آنان، ترویج و بلند آوازه شود.

بیشتر شقاوت ها، و بدبختی های بزرگ، ناشی از عدم درک حقیقت آزادی و حریت اسلامی و یا عدم استقامت در راه آن است. از این رو، کسانی که به این درک و استقامت، موفق نمی شوند، تکبر و گردن نکشی

ص: ۱۷۱

و استعباد دیگران را می پذیرند و با اظهار تملق در برابر متکبران و گردن کشان، بر کبر و طغیان آنان می افزایند؛ در حالی که اسلام از تمام افراد بشر دعوت می کند تا در برابر خدا و حکومت خدا خاضع باشند.

آن چه باعث تأسف است این است که مسلمانان به آیات توحید قرآن کمتر توجه دارند و از میوه های درخت طیبه توحید، کمتر تناول می کنند.

روزه دار عزیز! با دقت در آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا، وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ

الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱)

درمی یابیم که چه حقایق بزرگ و معانی بلندی در آن درج شده

ص: ۱۷۲

است. این آیه، عموم بشر و انسان ها را مخاطب قرار داده و به پرستش آفریدگار یگانه و ترک شرک دعوت می کند، و عالی ترین مفهوم آزادی را به بشر عرضه می دارد.

ص: ۱۷۳

فصل دوازدهم: روزه و سیر زمان

نقش علم در ایمان

ص: ۱۷۵

به گواهی دانشمندان بزرگ غرب و شرق، پیشرفت های علمی و صنعتی روز افزون- که حکایت از استعداد وسیع و توان اندیشه بشر دارد- به هیچ وجه موجب سستی ایمان به خدای جهان و برنامه های آسمانی و هدایت های اخلاقی و اجتماعی پیامبران نمی شود؛ و اصولاً- تا آنجا که فکر دوربین بشر به کاوش های بزرگ علمی توفیق یافته و به کشف مجهولات بسیار نایل شده، هیچ رابطه ای میان ترقی دانش و صنعت، و کاهش نیروی ایمان یافت نشده و پس از این هم رابطه ای پیدا نخواهد شد؛ بلکه هر چه بشر در ناحیه کشف قوای طبیعت و تسخیر زمین و آسمان قدم به جلو بر دارد، نیروی ایمان او استوارتر و احساس او به آن وجود بزرگ (خدا)- که تمام این نظامات جهان، از کهکشان ها تا ذره و اتم را برقرار کرده- بیشتر می شود.

تاریخ سیر ادیان نشان می دهد که به موازات ترقی علم و دانش، ایمان واقعی بشر نیز همواره رو به تکامل بوده است.

تمام اقداماتی که دانشمندان در زمینه کشف خواصّ پدیده های این عالم دارند و تمام دانش هایی که در رشته های گوناگون این پدیده ها شب و روز دانشمندان را به بررسی و تحقیق وادار کرده- از دانش پزشکی، گیاه شناسی، زیست شناسی، زمین شناسی، کیهان شناسی و ... - همه دلایل خداشناسی قرآن مجید و معارف دین اسلام را تأیید می کنند؛ و آن چه را در قرآن و احادیث اسلام درباره تمام موجودات به طور عام بیان شده، این دانش ها آن را به طور استقراء و بررسی در هر رشته، بیان می دارند.

قرآن می گوید: تمام عالم، تحت یک نظام دقیق قرار داد.

دانش های بشری نیز، از هر یک از نظام ها و ارتباطی که میان این پدیده های جهانی بر قرار است، سخن می گویند.

به طور مثال: اگر نظام دقیق و ارتباط بین اجزای این جهان وجود نداشت، امکان موفقیت بشر برای تسخیر ماه و کرات دیگر خرد پسند نبود.

تمام دانش ها، روی نظم و ارتباط اجزای این جهان پیدا شده است؛ حتی دانش پزشکی بر اساس نظام جسمی بدن انسان پیشرفت کرده و بیماری ها را علاج می کند.

این نظم همان است که در قرآن مجید مکرّر از آن یاد شده است. دانش امروز امکان تسخیر کرات را عملی کرد. قرآن هم چهارده قرن پیش تمام کرات و مخلوقات را صریحاً مسخّر انسان معرفی فرموده است.

اسلام، تمام افراد بشر را عضو یک جامعه و همه حیوانات و نباتات و جمادات را اعضای یک جامعه بزرگتر و بالاخره تمام مخلوقات کوچک و بزرگ را با هم مرتبط و عضو جامعه بزرگ ممکنات - که یک اراده بر همه آنها حکم فرما، و یک نظام در همه آن ها برقرار است - می داند.

علوم امروز نیز همه این ارتباطات و هم بستگی ها را کشف می کنند.

از نظر دانشمندان و علما، علم مؤید ایمان، و ایمان مشوق علم است؛ ولی افرادی نادان که از علوم و دانش های قدیم و جدید بی اطلاع می باشند، گمان می کنند که چون وسایل زندگی مادی عوض شده، مسایل اخلاقی و معنوی و برهانی نیز عوض می شود؛ و چون مظاهر زندگی مادی دستخوش تحوّل و تغییر است، همه چیز قابل تحوّل و تغییر می باشد و چون از ابتدا ایمان پا برجا و با اساس نداشته اند و از حدود تقلید جلوتر نرفته اند، نسبت به تعالیم اخلاقی و دستورات انبیا، بی اعتنا شده اند و گمان می کنند که مثلاً چون بشر، اسب و ... را کنار گذارده و از اتومبیل و هواپیما و ... استفاده می کند، باید ایمان، امانت، صداقت، محبت، عفاف، پاکدامنی و سایر تعالیم اخلاقی را کنار بگذارد.

این تفکر نتیجه جهل و نادانی و بی اطلاعی از حقایق دین و دعوت دین، و خلط و اشتباه بین امور روحانی، معنوی و اخلاقی و اجتماعی با امور صناعی است. و با اندک توجه، این اشتباه برطرف می شود؛ زیرا

اگر بین ضعف ایمان و پیشرفت صنعت و تغییر مظاهر زندگی مادی رابطه ای بود و به موازات ترقی و تحولات مادی و صنعتی، ایمان ضعیف شده و در قوس نزولی حرکت می کرد، قرن ها پیش از این، فاتحه ایمان خوانده شده و همه جا بی ایمانی، حاکم مطلق شده بود؛ چرا که تمام مظاهر زندگی بشر از خانه، لباس، خوراک، کسب و تجارت، زراعت، آلات و ادوات، خواندن و نوشتن، کتاب و چاپ، نقل و انتقال، ریسندگی و بافندگی، همه به تدریج و در اثر پیشرفت صنعت و اختراع و کشف مجهولات، ساخته و تکمیل شده و هر روز، بشر قدمی به جلو برداشته و در جهان علم و صنعت اطلاعات تازه ای کسب کرده است. و در حالی که این مظاهر زندگی از هزاران سال پیش تاکنون در حال تغییر بوده و هست، ایمان و لوازم آن همواره ثابت و برقرار باقی مانده است؛ به طوری که اگر یک مؤمن و یک موحد حقیقی چند هزار سال پیش، مانند: ابراهیم خلیل علی نبینا و آله وعلیه السّلام به این دنیای ما باز گردد، اصلاً و ابداً چیزی از ایمانش کاسته نمی شود و با همان ادله ای که قرآن از آن ها حکایت کرده، اکنون هم مردم را به خدا راهنمایی می کند؛ و همان طور که آن روز بشرپرستی و شرک را محکوم می کرد، امروز هم بشرپرستی را که به صور دیگر رایج شده، محکوم می کند؛ زیرا هیچ فرق و تفاوتی پیدا نشده، جز ترقی علم و افزایش اطلاع بشر، که آن هم مؤید ایمان و سبب نیاز بیشتر انسان به یک نظم دینی و وجدانی شده است.

نکته ای که در این جا باید به آن توجه داشت این است که: برخی از ملل به جای عقاید صحیح و حق، و کیش معقول و دین خردپسند، و توحید خدا، خرافاتی را پذیرفته و به آن ایمان دارند.

این ملت ها یا از اساس، عقاید خرافی داشته؛ یعنی، کیش آن ها مبنای منطقی و پاک نداشته و یا اگر داشته به واسطه علل و دسایس و حوادث و تحریفات خرافاتی که داخل آن دین شده، به شرک و پرستش غیر خدا آلوده گشته است؛ که چون تاریخ روشن و کتاب دست نخورده و مورد اعتماد هم در دست ندارند، نمی توانند آن خرافات را از حقایق جدا کنند؛ مانند: کیش مسیحیت کنونی. از این جهت ناچار به ضدیت با علم برخاسته و در میدان مبارزه با دانش های بشر، شکست خورده و ایمان پیروان آن مذاهب، سست و بی اثر گردیده است.

تاریخ کلیسا کاملاً این موضوع را نشان می دهد که علت بزرگ و اساسی زوال حکومت کلیسا بر قلوب و تسلط افکار مادی گری در جهان مسیحیت، خرافاتی بود که به اسم دین به آن معتقد شده و ترقی علم، بی مایگی آن عقاید خرافی را آشکار کرد. از این جهت اروپا تا مدتی به اساس مذهب و دین بی عقیده شده و دین را از ریشه و پایه، بی اساس می پنداشت.

اما اگر دینی مثل اسلام خالی از خرافات باشد و راه اجتهاد و بررسی در آن دین به واسطه وجود کتابی مانند قرآن مجید، و احادیث و سنت و سیره پیغمبر و ائمه علیهم السّلام برای همه باز، و تاریخ روشن و معتبر آن در دسترس مطالعه عموم باشد، با پیشرفت علم و صنعت از ارزش و نفوذ آن چیزی کاسته نمی شود؛ بلکه بر اهمیت و اعتبار آن افزوده می گردد؛ چرا چنین دینی با خرافات به شدت مبارزه کرده و بشر را به عقل و تفکر و تعلیم و تعلّم دعوت نموده و تمام بدبختی های او را معلول جهالت و نادانی می شمرد.

خدایی که اسلام معرّفی می کند و به سوی او می خواند، اگر صدها میلیون سال و با سرعت هر چه شگفت انگیزتر، بشر در کشف مجهولات به پیش برود، به جایی و نقطه ای که او را به انکار این خدا وادار کند یا از پرستش او باز دارد، نخواهد رسید.

خدای بشر همان خدای یگانه اسلام است؛ همان خدای ناپیدا؛ همان خدایی که نظم جهان ها، کیهان ها، ذره ها و همه را او برقرار کرده؛ همان خدایی که همه را آفریده است؛ خواه انسان در ناحیه علم و در یک نقطه بماند و تغییر وضعی ندهد، یا هر آن و هر روز با نیروی کوشش و تأمّل و تفکر، گام های وسیعی بردارد و خواه بیابان نشین باشد، یا در آسمان خراش ها زندگی کند، او خدا و معبود و مسجود

همه و بی نیاز و توانای مطلق، و پاک و منزّه از شرک و انباز است.

سایر عقاید اسلامی و فروع و اصول و تعالیم این دین - که جنبه های گوناگون آدمی زاد و جامعیت او را از هر جهت رعایت کرده و جسم و روح او را در یک میزان قرار داده و با هم، هماهنگ می سازد - همین گونه است؛ یعنی مرور زمان آن را متزلزل و کم اعتبار نخواهد کرد.

اگر دنیا با این ترقّی های شگرف و عمیق مادّی، از تعالیم و هدایت های اسلام و قرآن و روش تربیتی اولیا و رهبران اسلام و توجّه آن ها به عدالت گستری و تساوی حقوق و تأمین رفاه و آسایش واقعی بشر الهام می گرفت، به طور قطع زمین نمونه ای از بهشت برین بود.

قرآن را بخوانید؛ نهج البلاغه را مطالعه کنید و اصول عالی و همیشه نوین اسلام را در قسمت های اجتماعی و سیاسی بررسی فرمایید تا بدانید هر آنچه در ستایش این دین و تعالیم و اصول و فروع آن گفته شود، گزاف نیست و یگانه راه نجات بشر از اضطراباتی که به واسطه پیشرفت صنعت و غلبه مادیات بر روحانیات و ادغام جامعه ها در یکدیگر و اصطکاک منافع پیش آمده، التزام به احکام اسلام و جهانی شدن این نظامات است.

از باب نمونه، یکی از احکام اسلام همین «روزه ماه رمضان» است. هر چه اعصار مترقّی تر، جلو بیاید، نه از حکمت ها و فواید روزه چیزی می کاهد و نه نقش روزه را در تربیت روح و جسم و تهذیب اخلاق

انکار می کند. و همان طور که چهارده قرن پیش، روزه ماه رمضان از کامل ترین و آموزنده ترین مکتب های اخلاقی و انسانی و آموزنده تقوا و پرهیزکاری و رشددهنده فضایل و ملکات شریفه بود، امروز هم همین منافع و مصالح را دارا است.

اگر چهارده قرن پیش آن طور که باید نوع مردم از فواید آن آگاه نبودند، در عصر ما فواید صحی و بهداشتی و روانی و تربیتی و اجتماعی آن آشکارتر شده است.

ص: ۱۸۴

انسان در زندگی و در راه ترقی و تکامل، باید با دشواری‌ها و سختی‌ها دست و پنجه نرم کند و از گردنه‌های خطرناکی عبور نماید و رنج‌ها و زحماتی را در این راه متحمل شود، تا به سر منزل مقصود برسد؛ و تا بر این دشواری‌ها پیروز نشده و این گردنه‌ها را پشت سر نگذارد، به مقام کمال انسانیت واصل نخواهد گشت.

متاعب، صدمات و خطرات، بشر را آزموده و پخته و خالص می‌سازد؛ به شرط آن که بتواند با صبر و شکیبایی با آن‌ها روبرو شود، ثبات ورزد و از میدان به در نرود.

برای این که جان انسان به صبر و شکیبایی معتاد و نیرومند شود، اسلام برنامه‌هایی عالی و مؤثر پیشنهاد کرده که از آن جمله «روزه» است.

روزه، انسان را به صبر و تحمل عادت می‌دهد و به روح او نیرومندی و توازن و سنگینی خاصی می‌بخشد که در برابر حوادث و ناملازمات عقب نشینی ننماید و به سوی اهداف انسانی پیش برود.

از نظر دیگر در وجود انسان احساسات و غرایز متضاده‌ای است که باید آدمی بر همه آن‌ها مسلط باشد و در عین حالی که آن‌ها را غرایز را به

نحو معقول ارضا و اشباع می کند، بر کارشان نیز نظارت نماید.

وجود بشر منبع خواسته های بسیار است که هر یک در سیر او به سوی کمال، دخالت دارند و عوامل و اسباب ترقی و سعادت او می باشند.

این غرایز اگر به طور صحیح رهبری نشود، برای انسان درد سرهای بسیار ایجاد کرده و باطن او را از طوفان های نگرانی و وحشت و اضطراب پر می سازد و زندگی را بر او تلخ و ناهنجار و ملامت از عذاب و خطا می کنند و حسد، تکبر، حرص، طمع، شهوت، هوای نفس، ستمگری، چابلوسی، تملق و زبونی، حب جاه و ریاست و استثمار دیگران در آن حاکم می شود و اگر به طور خردپسند و در لوای راهنمایی دین و قرآن هدایت شوند، باعث رستگاری و سعادت شده و فرد را به صفات انسانی مانند: تواضع، حلم، قناعت، پارسایی، عفت، تقوا، عدالت، شرافت، استقامت و شجاعت آراسته می سازد.

انسان برای تسلط بر غرایز و برقراری نظم و ترتیب در اعمال آن و حفظ اعتدال و هماهنگی ساختن تمایلات و رهبری آن ها، محتاج به صبر و شکیبایی است که یورش های این غرایز از قبیل: حسد، شهوت، حب جاه، میل به غذا و یورش های دیگر او را از پا در نیاورد و در او اختلال ایجاد ننماید. این یورش ها بسیار خطرناک و ضربه زننده هستند و اقناع نفس و دفع این یورش ها، با تسلیم شدن و ترک مقاومت کردن و آتش بس دادن در برابر آن ها امکان پذیر نیست و این امیال و خواسته های نفس، بیرون از حد و حصر است.

دوزخ است این نفس و دوزخ ازدهاست

کان به دریا نگردد، کم و کاست

هفت دریا در آشامد هنوز

کم نگردد سوزش این خلق سوز

نفس را هفتصد سر است و هر سری

از ثری بگذشته تا تحت الثری

اگر نفس از تسلط بر این غرایز باز داشته شد و عقل آن ها را تحت فرمان قرار داد، انسان به سوی کمال می رود و اگر به خود واگذار شدند، مانند طفل شیرخواری که اگر او را از شیر باز نگیرند، به همان حال بزرگ می شود، این غرایز نیز در مسیر غیرعقلانی رشد یافته و قوت سرکشی خود را افزون می سازند.

النَّفْسُ كَالطُّفْلِ اِنْ تُهْمِلَهُ شَبَّ عَلٰى

حُبِّ الرِّضَاعِ وَاِنْ تُفِطِمَهُ يَنْفَطِمُ

كُمُ حَسَنَتٍ لِّذِهِ لِلْمَرْءِ قَاتِلُهُ

مِنْ حَيْثُ لَمْ يَدْرِ اَنَّ السَّمَّ فِى الدِّسَمِ

وَخَالَفِ النَّفْسَ وَالشَّيْطَانَ وَاَعْصِمَا

وَ اِنْ هُمَا مَحَاضَاكَ النَّصْحَ فَاتَّهَمُ (۱)

یکی از فواید روزه همین است که برای این پیکار داخلی، انسان را آماده می سازد، و نیروی شکیبایی او را زیاد می کند.

مگر روزه ترک شهوات، غذا و خوردنی های لذیذ و آشامیدنی های گوارا و خودداری از اعمال غرایز نیست؟

فردی که توانست یک ماه و هر روز تقریباً چهارده ساعت، غذا

ص: ۱۸۹

۱- بوصیری، قصیده البرده، مجله تراثنا، ش ۲۳، ص ۱۷۳ - ۱۷۵. نفس همانند بچه شیرخوار است اگر او را به حال خود بگذاری دوست دارد همیشه شیرخوار بماند و اگر او را از شیر خوردن بگیری از شیرخوارگی جدا می شود. چقدر لذت ها که

کشنده اوست، برای او زیبا به نظرش می آید؛ چون که او نمی داند که سم در چربی است. با نفس خودت و با شیطان مخالفت کن و اگر آن دو برای تو اظهار خیرخواهی کنند به آنها بدبین باش و متهم کن.

نخورد، تشنگی را تحمل کند، به غریزه جنسی اعتنا نکند و آزاد زندگی نماید، خواهد توانست در مواقع دیگر نیز از شهوات نامشروع و آلوده دامانی، خود را حفظ کند.

بیشتر آلودگی‌ها و گرفتاری‌ها و سقوط در سیاه چال‌های زندان‌ها برای همین است که آدمی نتوانسته است برای مدت زمانی هر چند کم، خود را در برابر خشم و شهوت نگاه بدارد و شکیبایی پیشه سازد.

روزه این حال و این وزن را به انسان می‌دهد که جنبش‌ها و یورش‌های نفسانی او را از این سو به آن سو پرتاب کند.

روزه یار و مددکار و راهنمای ما است که هم بتوانیم هجومی را که از خارج به ما وارد می‌شود دفع کنیم و هم حملاتی را که از داخل ما را تهدید می‌کند، بشکنیم.

از این رو است که از روزه، به «صبر» تعبیر شده و آیه کریمه «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^(۱) تفسیر به «صوم» گردیده است.

چنان چه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: هرگاه بر کسی پیشامد سختی فرود آمد، پس باید روزه بگیرد؛ زیرا خداوند می‌فرماید:

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ از «شکیبایی» و «نماز» یاری جوید.

ص: ۱۹۰

پس، فرمود: «صبر» یعنی «روزه».^(۱)

از این جا معلوم می شود که روزه در حصول صفت صبر، یک علت و عامل مهم است و به این دلیل است که از آن تعبیر به «صبر» می شود.

آری، بهترین تقویت کننده صبر و شکیبایی، «روزه» و برترین یاد خدا «نماز» است که هر کس از این دو یار قوی کمک بگیرد، بی شک بر حوادث، مصایب، هوای نفس، و تمایلات شیطانی پیروز می شود.

ص: ۱۹۱

۱- کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۳-۶۴؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۶؛ فیض کاشانی، تفسیرالصافی، ج ۱، ص ۱۲۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۰۸.

چنان چه می دانیم روزه دارای فواید، حکمت ها، مصالح روانی و اخلاقی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، درمانی و حتی سیاسی است و باید در هر یک از این فواید جداگانه و مستقل به بحث پرداخت و تذکر و توجه به این فواید یقین مسلمان را به دین اسلام، زیاد و اطمینانش را به حکمت خدا در تشریح این فریضه بزرگ قوی تر می سازد.

در این مجال، می خواهیم برخی از حکمت های اجتماعی روزه را یادآور شویم؛ تا در روشنایی آن به اوضاع اجتماعی کنونی نیز توجه کنیم و از ماه رمضان و آیین روزه داری برای اصلاح وضع اجتماعی خود کمک بگیریم.

۱. یکی از فواید اجتماعی روزه- چنان چه مکرر تذکر داده ایم- این است که روزه، اراده اجتماع را قوی و همت جامعه را بلند و بر هواها و امیال و شهوات، حاکم و مسلط می سازد.

کسی که توانست مدت چهارده ساعت- کمتر یا بیشتر- در شدت گرما، طعام و غذا را ترک و زحمت و رنج تشنگی را تحمل کند، و از

ص: ۱۹۵

لذا ید جنسی خودداری نماید، می تواند برای خاطر مصالح بزرگ اجتماعی و برای حفظ شرف و آبروی خود و جامعه نیز شکیبایی ورزد، و زحمات و دشواری ها و ناراحتی ها را برای نیل به مقاصد عالی اجتماعی متحمل گردد.

بدیهی است هر اجتماعی که بخواهد در راه ترقی قدم به جلو بردارد و با حرکات و نهضت های مترقیانه به پیش رود، به قوت اراده، عزم آهنین و همت بلند نیاز دارد؛ قوت و همتی که او را به اقدامات بزرگ و نهضت های خطربرانگیزد، و از تصور شکست و ضعف و عقب نشینی در برابر عوامل مایوس کننده و مخرب مصون بدارد.

یگانه چیزی که سبب امتیاز افراد و اجتماعات از یکدیگر و باعث پیروزی و غلبه آن ها بر مشکلات است، قوت اراده و عزم سخت است که هر ملتی از آن بیشتر برخوردار باشد، بیشتر می تواند با مشکلات و مصایب دست و پنجه نرم کند و مصالح عالی عمومی را با بذل مصالح و منافع شخصی و ترک هواهای نفسانی بازخرد نماید.

نقش روزه و تأثیر آن در تکمیل و تقویت اراده، بسیار مهم است؛ زیرا روزه تمرین صبر و خویشتن داری و قوت اراده و ایجادکننده عزم محکم به واسطه ترک لذایذ حلال، و سبب صبر و شکیبایی در ترک لذایذ حرام است.

۲. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه، تذکر و یاد کردن حال فقرا و طبقه محروم و توجه به شرافت نفس و علو طبع بی نوایان صابر و شکیبیا است.

اگر روزه دار متمکن و توانگر فقط در ماه رمضان به صبر و شکیبایی می پردازد و از خوردن غذاهای لذیذ و اعمال غریزه جنسی خودداری می کند، فقیر و محروم صابر و با ایمان، علاوه بر اجرای برنامه ماه رمضان در دوره سال، بر محرومیت هایی که دارد صبر می کند و از حدود شرع تجاوز نمی نماید و زبان به شکایت از خدا نمی گشاید و به مال کسی چشم طمع ندوخته و به اغنیا و ثروتمندان حسد نمی ورزد.

پس روزه دار توانگر و فهیم در می یابد که چه بسا این دسته از فقرا و محرومین مؤمن به واسطه صبر بر محرومیت ها در قوت اراده و شرافت طبع و بلندی همت بر او فضیلت داشته باشند؛ زیرا هر چه کام گیری های نفسانی بیشتر باشد و طبع، معتاد به هواپرستی، و مشغول به التذاذات جسمانی شد، مقاومت در برابر آن دشوارتر، و اراده ضعیف تر و توانایی انسان به تحمّل مشکلات و سختی ها و اقدام به اعمال نیک و بزرگ کمتر می شود.

چنان چه در تاریخ بزرگان دیده شده و به تجربه نیز ثابت گردیده، در خاندان هایی که با ناز و نعمت فراوان خو گرفته باشند، افراد برجسته، با همت، شجاع و با اراده کمتر پیدا شده و در خانواده هایی که با اختیار یا بدون اختیار، به ترک لذایذ و بی اعتنایی به امور مادی و تن پروری

مبادرت شده، نوابغ و مردان باشخصیت و با اراده، بیشتر ظهور کرده اند.

پس، روزه دار هم به عزت نفس و شرافت فقرای فاضل آگاه گشته و هم از سختی و رنج آن طبقه محروم اجتماع، خبردار می شود و به فکر کمک به آن ها می افتد.

در حدیث است که «حمزه بن محمد» به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت: چرا خدا روزه را واجب فرموده؟

پاسخ رسید:

لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَضْضَ الْجُوعِ فَيَحْنُو عَلَى الْفَقِيرِ (۱)

برای این که توانگر درد گرسنگی را بیابد و به فقیر عطف نماید.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود:

أَمَّا فَرَضَ اللَّهُ الصَّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرَ الْحَدِيثَ (۲)

خداوند روزه را واجب گردانید تا به وسیله آن غنی و فقیر مساوی گردند.

۳. از دیگر فواید روزه آن است که روزه دار، حقیقت آزادی و حریت را درک می کند و روزه او را از عبادت، شهوات، عادات و پرستش

ص: ۱۹۸

-
- ۱- کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۱؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۳۳؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۸.
 - ۲- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۶؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۰؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۳۴.

هوای نفس آزاد می سازد و روح او را ارتقا داده و فکرش را روشن می نماید و در پیکر اجتماع، روح آزادی می دمد و همه را به خضوع در پیشگاه آفریدگار- که جز او کسی سزاوار پرستش نبوده و هر مخلوقی از قید رقیب و عبودیت او بیرون نیست- رهبری می نماید و از بشرپرستی و کرنش و تعظیم در برابر صاحبان قدرت های مادی و ستمگران باز می دارد.

روزه دار مؤمن و خداشناس، آزاد واقعی است؛ آزادی که کامل ترین معانی و مفاهیم آزادی را درک کرده است.

کسانی که آزادی را به ترک وظایف و التزامات شرعی و عقلی و هوس رانی و شهوت پرستی می دانند، بنده شهوات و عادات و اسیر هوای نفس هستند. چنین کسانی مؤمنان را- که به پرستش خدای یگانه می پردازند- مسخره می نمایند؛ در حالی که خودشان در پرستش هوا و شهوات و لذات خسیسه، طوق عبودیت به گردن انداخته و مصداق این کلام معجزه نظام الهی می باشند:

اَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ الْهَوَاۗءَ هَوَاۗءً (۱)

آن هنگام که هوای نفس مطاع و معبود شد، استبدادش از استبداد هر

ص: ۱۹۹

سلطان مستبد خطرناک تر است و اگر از استبداد هوای نفس پیروی شد، خطرش، زوال شخصیت، شرف و حیثیت است و آن کسانی که پیروی از پلیدی های نفس و شهوت پرستی و سرپیچی از اوامر شرع را آزادی می دانند، علاوه بر آن که معنای آزادی را نفهمیده اند، در پلیدترین قید و بندها مقید و بسته هستند و تا این قیود، صفات ذمیمه از قبیل: حرص و آز، حب دنیا، تجملات و جاه و ریاست و ... را پاره نکرده و به جهان آزاد خداپرستی و صف آزادمردان موحّد منتقل نشده و اعلان آزادی بشر را در تعالیم اسلام نخوانند، از نعمت آزادی بهره ای نمی برند.

«ابن خضروه می گوید:

فِي الْحُرِّيَّةِ تَمَامُ الْعُبُودِيَّةِ، وَفِي تَحْقِيقِ الْعُبُودِيَّةِ تَمَامُ الْحُرِّيَّةِ (۱)

در آزادی حقیقی تمام عبودیت و پرستش خدا، و در پرستش خدا تمام آزادی درج است.

آزادی، رهایی از بندهای پرستش غیر خدا، قیود و اخلاق زشت و عادات ناپسند است و اعتماد و اتکای به خدا و بندگی خالص و حقیقت عبودیت خدا، آزادی از قید بندگی و اسارت دیگران است.

۴. روزه، تمرین اخلاص و پاکی نیت و تنزه از ریا، و اجتناب از شهرت طلبی و مدح و ثنای خلق است. این عیوب و آفات در امور نیک دیگر بیشتر وارد می شود؛ ولی روزه دار برای ریاکاری

ص: ۲۰۰

ناچار به حفظ رژیم روزه و امساک از مفطرات نیست؛ زیرا ممکن است در خلوت از مفطرات امساک ننماید و خود را روزه دار معرفی کند.

پس اگر شخصی در تمام مدت روز و در خلوت و جلوت، پنهان و آشکار روزه دار بود، علامت پاکی نیت و صدق باطل و اخلاص او است و فایده آن، تمرین و تربیت نفس بر خلوص نیت و طهارت مقصد و پرهیز از حبّ شهرت و عوام فریبی و حبّ جاه و کسب اعتبار در بین مردم است.

هر مقدار اجتماع از آفات عوام فریبی و حبّ شهرت و جاه و مقام پاک شود، واقعیات و حقایق، میزان سنجش کارها معلوم می شود و اشتباه کاری ها از بین می رود و بزرگ ترین خطری که حیات زعما و رهبران ملل و حتی حکما و دانشمندان را تهدید می کند، همین عوام فریبی و حبّ جاه و شهرت است که به واسطه آن اعمال از مسیر حقیقت پرستی و واقع بینی منحرف شده و اجتماع در اشتباه می افتد و علت عمده شکست بسیاری از نهضت ها و قیام ها و حرکات اصلاحی، عدم خلوص نیت از ابتدا و یا آلوده شدن نیت در میانه راه و وسط کار، به این آفات است و هر چه اجتماع انسانی از این آفات تطهیر شده و سران و رهبران از حبّ مدح و سپاس پاک باشند و مدح و سپاس، وسیله تقرّب به آنها نباشد و مبالغه و گرافه گویی و نیایش و تواضع

ص: ۲۰۱

نسبت به آن‌ها از بین برود چنین جامعه‌ای به سوی ترقی واقعی خود بهتر قدم بر می‌دارد. (۱)

از این جهت در اسلام به اخلاص در نیت، و توحید در عبادت، اهمیت بسیار داده شده است.

قرآن مجید می‌فرماید:

وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيُعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۲)

معنای خالص قرار دادن دین، برای خدا این است که انسان‌ها اعمال و رفتارهایی که جنبه معنوی و وجهه ربوبی داشته و نمایش پرستش و حاکی از حسن ضمیر و صفای باطن است، فقط برای خدا به جای آورند و در برنامه‌های بازرگانی و روابط اجتماعی، سیاسی و نظامی فقط به

ص: ۲۰۲

۱- از کلام امیرالمؤمنین × و یکی از خطبههایی که شایسته است هر شیعه آزادیخواه آن را حفظ داشته باشد: «وَإِنَّ مِنْ أَسْخَفِ حَالَاتِ الْوُلَاهِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ وَيُوضَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ وَقَدْ كَرِهَتْ أَنْ يَكُونَ جَالَ فِي ظَنِّكُمْ إِنِّي أُحِبُّ الْإِطْرَاءَ وَاشْتِمَاعَ الثَّنَاءِ وَلَسْتُ بِحَمِيدِ اللَّهِ كَذَلِكَ ... فَلَمَّا تَكَلَّمُونِي بِمَا تَكَلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ وَلَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ ... فَإِنَّمَا أَنَا وَأَنْتُمْ عَبِيدُ مَمْلُوكُونَ لِرَبِّ لَّا رَبَّ غَيْرُهُ»؛ همانا از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنها دوستدار ستایش‌اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد و خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می‌باشم و سپاس خدای را که چنین نبودم (تا آنجا که فرمود) پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند حرف نزنید و چنان که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری بجوید (تا آنجا که فرمود) پس همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶ (ج ۲، ص ۲۰۰ - ۲۰۱)؛ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۵۵ - ۳۵۷.

۲- بینه، ۵.

احکام خدا ملتزم باشند، و از غرور و حبّ جاه و جنبه های شخصی، خود را پاک کرده و از التزام به آن چه بیرون از احکام خدا و حدود شرع است پرهیز نمایند، و در هر کار و عمل و هر حرکت، رضای خدا را شرط بدانند.

در روزه و برنامه های ماه رمضان، درس این معانی و آموزش این حقایق عالی و این حکمت های بزرگ نهفته است و به قدری این عبادت از ریا دور است که خدا آن را برای خود و مخصوص خود معرّفی فرموده است؛ با این که تمام عبادات باید برای خدا انجام شود.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

الصَّوْمُ لِي وَأَنَا اجْزِي عَلَيْهِ (۱)

ز هر حرف بشارت ده سراسر

بود لفظ انا اجزی نکوتر (۲)

۵. یکی دیگر از فواید اجتماعی روزه حصول ملکه حسن خلق و عفو و گذشت و دوری از کینه توزی، تندخویی، بدزبانی، ستیزه جویی، غیبت و دشنام است؛ زیرا از جمله تعالیمی که به طور مؤکّد به روزه دار داده شده، این است که مواظب چشم و زبان و گوش خویش باشد و اگر از کسی نادانی و بی ادبی دید یا دشنام و سخن زشتی شنید به او پاسخ ندهد.

ص: ۲۰۳

۱- کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۳؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۲۴ - ۲۵. «روزه برای من است و من جزای او را می دهم».

۲- از گنج دانش مرحوم آیتالله والد+.

در حدیث است که حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمود:

اِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ وَشَعْرُكَ وَعَدَدَ اَشْيَاءَ غَيْرِ هَذَا وَقَالَ: لَا يَكُونَنَّ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فَطْرِكَ (۱)

وقتی روزه می گیری باید گوش تو و چشم تو و موی تو روزه بگیرد. و چیزهای دیگر را شمرد و فرمود: نباید روزی که روزه هستی تو مثل روزی که روزه نیستی، باشد.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ صَائِمٍ يَشْتُمُ فَيَقُولُ: اِنِّي صَائِمٌ سِلامٌ عَلَيْكَ لَأَشْتِمُكَ كَمَا تَشْتِمُنِي إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَعَالَى: اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي قَدْ اجْرَتْهُ النَّارُ (۲)

بنده روزه داری نیست که به او دشنام داده شود و او به دشنام دهنده بگوید: من روزه هستم. سلام بر تو! من دشنام نمی دهم؛ چنان چه تو دشنام می دهی؛ مگر این که پروردگار تعالی می فرماید: بنده من به وسیله روزه از شر بنده [به من پناه جست. من به تحقیق او را از [شر] آتش پناه دادم.

ذکر فواید و حکمت های اجتماعی روزه نشان می دهد که روزه یک

ص: ۲۰۴

۱- کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸۷؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۸؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۹۵؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۲۲۱.

۲- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۰؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۲۲۴.

کلاس تربیتی، اجتماعی و عملی و تعلیم سلوک و معاشرت هر چه بهتر و منزه تر و انسانی تر است. از این رو در صدر اسلام اجتماع اسلامی از حیث سلوک اجتماعی و معاشرت افراد با یکدیگر و روابط آن ها با هم راقی ترین اجتماعات بود و مدرسه عبادات اسلام، از جمله کلاس «روزه»، مسلمانان را شایسته آن نمود که رسالت اسلام را به دنیا ابلاغ کنند و از ثمرات اخلاقی و برکات درس های آن- که عبارت از ایثار، فداکاری، استقامت، تملک نفس، کوشش در راه هدایت و بیداری ملت ها و آزادی اجتماعات از ظلم سران و فرمان روایان و پیکار با جهل، فساد عقیده و رذایل اخلاقی است- جهانیان را به حقیقت اسلام متوجه سازند.

این معانی بلند را در ضمن ادای مسلمانان صدر اسلام، عبادات و برنامه های نماز، روزه، حج و ... فرا گرفته و در پیاده کردن آن می کوشیدند.

اکنون نیز ماه رمضان این آثار را داراست و طبق آمارهایی که داده می شود، از میزان و تعداد جرایم و جنایات در این ماه کم می شود.

مسلمانان در وضع اجتماعی کنونی به تلمذ در مدرسه عالی روزه ماه مبارک بیش از گذشته احتیاج دارند و هتک حرمت این ماه با افطار روزه، مبارزه با این مدرسه تربیتی اسلامی و مخالفت با تهذیب نفوس و تزکیه اخلاق و تکامل و ترقی جامعه بوده و معاندت با خدا و اهانت و استخفاف فرمان خالق جهان و جهانیان است. (اعاذنا الله منه).

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۱)

یکی از وظایف و برنامه هایی که روزه داران در ماه رمضان اجرا می نمایند، دعا و مناجات و طلب حوائج از خداوند قاضی الحاجات است.

خواندن دعا و طلب خیرکردن از خداوند در هر زمان، مستحب و توان بخش روان و از اسباب نشاط دل، انبساط خاطر و تجدید قوای فکری و روحی است.

«دعا» رافع غم و اندوه، غذای مقوی روح، برطرف کننده ناراحتی ها، سبب خوش بینی و امید به آینده و نجات از کابوس ناامیدی است.

دعا، خواندن پروردگار و یاری خواستن و حاجت طلبیدن از اوست که انسان فطرتاً از این نعمت بزرگ و رحمت واسعه الهی، بهره مند است.

بشر- هر چه هم قوی و نیرومند باشد- در شداید و سختی ها به وجود خدا- که برتر از همه و بی نیاز از همه و کارساز همه است-

ص: ۲۰۶

رو می آورد و به او پناهنده می شود و رفع سختی ها و بلاهایی را که به آن گرفتار شده را از او می طلبد. فطرتش او را به سوی خدا رهبری می نماید و غیر از خدا کارسازی نمی یابد:

قُلْ اَرَايْتُمْ اِنْ اَتَيْكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ اَوْ اَتَتْكُمْ السَّاعَةُ اَغَيْرَ اللّٰهِ تَدْعُونَ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلْ اِيَّاهُ تَدْعُونَ (۱)

اگر افتی بدام ابتلائی به جز او از که می جویی رهایی (۲)

انسان در پستی و بلندی های زندگی و حوادث روزگار و در برابر پیشامدهای سخت و ناگوار به مواردی می رسد که غیر از دعا هیچ گونه

تکیه گاهی برای خود نمی یابد و فقط دعا می تواند ضعف و ناتوانی روحی او را جبران کند.

یکی از چیزهایی که هر بیمار و گرفتار به آن شایق و مایل است «دعا» است.

ص: ۲۰۷

۱- انعام، ۴۰ - ۴۱.

۲- از گنج دانش مرحوم آیتالله والد+.

هر شخص بیمار و هر انسان مبتلا و ناراحت مایل است دوستی داشته باشد که دردهای خود را با او بگوید و او را از ناراحتی های خود آگاه ساخته، گرفتاری های خود را برایش شرح دهد و آن چه را بر سرش آمده یکایک برای او بازگو کند و به اصطلاح، «عقده گشایی» نماید.

علم روان شناسی این را یکی از راه کاری های تخفیف آلام و سبک شدن اضطراب، نگرانی و ناراحتی روحی شناخته است.

اگر شخصی غصه و اندوه خود را در دل نگاه داشته و پنهان کند و یا کسی را نیابد که غم دلش را آن چنان که هست به او بگوید، در آتش اضطراب و خیالات غم افزا می سوزد و دنیای وسیع را بر خود تنگ و تاریک می بیند.

یکی از فواید دعا این است که مؤمن، با خدای مهربان و شنوا، رازها، غصه ها و رنج ها و افسردگی هایش را در میان می گذارد و گرفتاری های خود را بی کتمان شرح می دهد؛ و از او چاره جویی می کند و می داند که خدا از هر کس به او نزدیک تر است؛ ناله و صدایش را می شنود و او را پاسخ می گوید.

بنده مؤمن، پس از دعا احساس می کند که آلام درونی اش تخفیف یافته و سنگینی بار اندوه و فشارهای روحی اش سبک تر شده است.

راستی اگر دعا نبود و اگر بندگان راه به دعا نمی بردند و ناچار بودند راز دل و غصه های خود را بازگو نکنند، چقدر زندگی ناگوار و تلخ می شد و عقده های روحی، آنان را آزار می داد.

ما باید به خاطر وجود نعمت «دعا»، حمد خدا را به جای آوریم و این نعمت را عزیز و گرامی بدانیم.

در دعای «ابی حمزه» است که:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ادْعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي

حمد برای آن خدایی است که او را می خوانم؛ پس مرا جواب می دهد، هر چند من در جواب او - وقتی مرا بخواند - کند هستم.

و در همان دعا می خوانیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

حمد، مخصوص خدایی است که از او می خواهم، پس مرا عطا می کند؛ هر چند وقتی از من وام بخواهد (۱) بخل می ورزم.

و در فرازهای دیگری از این دعای زیبا می خوانیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي انَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَّتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بَعِيرٍ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَّتِي

سپاس مر خدای را که هر زمان بخواهم برای نیازم او را ندا می کنم و برای راز گفتن با او خلوت می نمایم؛

ص: ۲۰۹

۱- اشاره به آیه کریمه ۲۴۵ سوره بقره: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا).

بدون این که شفیع داشته باشم، پس حاجتم را برمی آورد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ادْعُوهُ وَلَا ادْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي (۱)

سپاس از آن خدایی است که او را می خوانم و غیر او را نمی خوانم و اگر غیر او را بخوانم، دعایم را مستجاب نمی کند.

دعا، همت را بلند، اراده و تصمیم را استوار، و انسان را در برابر حوادث بزرگ و مصایب جانکاه مجهز و بیمه می سازد.

حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آغاز روز عاشورا- که می بایست به استقبال آن همه بلا و مصیبت برود و آن شداید و سختی ها هر کدامش برای این که تهمتنان جهان را از پای در آورد و به خاک ذلت و تسلیم بنشانند، کافی بود- روی به درگاه خدا آورد، و با این جمله های پر معنی خدا را خواند و از او تأیید و قوت خواست و در آن میدان شداید و نوائب، سر مویی از صراط مستقیم منحرف نشد و لحظه ای از هدف و مقصد عالی خود دیده بر نداشت.

اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُيْدَةٌ كَمْ مِنْ هَمٍّ يَضَعُ فِيهِ الْفُؤَادُ
وَتَقَلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ

ص: ۲۱۰

۱- طوسی، مصباح المتهجد، ص ۵۸۲؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۷ (دعای ابوحمزه ثمالی).

انزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِّنِّي إِلَيْكَ عَمَّن سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ عَنِّي وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيهِ فَانْتَ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ
وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ (۱)

در جمله های روح بخش این دعا دقت کنید تا دریابید سلاحی که حسین علیه السلام به آن مسلح بود، سلاحی بود که اگر تمام دنیا، سپاه و لشکر می شد و با سپاه کوفه هم دست می شدند، نمی توانستند حسین حقیقت و فضیلت را بشکنند و شهادت و شجاعت و استقامت او را متزلزل سازند و او را از مقصد و هدفی که دارد به جای دیگر و نقطه دیگر متوجه نمایند.

آری، خدا پشتیبان، مددکار و امید و مقصد و منتهای حسین علیه السلام بود، که توانست از آن میدان بلا، شرافتمندانه و سربلند بیرون آید و ذلیل و زبون و تسلیم کفار نگردد؛ و دین خدا را با بذل جان خود و جوانان و یارانش یاری نماید.

دعا، وسیله تهذیب باطن و نشان از شعور دعا کننده به فقر و نیازش به خدا و باعث رسوخ صفت تواضع و فروتنی و افتادگی و پرهیز از تکبر و گردنکشی است.

ص: ۲۱۱

۱- طبری، تاریخ، ج ۴، ص ۳۲۱؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۶. «خدایا تو در هر گرفتاری پناه من هستی و تو در هر سختی امید من هستی و تو برای من در هر بلایی که به من برسد پناه و ساز و برگ من هستی. خدایا چه مشکل ها و گرفتاری ها که قلب در آن ضعیف می شود و چاره کم می گردد و دوست خوار شده و از امتحان در نمی آید و دشمن شماتت می کند؛ به پیش تو آوردم و به تو شکایت کردم که از دیگران ناامید شده و به تو روی آوردم، پس آن گرفتاری ها را برطرف کردی و باز کردی، پس تو صاحب هر نعمتی و صاحب هر نیکی و پایان و منتهای هر خواسته هستی.»

بشر در حال شدت و سختی بیشتر به خدا روی می آورد؛ و «یا الله»، «یا رحمن»، «یا شافی»، «یا کافی» و «یا رازق» می گوید؛ ولی به هنگام ناز و نعمت، خدا را فراموش کرده، باد غرور و تکبر در سینه اش می افتد و خود را ضعیف و محتاج نمی شمرد و مغرورانه از اوامر الهی سرپیچی می کند. با اندک مال و عزت، تندرستی، جاه و مقام، قدرت و قوت جوانی چنان فریفته می شود که کسی را نمی بیند و به اصطلاح، خود را گم می کند، روی زمین متکبرانانه راه می رود؛ و مانند آن که جهان را به اختیار او داده باشند، دیگران را بنده و ناچیز شمرده و به خود می بالد و خود را می آراید؛ به بندگان خدا به نظر حقارت نگاه می کند و از خدا اعراض نموده و مصداق این آیه کریمه می شود که:

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَابِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ (۱)

برای این دسته از مردم دعا و اظهار فقر و حاجت در درگاه حق و آن دسته گرفتار و مبتلا، لازم تر است. آن دسته گرفتار و مبتلا چندان

ص: ۲۱۲

نیازی به آموزش دعا ندارند و همان ابتلائی که دارند، آنان را به سوی دعا می برد.

امّا این دسته برخوردار و متنعم را باید به دعا دعوت کرد و به آن ها گوشزد کرد تا همواره خدا را بخوانند و شکر او را به جای آورند؛ تا متواضع و فروتن شده، از ادعاهای خود بکاهند و از خلق خدا فاصله نگیرند؛ و به پلیدی، کبر و گردن کشی آلوده نشوند.

از این جهت دعا یک برنامه عمومی و همگانی است. هر فرد به اندازه استعداد و لیاقت خود، از آن بهره مند می شود و حتی پیغمبران و اولیای دین نیز از آن منتفع شده و بیش از دیگران در دعا کردن و طلب حوایج از خداوند اهتمام داشته اند.

بهترین دعاها

بهترین دعاها، دعایی است که برای زیادتی معرفت و نورانیت قلب، پاکی و صفای باطن، حسن عاقبت و توفیق در کارهای خیر، کسب ثواب، تخلّق به اخلاق حمیده، انجام وظایف اسلامی، طلب مغفرت و آمرزش و تقرب به درگاه باری تعالی باشد.

این گونه دعاها یقیناً مستجاب است و آثار اجابت آن خیلی زود ظاهر می شود و شخص با این گونه ادعیه به سوی خدا سفر می کند و به درگاه او نزدیک می شود.

ص: ۲۱۳

ادعیه دیگر در صورتی مستجاب می شود که با سنن الهی مطابق بوده، و از سوی دیگر موافق مصلحت دعاکننده باشد.

گاهی ما دعا می کنیم و در آن دعا از خداوند بلا- و گرفتاری را برای دیگری طلب می کنیم، که این گونه دعاها یقیناً مستجاب نیست و خداوند عادل حکیم حلیم، منزّه از این است که چنین دعاهایی را مستجاب فرماید.

این گونه دعاها علامت عدم رشد و کمی معرفت و بی صبری دعا کننده است.

کامل ترین ادعیه، آن هایی است که قرآن از زبان پیغمبران و مؤمنان حکایت کرده و دعاهایی است که از پیغمبر اعظم و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام روایت شده است.

این دعاها مثل: دعای کمیل، دعای عرفه، دعای ابی حمزه، دعاهای صحیفه کامله سجّادیه، دعاکننده را در اوج مقام بلند انسانی قرار داده و به سوی عوالم بالا پرواز می دهد.

از جهات بسیار ارزنده دعا، جنبه تربیتی آن است. مضامین دعاهایی که از پیشوایان دین و رهبران مذهب وارد شده، همه تربیتی و آموزنده و تکمیل کننده بصیرت و معرفت است.

راجع به دعا و آثار و برکات و شرایط و آداب آن در این مجال نمی توان حقّ سخن را ادا کرد و علاوه بر آن از عهده ضعیفانی چون من

نیز خارج است و خوانندگان گرامی باید کتب بزرگ و پرارزشی را که علما و اساتید فن در این موضوع نوشته اند، مطالعه فرمایند.

از جمله اخبار درباره «فضیلت دعا» این روایت است:

الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ (۱)

دعا مغز و حقیقت بندگی و پرستش است.

و نیز در حدیث دیگر است:

الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲)

دعا اسلحه مؤمن و ستون دین و نور آسمان ها و زمین است.

ماه رمضان بهار دعا است

پر واضح است که ماه رمضان، بهار دعا و موسم آن است. افراد ناامید، شکست خورده، گرفتار، بی نشاط و ناراحت، کم صبر و بی شکیب در این ماه از برکت دعا و توجه به رحمت و اسعه الهی امیدوار، با نشاط، بردبار و شکیبا گردیده و از نو با روح شکست ناپذیر، در میدان حیات و زندگی به فعالیت و کوشش مشغول می شوند.

ص: ۲۱۵

۱- ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۱۲۵؛ قطب راوندی، الدعوات، ص ۱۸؛ ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۲۴؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰، ۳۰۲.

۲- کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۶۸؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۸.

ماه رمضان به انسان این نوید را می دهد که نباید در کشاکش دشواری ها و سختی های این جهان خود را بیازد و از دست و پنجه نرم کردن با حوادث عالم بیم ناک گشته و مغلوب پیشامدها گردد.

خواندن دعای ابی حمزه، افتتاح و دعاهاى دیگر، چنان شخص را گرم و پرشور و سرشار از نشاط و معنویت می سازد که تمام مصائب دنیا را فراموش کرده و وجودش غرق خوش بینی و خوش گمانی به آینده می شود و همان طور که در حدیث است این گونه دعاها- که در ماه رمضان رسیده و نمونه های آن در ماه ها و مواقع دیگر نیز زیاد است- سلاح و زره مؤمن است و وجود او را در برابر حوادث، بیمه قطعی کرده و روحش را غیرقابل نفوذ قرار می دهد.

سرتاسر دعای ابی حمزه، برنامه تسلیح اخلاق واقعی و درس رضا و تسلیم و قناعت و توکل و حبّ به خدا و پیغمبر خدا و اولیای دین است. همان سلاح و زرهی که مجاهدان اسلام با آن به جهاد دشمنان خدا می رفتند و آن ها را- که غرق سلاح و زره بودند- شکست می دادند و اسلام را بر کفر غالب می ساختند.

همان سلاح و زرهی که علی علیه السلام اوّل مجاهد و یگانه سرباز اسلام به آن مسلح بود و در جنگ ها از انبوه دشمنان بیم نمی کرد و در هیچ میدان نبردی پشت به جهاد نکرده و می فرمود:

وَاللّٰهُ لَو تَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلٰى قِتَالِى لَمَّا وُلِّيتُ عَنْهَا(۱)

خواننده عزیز! روزه دار ارجمند! از برنامه های دعایی این ماه استفاده کنید. وقت را غنیمت بشمارید. فرصت را از دست ندهید که: «الفرصه تمر مرالسحاب»(۲) با خدا سخن بگویید و سپاس و ستایش او را که شایسته سپاس و ستایش است به جای آورید. از دعا روی نگردانید و اظهار تکبر ننمایید.

و خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید:

اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنِ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ(۳)

توبه و استغفار

وَتُوبُوْا اِلَى اللّٰهِ جَمِيْعًا اِنَّهُ الْمُؤْمِنُوْنَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ(۴)

ص: ۲۱۷

۱- نهج البلاغه نامه ۴۵ (ج ۳، ص ۷۳)؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۳۵. «به خدا سوگند اگر عرب پشت در پشت هم دهند بر کشتن من، پشت بر آنها نمی کنم».

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۱ (ج ۴، ص ۶)؛ لیبی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۶۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۸۴. «فرصت همچون ابر می گذرد».

۳- غافر، ۶۰.

۴- نور ۳۱

بنده گناهکار به هیچ چیز مثل رحمت و آمرزش و مغفرت خدا احتیاج ندارد و چیزی جز توبه و مغفرت خدا، درون تیره او را روشن نمی سازد.

چنین بنده ای خود را آلوده گناه، و شرافت خویشتن را لگه دار می بیند و دلش می خواهد تا آثار گناه را محو کند و پرونده سیاهی را که از زشتکاری برایش باز شده، ببندد.

آیا می شود با گذشته خود وداع کند و سوابق ننگین خود را فراموش ساخته و از بین ببرد؟

آیا می شود این مجرم جنایتکار، یک فرد با شرف و وظیفه شناس شود؟!؟

آیا این همه نواقص و کمبودها و این لگه های ننگ همیشه با او خواهد ماند و یا می توان خرابی ها را ترمیم و عیب ها را برطرف کرد؟

آیا می تواند در صف نیکوکاران و خداپرستان قرار گیرد؟

آیا این ناراحتی های درونی و پریشانی وجدان از میان می رود؟

آیا راهی برای اعاده حیثیت او پیدا می شود و یا برای همیشه محکوم به بدبختی و ناپاکی است؟

اگر راهی نباشد، آیا بهتر نیست که خود را از این عذاب روحی و از این که خود را یک عنصر شرارت و خباثت و جنایت می بیند، خلاص کند و به زندگی کثیفی که دارد خاتمه دهد؟

حال که نمی تواند مانند انسان های شرافتمند زندگی کند، برای او زندگی چه مفهوم و ارزشی دارد؟

فرض کنیم که به طور موقت و با سرگرمی هایی، تبهکاری ها را از یاد ببرد، و یا به وسیله مواد مخدر از خود بی خود شود؛ اما خود می فهمد که این یک زندگی سالم نیست؛ بلکه منتهای پستی و سقوط و بیچارگی است.

هرچه گناه عظیم تر باشد، تراکم این افکار و فشار وجدان، بیشتر او را رنج می دهد، و بسیاری از گناهکاران از شدت این اندیشه ها گرفتار جنون و امراض عصبی می شوند.

پس چه باید کرد؟

اما واقعاً چه باید کرد و چگونه باید این بیچاره گناهکار و سرافکنده تبهکار را آزاد ساخت؟

شاید بوده و هستند افرادی که عقیده دارند خلاصی از آثار گناه و ننگ و پستی آن ممکن نیست و پلیدی آن از گناهکار جدا نمی شود.

بعضی از ملل هم، راه نجات از این حالت و اعاده شرافت و حیثیت خود را تعذیبات شدید بدنی می دانند و گمان می کنند که اگر عضوی از اعضای بدن را قطع کنند نفس خود را تأدیب، و از هوای نفس انتقام کشیده، و آن را به مجازات رسانده اند. افرادی هم خودکشی کرده، و

ص: ۲۱۹

راه خلاص شدن از پستی و احساس ننگ و عار رذیلت و آلوده دامانی را «انتحار» می دانند.

اکنون هم در میان بعضی از طوایف، تعذیبات بدنی شدید رایج است و گناهکاران نگون بخت برای راحتی از عذاب وجدان و انجام مراسم توبه، خود را شکنجه می دهند و میخ و سوزن و مانند آن در بدن خود فرو می برند.

داستان بومیان موریس

راجع به بومیان جزیره «موریس» (۱) یا انسان های خارپشتی، مقاله عجیبی از سفرنامه «کریستیان زوبر» (۲) نگاشته شده بود که واقعاً عجیب است.

در این مقاله ضمن آن که مراسم توبه این مردم را به طور مفصّل شرح داده، چگونگی توبه یکی از مردان توبه کار را چنین توصیف می کند: ... دو سوزن بلند نقره ای شفاف از هر دو طرف به قسمت پایین چهره اش فرو کرده و سوزن سوم را از پایین به بالای زبانش عبور داده و به همین دلیل قادر نبود دهانش را ببندد و از دهانش کف می ریخت و واقعاً وحشتناک بود ... در گونه های او سنجاق فرو نرفته بود، بلکه سیخ های درشتی بود که یکی را در نزدیکی لب و دومی را قدری پایین تر و به همین قسم، چهارمی و پنجمی را در گونه فرو کرده بود. تازه این مرد نسبت به سایر مردان توبه کاری که بعداً دیدم تازه کار و مبتدی بود.

ص: ۲۲۰

۱- موریس، در کنار جزیره رئونیون در اقیانوس هند قرار گرفته است.

۲- روزنامه کیهان، ش ۷۸۴۳، ۲۰ شهریور ۱۳۴۸، ص ۹.

وی سپس می نویسد: زنی سی ساله که سر و صورتش پنجاه ساله می نمود، یک سوزن از چهره اش عبور کرده و مجبور بود به اندازه سی کیلو نی و گل و غیره به پشت گردنش تا پای پلکان حمل کند و به معبد ببرد.

... در تمام مدت روز شکل و شمایل های مختلف از مقابل ما گذشتند.

از پنجاه نفر توبه کار که سوزن و میخ و سیخ به تنشان فرو کرده بودند، هشت نفرشان زن، سه نفرشان بچه و بقیه، مرد بودند. چند نفرشان بیش از دویست میخ به تنشان فرو کرده بودند.

عده دیگری به بازوان و میچ هر دو دست خود، متجاوز از دویست سوزن فرو کرده بودند. یکی از آن ها علاوه بر بازو و میچ دست روی سینه اش نیز سیخ های بلندی شبیه نیزه، فرو کرده بود.

عجیب ترین مردی که در این مراسم دیدم، مردی بود که سر و سینه و شکم، و بازو و گردن و پشتش پر از میخ، سوزن و نیزه بود. برای توصیف او هیچ کلمه ای به جز «مرد خارپشتی» نمی توان پیدا کرد. نیزه ها به طور عمودی به بدنش فرو رفته و کمترین تنه ای که به او می خورد، نیزه ها را در گوشت بدنش فروتر می برد.

بدیهی است این مناظر دلخراش عکس العمل همان احساس پلیدی گناه و توجه و علاقه به پاک شدن از آلودگی جرایم و جنایات است که چون

به طور صحیح رهبری نشده، مانند سایر احساسات و غرایز هدایت نشده و عکس العمل غیرمنطقی و نامعقول پیدا کرده است؛ ولی این موضوع را تأیید می کند که آدمی از احساس پستی گناه، سخت نگران و ناراحت می شود و می خواهد خود را از این پستی نجات دهد و از این آلودگی پاک سازد و باید او را به برنامه های خردپسند که قانع کننده روان و وجدان و بازگرداننده حیثیت و شرافتش باشد، هدایت کرد.

ملل دیگر

برخی از ملل (مانند: مسیحی ها) شرط آمرزش گناه را اقرار و اعتراف در حضور کشیش و رهبر روحانی می دانند.

این نوع تکفیر گناه و توبه سبب بیرون افتادن رازها و اسرار و افشای عیب در نزد کسانی که به آن آگاهی ندارند، می شود و باعث می گردد که گناهکار علاوه بر آن که در پیشگاه وجدان، خویشتن را شرمنده و بی آبرو ببیند، در نزد دیگران نیز حیثیت و شرافتش لگه دار و سوء سابقه اش آشکار گردد و نیز سبب می شود که کشیش ها و پاپ ها به عنوان مالکان دروغین عفو و بخشش گناه و ولی نعمت گناهکاران مطرح شوند.

بهترین روش

بهترین روش ها برای ترمیم و جبران گناه و اعاده حیثیت و شرافت گناهکار- که از عوامل مهم تربیت و تهذیب اخلاق و تصفیه ارواح

ص: ۲۲۲

نیز هست و در عین حال از سهولت و آسانی و وسعت دین اسلام حکایت می کند و شرافت و آبروی گناهکار را در نزد دیگران نمی ریزد و وجدان و قلب او را از تاریکی و کدورت پاک می سازد- استغفار، طلب آمرزش و توبه و بازگشت به سوی خدا است.

اسلام در ضمن بسیاری از تعالیم اجتماعی، حفظ شرف و موقعیت و مقام اجتماعی و حرمت و آبروی افراد را منظور داشته و کشف و آشکار شدن نهانی های کارهای مردم را نخواسته و افشای معایب و اشاعه فحشا را به شدت ممنوع کرده است.

نظر اسلام آن است که هر که قدمش به سنگ معصیتی خورد و لغزشی او را به زمین انداخت، باید به پا خیزد و در راه خدا و به سوی خدا قدم بردارد و از مجاهده و کوشش باز نایستد.

هر فردی باید خود به حساب خویشتن رسیدگی کند، و به پرونده اعمال خود نظر نموده، و در محکمه وجدان، بازپرس خودشود.

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَزُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا، وَتَجْهَرُوا لِلْعُرْضِ الْأَكْبَرِ (۱)

جبران گناه و آمرزش معاصی، به رفتن نزد کشیش، و اقرار به گناه در نزد او احتیاج ندارد؛ شکنجه بدنی و مقرض کردن و قطع اعضا نمی خواهد.

ص: ۲۲۳

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۳؛ همو، مرآة العقول، ج ۱۱، ص ۳۵۸. «پیش از آنکه از شما حساب کشند از خودتان حساب بکشید و قبل از آنکه سنجیده شوید خود را بسنجید و برای نمایش بزرگ آماده شوید».

جبران گناه و آمرزش و پذیرش توبه، بیش از بیداری ضمیر و شعور و توجه به زیان گناه و پشیمانی و تصمیم به پاک شدن از گناه، بازگشت به راه خدا، ادای حقوق و خلاصی از مظالم، شرط دیگری ندارد.

اگر مؤمن مرتکب گناهی شد (۱) چون به آثار شوم و خطرناک گناه آگاه است، پشیمان می شود؛ همان طور که اگر فردی ندانسته یا در حال عصبانیت سم بخورد، یا اموالش را آتش بزند، یا فرزند خود را به قتل رساند، یا به ولی نعمت خود توهین کند، پشیمان می شود و اگر پشیمان نشود بر حسب حدیث:

فَمَنْ لَمْ يندم عَلَى ذَنْبٍ يَرْتكِبهُ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ (۲)

او مؤمن نیست.

اثر «ایمان»، ندامت و پشیمانی از گناه است و ندامت از گناه در «توبه» کافی است.

وَكَفَى بِالْندَمِ التَّوْبَةَ (۳)

ص: ۲۲۴

۱- سنایی غزنوی در این باره می سراید: به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

۲- صدوق، التوحید، ص ۴۰۸؛ طبرسی، مشکاه الانوار، ص ۵۶۶؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۳۶. «هرکس از گناهی که انجام می دهد، پشیمان نشود مؤمن نیست».

۳- کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۲۶؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۵، ص ۱۰۸۷. «برای توبه، پشیمانی از گناه کفایت می کند».

وقتی مؤمن گناهی را مرتکب شد، پشیمانی او را به استغفار و آمرزش خواستن وادار می سازد و تعالیم اسلام گناهکاران را به رحمت خدا امیدوار و از ناامیدی و یأس نجات می دهد. این مژده الهی و بشارت قرآنی در کالبد مرده، روح تازه می دمد:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ انْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱)

آری، خدا غفار، رحیم، ستّار، توّاب و واسع المغفره والرحمه است. بنده توبه کار را دوست می دارد؛ و هیچ انسانی محکوم به بدبختی نیست.

در برخی اخبار و روایات (۲) آمده است که وقتی بنده ای از گناه پشیمان شد و به سوی خدا بازگشت و گفت:

الهی انا اسأت

خدای من! من بد کردم.

خدا می فرماید:

ص: ۲۲۵

۱- زمر، ۵۳.

۲- نوفل، الطريق الی الله، ص ۱۵۱ - ۱۵۲.

وَأَنَا سَتَرْتُ

من آن را پوشاندم.

فَيَقُولُ: «الهِىَ أَنَا نَدِمْتُ».

و چون می گوید: خدای من! من پشیمان شدم.

خدا می فرماید:

وَأَنَا قَبِلْتُ

من قبول کردم.

أَيُّهَا الشَّابُّ إِذَا تُبَّتْ تُنَّمُ نَقَضَتْ فَلَا تَسْتَحِي أَنْ تَرْجِعَ إِلَيْنَا

: ای جوان، اگر توبه کردی و شکستی، حیا نکن که دیگر بار به سوی ما برگردی!

وَإِذَا ثَانِيًا فَلَا تَسْتَحِي أَوْ يَمْنَعُكَ الْحَيَاءُ أَنْ تَأْتِينَا ثَالِثًا

و هر گاه دوباره توبه را شکستی، حیا نکن. آیا حیا تو را از این که سه باره به سوی ما بیایی، منع می کند؟ (: حیا نکن و بیا.)

وَإِذَا نَقَضَتْ ثَالِثًا فَارْجِعْ إِلَيْنَا رَابِعًا

و هر گاه برای سومین بار توبه را شکستی، برای چهارمین بار به سوی ما بیا.

فَأَنَا الْجَوَادُّ الَّذِي لَا ابْخُلُ

من بخشنده ای هستم که بخل نمی ورزم.

ص: ۲۲۶

وَأَنَا الْحَلِيمُ الَّذِي لَا أَعْجَلُ

من بردباری هستم که شتاب نمی کنم.

وَأَنَا الَّذِي اسْتَرْتُ عَلَى الْمَعَاصِي وَأَقْبَلُ التَّائِبِينَ، وَأَعْفُو عَنِ الْخَاطِئِينَ، وَارْحَمُ النَّادِمِينَ

من آنم که: بر معاصی پرده می پوشم، و توبه کنندگان را قبول می کنم و از خطا کنندگان می گذرم و به پشیمانان، رحم می کنم.

وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و من رحم کننده ترین رحم کنندگانم.

مَنْ ذَا الَّذِي أَتَى إِلَيْنَا فَوَدَدْنَا؟

کدام فردی به سوی درگاه ما آمد و او را رد کردیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي لَجَأَ إِلَيْنَا فَطَرَدْنَا؟

چه کسی به سوی ما پناه برد و ما او را دور کردیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي تَابَ إِلَيْنَا وَمَا قَبَلْنَا؟

چه کسی به سوی ما باز گردید که او را نپذیرفتیم؟

مَنْ ذَا الَّذِي طَلَبَ مِنَّا وَمَا أَعْطَيْنَاهُ؟

چه کسی از ما درخواستی کرد که به او عطا نکردیم؟

مَنْ الَّذِي اسْتَقَالَ مِنَّا فَمَا غَفَرْنَا؟

چه کسی از ما آمرزش خواست و ما او را نیامرزدیم؟

أَنَا الَّذِي اغْفِرُ الذُّنُوبَ وَ أَسْتُرُ الْعُيُوبَ وَ اغِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَارْحَمُ الْبَاكِيَ النَّدُوبَ وَ أَنَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ

من آنم که گناهان را می آرمزم و عیب ها را می پوشانم و اندوهناکان را یاری می کنم و به گریان ندبه کننده رحم می کنم و من دانای امور نهان و پنهان هستم.

دعاهای مأثوره، عذرخواهی و پوزش طلبی را به بندگان گناهکار یاد می دهد.

در این جمله از دعا دقت کنید که چگونه معاذیر بنده را در درگاه خدا عرضه می دارد و او را با خدا آشنا می سازد:

الهِیَ لَمْ اَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَاَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاهِلٌ وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِوَعِيدِكَ مُتَهَابٌ وَلَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَغَلَبَتْنِي هَوَايَ وَاَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَعَزَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ... (۱)

خدای من! معصیت تو را نکردم در هنگامی که معصیت کردم؛ در حالی که پروردگارت را منکر باشم و فرمان تو را سبک شمرده باشم و یا آن که خود را در معرض عقاب تو قرار دهم و یا تهدید تو را سست گرفته باشم؛ ولی خطایی روی داد و نفس من، آن را از برای من زینت داد و شقاوتم کمک کرد و پرده پوشی تو بر من، مغرورم نمود.

ص: ۲۲۸

۱- طوسی، مصباح المتعجد، ص ۵۸۹؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۶؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۹۴ - ۵۹۵.

در این جمله نیز دقت کنید الهی رَبِّتِنِي فِي نِعْمَتِكَ وَاحْسَانِكَ صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِاحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ. مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ... (۱)

معبود من! مرا در نعمت و احسانت پرورش دادی در وقتی که صغیر بودم و نامم را آن هنگام که کبیر شدم، بلند کردی. پس ای کسی که تربیت کرد مرا در دنیا به احسان و فضل و نعمتش و برای من در آخرت به سوی عفو و کرمش اشاره کرد. ای آقای من!

معرفت من راهنمایم به سوی تو است و دوستیم شفیع من در نزد تو است.

و یا:

إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمَعْتُ فَإِنَّ عَفْوَتَ فَخِيرٍ رَاحِمٍ وَإِنَّ عَذَابَ فَعِيرٍ ظَالِمٍ... (۲)

وقتی گناهانم را می بینم، می هراسم، و وقتی کرم تو را می نگرم به آن طمع می کنم. پس اگر عفو کنی بهترین رحم کننده ای و اگر عذاب کنی، ستمگر نیستی!

ص: ۲۲۹

۱- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲- طوسی، مصباح المتهجد، ص ۵۸۴؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۹.

این جملات از دعای «ابی حمزه ثمالی» است. تمام جمله های این دعا روح بخش است و خواننده را به عالم روحانی و ملکوتی سیر می دهد. انتخاب جمله های این دعا ممکن نیست؛ چون تمام جمله هایش منتخب است. این جملات، انسان را به سوی خدا می برد؛ و او را از گناه به توبه حقیقی روانه می کند.

توبه در اسلام برای همه انسان ها فراهم است. هر شخص در هر کجا که باشد؛ می تواند اگر گذشته تاریک و ندامت انگیز دارد، آن را با توبه و استغفار فراموش سازد و اگر چند قطره اشکی هم بریزد و به درگاه خدا اظهار بندگی و عجز نماید، خوشا به حال او.

برنامه توبه و استغفار این است:

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ

غَفُورًا رَحِيمًا (۱)

و هر کس کار بدی کند، یا بر خویشتن ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

و نیز:

كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲)

ص: ۲۳۰

۱- نساء، ۱۱۰.

۲- انعام، ۵۴.

پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن گاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است.

در ماه رمضان برنامه توبه و استغفار، تازه می شود و مسلمانان عموماً در هر حال و در هر شرایطی که هستند باید بر سر این خوان و سفره گسترده آمرزش و مغفرت خدا بنشینند و هر فردی به فراخور حال خود به استقبال آینده بهتر و شرافتمندانه تری برود. چرا که در غیر این صورت:

فَالشَّقِي مَنْ حَزَمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ (۱)

بدبخت کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم بماند [و نتواند خود را عوض کند و گناه و معصیت را کنار بگذارد].

از اوّل ماه رمضان تا پایان آن باید زبان مؤمن روزه دار، به استغفار باز باشد.

ادعیه شب ها، سحرها و روزها و هنگام افطار، همه متضمّن طلب مغفرت است. مخصوصاً شب های قدر برای توبه و اصلاح حال و تغییر روش و حرکت فکری و اخلاقی، فرصت های عزیزی است که فوت آن فرصت ها، نشان بی لیاقتی است.

پاینده باد اسلام! که با چنین تعالیم و برنامه های نجات بخش به کمک

ص: ۲۳۱

۱- صدوق، الامالی، ص ۱۵۴؛ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۵؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶.

بشریت آمده و او را به عالی ترین اخلاق انسانی رهبری می نماید.

نویسنده ای به نام «فرانزستال» در مقاله ای که در یکی از مجلات منتشر نموده، بعد از مقایسه ای که بین حرکت تسلیح اخلاقی و نظر «دکتر فرانک بکمان» مؤسس «جمعیت تسلیح اخلاقی» کرده، نتیجه گرفته است که اسلام از جهت تسلیح اخلاقی اسبق است. وی می نویسد:

توبه در اسلام وسیله ای است که افراد خودشان خود را تغییر دهند و سلاح اخلاقی بزرگی است؛ زیرا متضمن پشیمانی و تغییر حال و تحوّل است.

اگر این نویسنده از برنامه های ماه رمضان و از ادعیه ای که مؤمنان می خوانند و از حالات، گریه ها، مناجات ها، زاری های آن ها آگاه بود، می دانست که وسایل تسلیح اخلاقی آن چنان که در اختیار مسلمانان است در اختیار هیچ ملت و جامعه ای نیست.

حیف که از این وسایل چنان چه باید و شاید استفاده نمی شود و افسوس که از این مکتب تربیت، قدردانی نشده و به حقایق و مقاصد آن آشنا نمی شویم.

برادر و خواهر عزیز! قدر این همه درهای رحمتی را که به سوی تو گشوده شده است، بدان. توبه و استغفار کن، تغییر حال بده و رفتار خود را با تعالیم اسلام منطبق ساز. حال که خدا به تو توفیق داده و ماه رمضان را درک کرده ای و در مجالس قرائت قرآن، دعا، موعظه و اخلاق و در مساجد و نماز جماعت و مراسم دیگر شرکت می کنی، استفاده کن. میان بنده ای که به سوی خدا کوچ

ص: ۲۳۲

می کند، چندان مسافتی نیست.

«وَأَنَّ الْقَاصِدَةَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ» (۱)

حقیقتاً توبه کن. تصمیم بگیر که خود را عوض کنی و تغییر وضع بدهی. تصمیم بگیر که از گناه و گناهکاران فاصله بگیری.

بی شک اگر در صف توبه کاران، استغفار کنندگان در نیایی و فقط بر زبان «استغفرالله» جاری کنی، توبه حاصل نمی شود.

گناهان خود را به یاد آور و به حافظه ات مراجعه کن و بین خود و خدا به معاصی اقرار و اعتراف کن و از همه گناهان توبه نما و یک لحظه نیز توبه را تأخیر نینداز که بسا پس از آن، دیگر توفیق توبه حاصل نخواهد شد.

گریه کن، اشک بریز و فرصت را غنیمت شمرده و با دل سوخته خدا را بخوان و بگو:

سَيِّدِي أَنَا اسْتَيْمَلُكَ مَالًا - اسْتَيْحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَأَغْفِرْ لِي وَالْبِسِينِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا يُعْطَى عَلَيَّ الذُّنُوبَ وَالتَّبِعَاتِ وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا اطَّالِبُ بِهَا أَنْكَ ذُو مَنْ قَدِيمٌ وَصَفْحٌ وَتَجَاوُزٌ كَرِيمٌ... (۲)

ص: ۲۳۳

۱- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۱۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۷۱ - ۷۲. «و همانا قصدکننده به سوی تو راهش نزدیک است».

۲- طوسی، مصباح المتعجب، ص ۵۹۳ - ۵۹۴؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۷۰ (دعای ابو حمزه). «آقای من! من از تو آنچه را می خواهم که سزاوار آن نیستم و تو اهل تقوا و اهل آمرزشی پس بیامرز مرا و جامه عفو را بر من بپوشان به طوری که گناهانم و عواقب زشت معصیت هایم را بپوشاند و بیامرزی آنها را برایم و از آنها بازخواست نشوم که تو صاحب منت دیرینه ای و صاحب گذشت بزرگ و کرامتی».

أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ (۱)

أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةً (۲)

«شب قدر»، شب نور، رحمت، شب نزول قرآن و مَطَّلَع خیرات و سعادات، و هنگام نزول برکات و سرآغاز زندگی نوین بشر و مبدأ تحوّل و تاریخ کمال واقعی انسان هاست.

شبی که اگر نبود و نیامده بود، شب تیره بدبختی انسان به پایان نمی رسید و بامداد نیک بختی او طلوع نمی کرد و از بند اسارت اقویا و استعمارگران آزاد نمی گشت.

شب قدر، ليله مبارکه، شب آزادی بشر و اعلان حقوق انسان و حکومت عدالت و داد گستری است.

شبی که برای ملت های غفلت زده، ناآگاه و آلوده به فساد و تباهی و گمراهی، صبح هدایت و بیداری و آگاهی و رستگاری گشت و بزرگ ترین و گرامی ترین کتب آسمانی - که الی الابد و جاودان، راهنمای بشر و ضامن سعادت است - نازل شد و با اشراق ملکوتی،

ص: ۲۳۴

۱- قدر، ۱.

۲- دخان، ۳.

جهان را از ظلمت شرک و ثنویتِ مجوس، تثلیث ترسا، خرافات یهود و بت پرستی و ... به روشنایی توحید و پرستش خدای یگانه راهبر شد.

اگر این شب نبود، تمدن عظیم اسلامی با آن همه ارزش ها و علوم معارف، اخلاقیات، عرفان، فقه، فلسفه و ... شخصیت های والای پرورش یافته در دامن آن نیز وجود نداشت.

مدارگی که بشر پس از نزول قرآن طی کرده و به منازل و معارجی که پس از این می رسد، همه از برکات این شب و هدایت قرآن است.

برای این که تأثیر این شب عزیز در پیشرفت اهداف انسانی و ترقی جامعه بشری آشکار شود، موفقیت های بزرگ و حرکت ها و جهش هایی را- که تحت تأثیر تعالیم آزادی بخش قرآن در علم و صنعت و تمدن در طول چهارده قرن، نصیب انسان شده است- در نظر بگیریم و با زندگی کم تحرک و خاموش و کم نور پیش از آن مقایسه کنیم تا معلوم شود چگونه جنبش و نهضت اسلام و قیام مسلمین و رسالت پیامبر بزرگ خدا محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم مبدأ اصلاحات، جنبش ها و انقلابات آزادی خواهانه و مترقی گردید و کاروان بشریت را با سرعت و شتاب روزافزون، هر چه بیشتر به پیش برد و این آدمی زاد را که صدها قرن بود با کندی و سستی و ناتوانی گام بر می داشت، در ظرف چهارده قرن به کجا رسانید و دامنه فکر و اندیشه او را از حدود زمین و ماه و کرات در گذرانید.

ص: ۲۳۵

آری، قرآن افکار را دگرگون کرده و شخصیت انسان را محترم شمرد؛ و حقوق بشر را با صراحت اعلام کرد و پرستش افراد را محکوم کرده و قدرت های شخصی را در هم شکست؛ و هیأت حاکمه را محدود و از آن تجمّلات، تپذیرها، امتیازات و حیف و میل بیت المال و غارت دست رنج مردم باز داشت و برای همه، حقوق مدنی متساوی قرار داد.

پس، شب قدر از فرصت های بسیار ارزنده و مغتنم است و ما باید این شب را برای تفکّر در اوضاع اسلامی و توجّه بیشتر به تعالیم قرآن مجید غنیمت بدانیم و به مقدار ارتباط خود با قرآن و احکام آن، کاملاً رسیدگی کنیم.

باید از لیالی متبرّکه «احیاء»- که در فضیلت آن و شب زنده داری و عبادت در آن در کتب دعا و حدیث، اخبار بسیار وارد شده- استفاده کنیم. شب های قدر شب هایی است که هر شخصی در آن به در خانه خدا برود، به سعادت حضور معنوی و لذّت تقرب نایل می شود.

قرآن، شب قدر را «لیله مبارکه» خوانده و در شأن آن یک سوره نازل شده و شرافت آن شب، از هزار ماه بیشتر است.

تعیین شب قدر

هر چند در تعیین شب قدر اختلاف است، ولی قول معتمد و محقق- که از روایات معتبره گرفته شده- این است که از شب «نوزدهم» و

ص: ۲۳۶

«بیست و یکم» و «بیست و سوم» ماه رمضان بیرون نیست و به احتمال قوی- که برخی از احادیث هم مثل «روایت جهنی» مؤید آن است- شب قدر، شب بیست و سوم است و از برخی اخبار دیگر استفاده می شود که هر یک از این سه شب «شب قدر» است.

حکمت پنهان بودن شب قدر

به هر حال اگر به طور یقین، شب قدر معلوم نشود، پنهان بودن آن متضمن حکمت و مصلحتی بوده و ممکن است آن مصلحت این باشد که مسلمانان تمام شب های این ماه، یا لاقلاً این سه شب را در عبادت و پرستش خدای تعالی و تلاوت قرآن و آموختن معارف، حقایق و تعالیم

آن، بیشتر اهتمام نمایند و سراسر ماه را «ماه قرآن» قرار دهند و در شب های «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوم»، در توبه و استغفار و اصلاح احوال و خواندن قرآن و دعا، جَدّ و جهد بلیغ نمایند و تا صبح بیدار باشند.

نکته دیگری که در پنهان ماندن شب قدر به نظر می رسد، این است که اگر این شب با این همه قدر و منزلت، مشخص و شناخته شود، بسیاری از مردم به عبادت در آن اکتفا کرده و از فیض توجه و دعا در سایر شب ها باز می مانند و بسا که سبب غرور یا عجز بعضی شود؛ در حالی که چون پنهان و نامشخص است، مؤمنان در تمام شب هایی که

طرف احتمال است به ذکر الهی و توبه اشتغال می ورزند و از برکات و ثواب های بیشتری مستفیض شده و به واسطه تمرین زیادتر، ملکات فاضله در آن ها راسخ تر می شود.

تجدید عهد با ولی امر علیه السلام

از جمله وظایف مهم در این شب ها، تجدید عهد با ولی امر، حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه و خواندن دعای معروف: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ...» (۱) می باشد؛ زیرا شب قدر به آن حضرت تعلق خاص دارد و در آن شب ملائکه بر آن بزرگوار نازل می شوند و تمسک به قرآن و عترت و کتاب

مبین و امام مبین هم اقتضا دارد که در شب قدر، مؤمنان به تقلین قرآن مجید و آخرین امام عدالت گستر و بقیه عترت هادیه و مصداق حقیقی «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (۲) ی عنی به حضرت حجه بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین له الفدا تمسک نموده و بدانند که به تصریح اخبار متواتره تقلین، امن و نجات از ضلالت و گمراهی، فقط در سایه تمسک به قرآن و عترت حاصل می شود و برای نجات از این همه انحرافات و سرگردانی های گوناگون، راهی جز توسل و تمسک به هدایت «قرآن و عترت» نیست.

ص: ۲۳۸

-
- ۱- طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۳؛ مشهدی، المزار، ص ۶۱۲؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۸۶ (دعای فرج امام زمان ×).
 - ۲- فاطر، ۳۲. «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم».

بی تردید کسانی که می خواهند اسلام را در آینه اعمال و رفتار اجتماع مسلمانان این عصر ببینند و آن جمال نورانی و خورشید جهان تاب را در چنین منظر و آینه تیره و تار زیارت کنند، سخت در اشتباهند.

اگر تصویر چهره اسلام ممکن بود و یک نفر آگاه به تمام تعالیم و امتیازات و هدایت های اسلام و برنامه های تربیتی و جامع آن، چهره زیبای آن را تصویر می کرد، از هر اثر هنری دیگر زیباتر و جالب تر می شد.

اگر خدای جهان و آفریننده زمین و آسمان - که نعمت اسلام را به وسیله حضرت خاتم الانبیا انعام و اعطا فرمود - آن را به صورتی تمثیلی می ساخت، یقیناً زیبایی و جمال آن صورت، خلق اولین و آخرین را از خود بی خود می کرد.

چنان چه هم اکنون جمال روحانی و روح بخش و دل نواز اسلام، فلاسفه محقق و علما و دانشمندان متتبع را مجذوب و دل باخته ساخته است.

ص: ۲۴۱

آری، چقدر جمال توحید اسلام زیباست و چه خورشید عدالت اجتماعی اسلام گرمابخش است!

کدام جلوه ای در دل ها از جلوه معارف اسلام نافذتر و کدام روشنائی از روشنائی آیات قرآن مجید روشن تر است؟!

این پرتو خورشید اسلام است که دنیای متمدن را به حقوق انسان ها روشن و منور کرده، و نغمه آزادی را این همه روح افزا قرار داده است.

هیچ یک از بیانیه ها و اعلامیه های حقوق بشر- که به دست ناتوان انسان تهیه و تدوین شده است- اصلاً قابل مقایسه با حقوق و قوانین نافذ و همه جانبه اسلام نیست.

نگرشی هر چند کوتاه به این آیات الهی مصداق این مدعاست:

۱. تَعَالُوا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ لَا شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِّنْ دُونِ اللَّهِ [۱۴۹]

«بیاید بر سر سخنی که میان من و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرید.»

ص: ۲۴۲

۲. (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)؛ (۱)

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید؛ درحقیقت ارجمندترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماست.»

۳. (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)؛ (۲)

«درحقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان میدهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز میدارد. به شما اندرز میدهد، باشد که پند گیرید.»

و کدام یک از تعالیم و هدایت‌های اخلاقی را میتوان از تعالیم و آداب اسلام برتر و مفیدتر دانست؟ نمونه آیات ذیل بیانگر بزرگترین و برترین تعالیم و هدایت‌های اخلاقی است:

۱. (وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)؛ (۳)

«و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است.»

ص: ۲۴۳

۱- حجرات، ۱۳.

۲- نحل، ۹۰؛

۳- طلاق، ۳.

۲. (وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ)؛ (۱)

«و کارم را به خدا میسپارم؛ خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست.»

۳. (وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)؛ (۲)

«و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا میدانند و شما نمی‌دانید.»

۴. (قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا)؛ (۳)

«بگو: جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمیرسد. او سرپرست ماست.»

۵. (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا)؛ (۴)

«پس [بدان] با دشواری، آسانی است. آری، با دشواری، آسانی است.»

کدام دین و کدام کتاب آسمانی به اندازه قرآن به علم و عمل اهمیت داده و به عقل و منطق و تفکر و اندیشه در اسرار آفرینش و نظام

ص: ۲۴۴

۱- غافر، ۴۴.

۲- بقره، ۲۱۶.

۳- توبه، ۵۱.

۴- شرح، ۵ - ۶.

جهان و اوضاع زمین و آسمان، دعوت و تشویق کرده است؟

اسلام را باید در آینه نصوص قرآن و سنت، و در سیره رفتار و گفتار و کردار پیشوایان دین و کسانی که اسلام در وجودشان به تمام معنا منعکس شده و در سلوک مجاهدین و مسلمانان صدر اسلام تماشا کرد.

نقش و تأثیر اسلام را در سازندگی و به وجود آوردن مترقی ترین و ممتازترین اجتماعات، باید از قوت احکام آن و از اجتماعاتی که بیشتر تحت نفوذ منطق اسلامی قرار گرفت، استنباط کرد.

مسلمانان عصر ما نمی توانند با اجتماعاتی که دارند اجتماع الهی اسلام را به دنیا نشان دهند و اگر چه در بین آن ها افراد آگاه به مفاهیم و مقاصد اسلام کم نیست، ولی متأسفانه جلوه مجتمعات آن ها، جلوه اجتماع کاملاً اسلامی نیست، و چرخ زندگی اجتماعی و سیاسی آنان

تحت لوای حاکمیت مطلقه، و مشروعیت و قوانین و احکام الهی در گردش نیست.

یگانه عامل و علت انحطاط مسلمانان، جهل آنان به مفاهیم اسلامی و دوری از روح اسلام و درک نکردن واقع دین و توحید، و ایمان به شهادتین است.

ایمان به اسلام سرگرم شدن به یک سلسله مفاهیم نظری نیست:

ص: ۲۴۵

لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالْتَّمَنَى وَلَا بِالْتَّحَلَّى وَلَكِنْ هُوَ مَا وَقَرَفِي الْقَلْبَ وَصَدَقَهُ الْعَمَلُ (۱)

و از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَأَقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (۲)

قرآن مجید مؤمنین را چنین توصیف می فرماید:

أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ، وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۳)

«مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل میکنند».

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۴)

ص: ۲۴۶

۱- سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۵۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۲۵. «ایمان با آرزو کردن و آرایش و ظاهرسازی نیست بلکه ایمان چیزی است که در قلب جای گیرد و عمل انسان آن را تصدیق نماید».

۲- صدوق، الخصال، ص ۱۷۸، همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۴ - ۲۰۵. «ایمان شناخت و معرفت به واسطه قلب و اقرار به زبان و عمل با اعضا و ارکان (بدن) است».

۳- انفال، ۲.

۴- نساء، ۶۵.

«ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مورد اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تعظیم فرود آورند».

و نشانه کفر را این گونه بیان می‌فرماید که:

وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (۱)

اجتماعی را می‌توان یک جامعه کاملاً اسلامی دانست که همه احکام و دستورات اسلامی بر تمام مسایل زندگی فردی و اجتماعی آن جامعه منطبق بوده و به عبارت دیگر، اسلام از برنامه‌های کسب و کار، معاشرت، حکومت، سیاست و ... آن‌ها تفکیک نشده باشد.

با این وصف، اجتماعات ما معرّف یک اجتماع کامل و تمام عیار اسلامی نیست؛ زیرا بسیاری از احکام اسلام در بین مسلمانان معاصر متروک گردیده، و جز «عبادات» (مثل: نماز و روزه، حج و ...)- که اجتماع اسلام به آنها نیز قائم است- بقیه احکام و دستورات اسلامی کم‌تر مورد عنایت قرار گرفته و بعضاً مهجور مانده است. چه بسا که

عبادات ما نیز آن‌طور که شایسته است نشان‌دهنده مقاصد اسلام نیست و کسانی که از آثار و برکات آن هم محروم می‌باشند، بسیارند.

ص: ۲۴۷

۱- مائده، ۴۴؛ «و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده دآوری نکرده‌اند، آنان خود کافرند».

در «عبادات»، معانی بزرگ و درس های عمیق به ما آموخته می شود که اگر به آنها توجه کنیم، افق افکار ما روشن و طرز تصوّر ما دگرگون می شود.

در عبادات هم جنبه عادت نهفته است و هم اظهار شوکت اسلام، اتحاد و هماهنگی مسلمین، ارشادات اخلاقی، آموزشی و تربیتی، تعالیم اجتماعی، رشد فکری، عقلی و علمی و بلکه فواید بهداشتی و اقتصادی نیز منظور شده است.

همین روزه ماه رمضان که از ارکان اسلام و نیز شعایر بزرگ و وسیله ای جهت تقرب به خدا است، آیا با همان برنامه مقرر انجام می شود؟ و آیا ماه رمضان ما همان ماه رمضان اسلام است؟

این موضوع و مسأله ای است که به بررسی و تحقیق نیاز دارد.

ماه رمضان اسلام: چنان چه از خطبه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استفاده می شود، فرصتی برای افزودن به اعمال خیر و کارهای نیک، دستگیری از فقیران و بی نوایان، پیوند با خویشاوندان، یاری ضعیفان، تکمیل و تهذیب اخلاق، فرو خوردن خشم و غضب و کنترل قوای شهوانی است.

اما برنامه ماه رمضان ما: پرخوری در افطار و سحر، تندخویی و

بدزبانی با نزدیک و بیگانه، شب نشینی های زیان بخش، معاشرت ها و جلسات بیهوده است.

ماه رمضان اسلام: موسم وزش نفحات رحمت، تجلی حقیقت و زمان نزول برکات است که جویندگان این معانی بدون هیچ گونه

ملال و خستگی خود را در معرض این نسیم ها قرار داده و هشیارانه از آن استفاده می کنند، و دل های خود را مهبط این فیوض رحمانی قرار می دهند.

بیشتر افراد در غفلت از این معانی به سر برده و از روحانیت و نورانیت این ماه استفاده نمی کنند.

در ماه رمضان اسلام: شیاطین مغلول اند و اسباب گناه در این ماه فراهم نبوده و محیط، برای فعالیت شیاطین و رشد قوای اهریمنی و افکار زشت ابلیسی مساعد نمی باشد.

همه جا به نور این ماه منور است و صدای دل نواز و روح بخش تلاوت قرآن مجید و صوت مناجات و دعا و استغفار، دل ها را به سوی خدا متوجه می سازد و خفتگان بستر غفلت را بیدار می نماید.

ماه رمضان ما: شیاطین در آن مشغول کار و اغوا و اضلال بوده و جز چند شب، بقیه اوقات سینماها، میکده ها، کاباره ها، مراکز فساد و انحراف باز است و زنان برهنه و نیم برهنه در ملاء عام در خیابان ها آمد و شد می کنند و صدای موسیقی از هر سو بلند است و از مصونیت هایی که

باید در این ماه از معاصی وجود داشته باشد، خبری نیست و چشم و گوش، همیشه در معرض گناه و معصیت است.

ماه رمضان اسلام: بهترین فرصت و گرانبهاترین وقتی است که حتی یک دقیقه و ثانیه اش نباید هدر برود و بیهوده مصرف شود؛ بلکه باید تمام دقایق و ساعات آن در انجام کارهای نیک و اعمال حسنه، تفکر و تأمل، توبه و اصلاح حال سپری شود.

ماه رمضان ما: بیشتر اوقاتش تلف می شود و اوقاتی به این عزیزی، آسان از دست می رود.

ماه رمضان اسلام: مسلمانان باید در آن به مناسبت نزول قرآن در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شخصیتی که قرآن به او نازل شد به طور عمیق مطالعه نمایند و ارشادات و راهنمایی های آن رهبر عالی قدر آسمانی را- که دافع هر ضرر و خسارت، و علاج کننده تمام مشکلات اجتماعی و حیاتی است- سرمشق خود قرار دهند و به حکم:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ (۱)

به روش و سلوک آن رسول اعظم خدا صلی الله علیه و آله و سلم تأسی نمایند.

ماه رمضان ما: اکثریت مسلمانان از سیره رهبر عظیم خود بی اطلاع بوده و در این موضوع که درس و بحث، تفکر و مطالعه در آن بر هر مسلمانی لازم است، نه در ماه رمضان و نه در ماه های دیگر اهتمام شایان ندارند و

ص: ۲۵۰

۱- احزاب، ۲۱. «قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد».

به دانستن تاریخ حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که آموزنده ترین صفحات تاریخ است - اعتنایی لازم و کافی نمی کنند. تاریخ کدام شخصیت ها، و رجال تاریخ، زعما و رهبران اصلاحات و انقلاب ها و پیامبران بزرگ، مانند تاریخ پیامبر بزرگ اسلام، آموزنده و سودمند است.

ماه رمضان اسلام: ماه درس علوم دین از قبیل: فقه، احکام و معارف حقیقی است تا خدا را از روی معرفت و بصیرت پرستیم و طعم ایمان را بچشیم و در جمال ربوبیت، واله و حیران گشته و روح ما به عوالم عالی تر طیران نماید:

طیران مرغ دیدی تو زپای بند غفلت

به در آی تا ببینی طیران آدمیت

و این حدیث که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است، بر ما منطبق شود:

إذا اراد الله بعبدٍ خيراً فقهه في الدين، ويلهمه رشده (۱)

ماه رمضان ما: در جهالت و نادانی می گذرد و این مدرسه عالی و همگانی اسلامی به صورت تعطیل جلوه کرده و معلم و مدرس، شاگرد و دانشجو در آن کم است و ادعیه آن کمتر مورد استفاده و تأمل قرار می گیرد.

ماه رمضان اسلام: ماه نشاط، و اقبال و شتاب به سوی عبادت و تقرب به خدا است.

ص: ۲۵۱

۱- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲؛ طوسی، الامالی، ص ۵۳۱؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۶۳؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۱۳۰؛ ج ۲۶، ص ۱۹۰. «هنگامی که خداوند بخواهد به بنده اش خیر برساند او را در دین فقیه و صاحب نظر می کند».

ماه رمضان ما: بعضی آن را در کسالت و سستی و تن پروری و خواب و بی خبری به پایان می رسانند.

ماه رمضان اسلام: آغاز فصل جدید و مرحله نوین عمر و زندگی است که در آن باید قوای فکری و اخلاقی خود را از نو به رشد و نمو وا داریم و با گذشته خود وداع کرده، و دل خود را جلا دهیم و زنگار معصیت و گناه را از آن بزدااییم.

ماه رمضان ما: تغییر مختصر در وقت خوردن غذا و امساک از مفطرات است که هر چند امتثال و اطاعت فرمان خدا و دلیل بیدار بودن وجدان دینی و شعور مذهبی است و نسبت به آن بدبخت ها و گمراهانی که روزه را افطار می کنند شرافت و فضیلت آن بسیار است؛ اما با این وجود، روزه دار نباید فقط به امساک از مفطرات قناعت کند؛ بلکه باید

سایر برنامه هایی را که برای روزه داران معین شده نیز انجام دهد تا از فواید بسیار و رحمت واسعه الهی در این ماه حدّا کثر استفاده را بنماید.

ماه رمضان اسلام: سبب تهذیب نفوس، تطهیر قلوب و تخلّق به اخلاق حمیده، اعتیاد به عادات حسنه، تمرین خلوص نیت، احیای معالم و مبانی اسلامیت و انسانیت، انتشار محبت و نوع پروری و صداقت است.

ص: ۲۵۲

ماه رمضان ما: بسا شب نشینی ها و مجالسی که پس از افطار برپا می شود و با متحمل شدن مصارف زیاد به پرخوری، غیبت، لهو و مزاح های باطل و گفت و شنودهای بی ثمر مشغول شده و با شکم چرانی هایی که می کنند از حکمت نبویه «صُومُوا تَصْحُوا» (۱) محروم می شوند. و چون از روح همکاری و همدردی اسلامی و ارتباط معنوی و اتصال ناگسستنی قلبی و ایمانی، نشانه و علامتی نیست، آن دید و باز دیده ها و معاشرت ها، سبب کینه و عداوت و دشمنی و سوء تفاهم می گردد.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِسَهْرِ رَمَضَانَ الْإِسْلَامِ وَارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَاهْدِنَا فِيهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ (۲)

ص: ۲۵۳

-
- ۱- قطب راوندی، الدعوات، ص ۷۶؛ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۸.
 - ۲- خدایا! به ما در ماه رمضان توفیق عمل به اسلام عطا فرما؛ و روزه و قیام در این ماه روزیمان فرما و ما را به راه مستقیم خودت هدایت فرما؛ به حق محمد و آل پاک و طاهرش که درود و صلوات تو بر ایشان باد.

اسئلك بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً (۱)

غرض از «عید» نه آن است که از باب جلال جامه ناز بپوشند به الطاف مزید ای خوش آن عید، کز آن شاه و گدا خوش باشند که چنین «عید سعید» است و جز این نیست سعید در روز «عید فطر» همه مسلمانان در سراسر جهان، غرق احساس افتخار بوده و سربلند و سرفرازند که ماه مبارک رمضان را با توفیق به پایان رسانده و از برکات معنوی و تربیتی آن مستفیض شده اند.

خدا را شکر می نمایند که یکی از بزرگ ترین کلاس های تربیتی اسلام را در طی یک ماه گذرانده، و از درس هایی که در آن ها داده شده، به اندازه استعداد و آمادگی خود استفاده کرده و با روح و جان خود آمیزش داده و بر الواح دل ها و ضمائر خود ثبت کرده اند.

ص: ۲۵۷

۱- طوسی، مصباح المتهدج، ص ۶۵۴؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۹۵. «می خواهم از تو به حق این روز (عید فطر) که آن را برای مسلمانان عید قرار دادی».

در این روز، مسلمانان از یک جهاد حسّاس و خطرناک - که پهلوانان، قهرمانان و شیرافکنان جهان در آن میدان به خاک هلاکت افتاده و مغلوب شده اند - فاتحانه و پیروزمندانانه باز می گردند.

این جهاد، جهاد با نفس، جهاد با امیال و غرایز حیوانی و لذایذ نفسانی است.

بازداشتن نفس از کام گیری های شهوانی، نگهداری نفس از خوردن غذاهای لذیذ و نوشیدنی های شیرین و خوش گوار، خودداری از چشم چرانی و هوس های شیطانی، از دروغ، غیبت، خشم و غضب، بدخویی و ترش رویی، تکبر و جاه طلبی و دوری از هر معصیت و گناه دیگر در این میدان جهاد، فتح و پیروزی است.

همه این ها جهاد است و همان «جهاد اکبر» ی است که پیامبر بزرگ اسلام به گروهی از صحابه که به جهاد رفته بودند و با دشمن با شمشیر و اسلحه دست و پنجه نرم کرده و زور بازو نشان داده بودند، فرمود:

مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ (۱)

«جهاد اکبر» ی که جز افراد با ایمان و مردان و زنان تربیت شده در

ص: ۲۵۸

۱- کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲؛ صدوق، الامالی، ص ۵۵۳؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۴۲۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۸۲. «آفرین به قومی که جهاد اصغر را انجام دادند و بر آنها جهاد اکبر باقی ماند».

دامان اسلام، هیچ شخص دیگری نمی تواند در صحنه آن عرض اندام کند و در میدان رزم آن، افتخاری کسب نماید.

میدانی که در آن پیلتن های قوی پنجه و عشاق مال و مقام دنیا، شهوت پرستان، جلاّدان خون خوار، فاتحان جاه طلب کشورها، جوانان مغرور، خشم گینان پلنگ آسا، ستمگران بی رحم، آدم کشان و قصابان تاریخ، زنان هوس باز، دوشیزگان ناپاک و پرستندگان مظاهر مادی به خاک هلاکت افتاده؛ و از این که بتوانند افتخاری کسب و در مسابقات آن شرکت نمایند عاجز و ناتوانند.

میدانی که مردان و بانوان با ایمان، خداپرست، فروتن، پاکدل، پرهیزکار، شکّیا و بی اعتنا به زر و زیور دنیا در آن لباس رزم پوشیده، با اراده محکم و همت بلند حریف را شکست می دهند و در مسابقه با افتخار به پیروزی دست می یابند.

آری، نبرد با هوای نفس در عین آسانی، دشوار است. آسان است، برای این که وجدان پاک و فطرت آدمی و عقل و خرد، مصلحت و لزوم آن را درک می نماید و اگر انسان در این میدان قدم نهاد، هر چه پیش رود موفق تر می شود؛ تا سرانجام نفس سرکش و جنود اهریمنی را مغلوب و ذلیل خود کند و قوای ملکوتی و عقلانی و وجدانی را در کشور بدن، حاکم و کارفرما سازد.

ص: ۲۵۹

از سوی دیگر این کار دشوار است؛ برای این که جهاد با نفس، ایستادگی در برابر غرایز گوناگون و تلاش و کوشش برای کنترل و انضباط آن‌ها است. و شناخت دام‌های شیطان و هواهای پنهانی کار هر شخصی نیست. و رام کردن نفس اماره و چشم پوشی از لذایذ و کام‌گیری‌های نفسانی و خواسته‌های هزارگونه نفس وسیع و سرکش، به این زودی‌ها میسر نخواهد بود و این دشمن‌خانگی با غرایزی که انسان را در دفع دشمن خارجی یار و یاور و محرک و مشوق هستند، آشنایی و ارتباط برقرار می‌کند و از آن‌ها کمک و یاری می‌گیرد.

از این جهات، مبارزه با نفس کاری بس دشوار است و رستگار، کسی است که بتواند نفس را تعدیل کرده، و به نظم و ترتیب صحیح وادار سازد.

ماه مبارک رمضان، ماه مبارزه با نفس و مدرسه تعدیل و اصلاح غرایز و خواسته‌ها و نمایش قوت اراده و توان روان، سپری شده و اینک فرصت برگزاری مراسم عیدی بزرگ و پرفضیلت است. این عید، عید اسلامی فطر است که عید همگان و عید عموم طبقات و افراد است.

اسئَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا (۱)

ص: ۲۶۰

۱- طوسی، مصباح‌المتجهد، ص ۶۵۴. «می‌خواهم از تو به حق این روز (عید فطر) که آن را برای مسلمانان عید قرار دادی».

عیدی که خدا آن را برای همه مسلمانان قرار داده و همه را در آن شریک فرموده است.

عیدی که در آن مساجد و مجامع اسلامی و در گستره جهان اسلام، شکوه عبادت و بندگی خدا دیده می شود.

مراسم این عید اختصاص به توانگران، کارفرمایان، رجال و زمامداران

و طبقات به اصطلاح ممتاز ندارد.

تشریفات مادی، تقدیم هدایا و تحفه های گرانبها- چنان چه پیش از اسلام در اعیاد رسم بود- در این عید مرسوم نیست.

زیردستان موظف به دیدار زمامداران نیستند، و کارگر و کارفرما، افسر و سرباز، فقیر و غنی، شاه و گدا و همه اقشار و طبقات باید در صف بندگی خدا و دعا و عبادت برادرانه بایستند.

چنان چه می دانیم مراسم عمده و حساس این عید «نماز» و «زکات» است.

نماز و زکات

چنان چه بیان شد در مراسم نماز، همه اصناف شرکت می کنند، و مساوات و برادری اسلامی آن ها آشکار می شود. در ضمن ادای نماز و خواندن دعایی که در قنوت است، در دو خطبه و سخنرانی پس از نماز، عالی ترین دروس به همگان آموخته می شود، و مطالب لازم و مورد حاجت به عموم گوشزد می گردد، و از همه دعوت می شود تا در

پیش بردن مقاصد اسلام و تعظیم شعایر و تعمیم علم و دانش و امر به معروف و نهی از منکر، مجاهدانه کوشش کنند.

کسانی که دارای مخارج سال خود هستند و یا دارای کار و پیشه ای می باشند که درآمد آن ها وافیه به مخارج سال آنهاست، در اعطای زکات و کمک به مستمندان شرکت می کنند.

هیچ گونه مراسم کمرشکن و مصارف رقابت انگیز و مخارج بیهوده در این جشن اسلامی وجود ندارد و از این رو نمی تواند بهانه ای جهت کردارهای پلید عیاش ها، هرزه ها، پول داران، شهوتران ها و می خواران باشد.

این عید، نه مثل «عید کریسمس» است که در آن، جهان مسیحیت در کارهای زشت و فحشا و فساد غرق شده، و در هرزگی و رقص و باده و فسق و فجور، خود را آلوده می سازند، و به نام مسیح علیه السلام و دین، مجالسی برای لهو و قمار، مستی و شراب و ساز و آواز بر پا می کنند که بی شک حضرت عیسی علیه السلام پیامبر پاک خدا- از آن بیزار است؛(۱) و نه مثل سیزده نوروز و تعطیلات نوروزی است که تا چندی پیش نیز

ص: ۲۶۲

۱- بدتر از مسیحیها، مسلمان نماهایی هستند که در این مراسم کثیف و آلوده شرکت میکنند و استقلال اسلامی و ملی خود را بر باد میدهند. مانند زمان قبل از انقلاب که برخی از مسلمانان، در کاباره‌های متعدد نام نویسی میکردند و زن و بچه خود را در این مجالس فساد میبردند. عجیبتر اینکه در جراید آن زمان نوشتند: بسیاری از مسیحیها از شرکت در مجالس عمومی این مراسم خودداری کردند و ایرانیان مسلمان بیشتر در این مجالس آلوده شرکت داشتند. آیا این است معنای استقلال و تجدّد؟ و آیا این است زندگی شرافتمندانه؟! آیا این کارهاست که سبب پیشرفت یک ملت و رشد مملکت میشود؟ آیا اگر دیگران هر کار غلط و زشتی داشته باشند، ما نیز باید از آن تقلید کنیم و آن را ترویج نماییم؟

در آن بازار باده فروش ها و کاباره ها، مجالس لهو و قمار، سینماها و فیلم های شهوت انگیز رواج داشت و آمار جنایات و بی ناموسی و خیانت و چاقو کشی و انتحار در این ایام بسی فراوان بود و حتی طبق آمارهایی که داده می شد فرزندانانی که در این مراسم و اوقات نطفه آن ها منعقد می گردید، اختلال فکری و جسمی داشتند.

روزهایی هم به نام های مقدّسی مانند: «روز مادر»، «روز معلّم»، «روز کودک» و ... نام گذاری می شود که بیشتر آن ها از حقیقت خالی است و فقط تشریفات و برگزاری مراسم، منظور می باشد و احساسات را کودکانه و جاهلانه و به طور موقت تحریک می سازد.

چنین روزهایی را نباید عید دانست؛ این مراسم، تقلید از بیگانه و سوغات دروغین و بی حقیقت غرب است؛ و گرنه همه روزها، «روز مادر» است و در هر روز، رعایت حقّ مادر و معلّم و احترام به آن ها لازم و واجب است. (۱) در محیط اسلامی - که کانون عواطف عالی انسانیت است - همواره و

ص: ۲۶۳

۱- این تصوّر اشتباه پدید نیاید که ما می‌خواهیم از بزرگداشت حقّ مادر یا عنوانهای مقدّس و محترم دیگر - که در یک روز سال انجام میشود - انتقاد کنیم؛ چون به این مقدار هم اگر با حقیقت توأم باشد تا حدّی حقشناسی خداپسندانه است؛ بلکه قصد ما طرح این نکته است که اگر باید مثلاً حقّ مادر محترم شناخته شود و مقام معلّم مورد تعظیم واقع گردد، چرا به تعالیم عالیّه اسلام و قرآن مجید تکیه نکنیم و چرا از عواطف اسلامی جامعه - که هنوز هم بحمدالله در دلها باقی است - استفاده نمینماییم و چرا وضع تعلیم و تربیت را طوری قرار داده‌ایم که التزامات اخلاقی و دینی و وجدانی سست شده، تا آنجا که حقّ مادران هم فراموش شود. بیایید اهل حقیقت باشیم و به راستی و از گنه باطن، رضایت پدر و مادر را بخواهیم.

در همه لحظات، تکریم مادر، معلّم، کودک و ... باید مورد عنایت باشد.

در جاهایی که در دوره سال پدر و مادر و معلّم مورد فراموشی اند چون می بینند که این عواطف به صورت مرده در آمده و از بین رفته است، برای تذکار و تجدید خاطرات آن، در سال یک روز را معین می کنند که مثلاً به سراغ مادران بروند و به طور مصنوعی از آن ها یاد کنند و از این رو، این روزها را باید یادبود و سالگرد از بین رفتن و نابود شدن آن عواطف عالی انسانی شمرد.

ملّتی که واقعاً و حقیقتاً خود را مدیون مادر و پدر و معلّم خود می داند و دینش او را برای ادای این گونه حقوق تربیت می کند، چه حاجت به این صحنه سازی های بی مغز و بی حقیقت دارد؟!

ما مسلمانان در همین ماه رمضان چقدر درس حق شناسی درباره پدر و مادر و ... می آموزیم و در ادعیه، مکرّر از مادر و زحمات او یاد می کنیم و خدمات او را در ذهن می سپاریم؟

زننده باد اسلام! که تربیت و بهبود روح و روان جامعه را در سرلوحه برنامه های خود قرار داده و از هر فرصت برای ترقّی فکر و قوّت اراده بشر استفاده کرده است.

این عید فطر هم برای تمام مفاهیم ارزنده و عالی انسانی تذکار بوده و به سوی هر عمل نیک و انسانی هدایت گر است.

ان تُدْخِلِنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا

ص: ۲۶۴

وَأَلَّ مُحَمَّدٌ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَأَلَّ مُحَمَّدٌ (۱)

این عید، عید خدا و موسم دعا و نماز و احسان و نیکی به بندگان خدا و دیدارهای پاک و منزّه است. نزدیک به چهارده قرن است که این عید برگزار می شود؛ تاکنون شنیده نشده که برای تهیه وسایل این عید و شرکت در مراسم آن یک نفر خودکشی کرده و یا پای یک زن و شوهر به دادگاه کشیده شده باشد.

این عیدی است که در آن به جای تفریحات ناسالم، همه به سوی مساجد و مراکز اقامه نماز عید می روند و خدا آن را ذخیره خیر و نشان شرف و کرامت پیامبر اسلام و سبب ارتقای افتخارات اسلامی قرار داده است.

داستانی از زهد علی علیه السلام

در خاتمه، با خواندن این حدیث و دقت نظر در روش و آیین حکومت و مساوات اسلامی، از آن پند و اندرز گرفته و درس آزادگی بیاموزید.

«محمد عبدالرحمن جدیلی مصری در کتاب «امالی رمضان [۱۷۱] می گوید:

مردی بر علی بن ابیطالب علیه السلام (در هنگامی که زمامدار رسمی مسلمانان بود) در روز عیدی وارد شد.

ص: ۲۶۵

۱- طوسی، مصباح المتهدج، ص ۶۵۴؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۹۵؛ کفعمی، المصباح، ص ۴۱۶. «مرا در هر خیری که محمد و آل محمد را داخل کردی داخل کنی و از هر ناگواری و بدی که محمد و آل محمد را از آن بیرون کردی بیرون کنی».

مرد دید امیرالمؤمنین علیه السّلام در روز عید، نان خشکی را میل می فرماید.

فقال: یا امیرالمؤمنین اِفی یومِ العیدِ تَأْکُلُ خُبْزاً حَشَنًا؟

[مرد گمان می کرد که چون روز عید است، باید در سفره علی علیه السّلام همه گونه طعام، چیده شده باشد] عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین! در روز عید نان خشک می خوری؟

علی علیه السّلام فرمود:

أَمَّا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهُ مِنْهُ صِيَامَهُ، وَشَكَرَ قِيَامَهُ، وَكُلَّ يَوْمٍ لَا يَعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ (۱)

همانا عید فطر عید است برای کسی که روزه اش را خدا قبول کرده باشد و از قیامش سپاسگزاری نموده باشد و هر روزی که در آن معصیت خدا نشود آن روز عید است.

الْيَوْمَ لَنَا عِيدٌ، وَغَدَا لَنَا عِيدٌ، وَكُلُّ يَوْمٍ لَا تُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ لَنَا عِيدٌ (۲)

امروز برای ما عید است و فردا هم برای ما عید است و هر روزی را که در آن معصیت خدا نکنیم آن روز برای ما عید است.

ص: ۲۶۶

۱- جدیلی مصری، امالی رمضان، ص ۱۳۶؛ نیز ر.ک: مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج ۱۷، ص ۵۹۴.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸ (ج ۴، ص ۱۰۰).

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ نَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۱۶ جمادی الثانیہ ۱۳۹۱ ہجری قمری

از خوانندگان ملتمس دعا

لطف اللہ صافی

ص: ۲۶۷

ماه یزدان

در آمد بار دیگر ماه یزدان
به فرّ و شوکت و فیض فراوان
صبح مکرمت گردید طالع
منور شد جهان از طلعت آن
بهار توبه و آمرزش آمد
مه ایمان و عید حق پرستان
نسیم مغفرت هر سو وزان است
سحاب مرحمت باشد خروشان
مه روزه است و هنگام عبادت
خوشا حال نکوی روزه داران
در آ در مکتب «صوموا تصحوا»
که در آن می شود امراض درمان
هلا بر خود بنازید و ببالید
که ایزد را در این ماهید مهمان
الا ای معصیت کار گرفتار!
که از کردار خود هستی پشیمان
چرا بیگانه ای از در گه دوست؟
چرا حال تو زار است و پریشان؟
بنه تاریکی جهل و ضلالت

بیا در پرتو انوار قرآن

مپوزین پس ره شرّ و شقاوت

بیا اندر طریق خیر و احسان

مشو نومید از عفو خداوند

و گر هستی غریق بحر عصیان (۱)

ص: ۲۶۸

۱- اشعار از نگارنده.

مکتب «توبوا الی الله»

بیا در مکتب «توبوا الی الله»

ز قرآن آیه «لا تقنطوا» خوان

جهان را نور رحمت کرده روشن

منور شد ز اشراقش دل و جان

مبادا کفر این نعمت نمایید

که نعمت سلب می گردد ز کفران

مبارک ماه و اوقات شریفی است

به لهُو و بیهده ضایع مگردان

غنیمت دان دعا و عرض حاجات

نماز و روزه و نیکی به اخوان

به خود آای گنه کار نگون حال!

رها کن رشته بیداد و طغیان

بیا با خالق خود آشنا شو

مرو زین بیش، اندر راه شیطان

خدایا! از کرم بر من ببخشای

به رویم باز کن ابواب عرفان

ز ما بر احمد (ص) و آلش تحیات

فروزان تا بود مهر درخشان (۱)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

